

توان یاب

سال نوزدهم شماره ۷۴
(زمستان ۱۳۹۸)



صاحب امتیاز:
مجمع آموزشی نیکوکاری رعده
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سردبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:



صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفارودی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی
دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
نازنین رحیم‌زاده



گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
فاز ۲، خیابان هرمران، خیابان پیروزان
جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۲۳۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

۲	سرمقاله
۳	رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران: توان تک در این دوره، به بلوغ رسیده بود
۵	سحر شالگونی، مدیر پروژه توان تک سه: توان تک سعی دارد در حوزه استارت‌آپی، از توان یابان حمایت کند
۸	مدیر اجرایی نمایشگاه الکام‌استار تز: پیش از توان تک، بازیکن می‌ساختیم، حالا بازی می‌سازیم
۱۱	در گفت‌وگو با دکتر مشکات اسدی بررسی شد: ساینی که قرار است نوآوری‌ها را به خدمت مسئولیت اجتماعی در آورد
۱۴	ریحانه وحیدیان، عضو تیم اجرایی نمایشگاه الکام‌استار تز: توان تک در دو دوره نمایشگاه الکام‌استار تز به خوبی دیده شد و اهمیتش درک شده است
۱۶	وحید رجب‌لو، کارآفرین: توانیتو، چون در پاسخ به نیازهای خودم بود، خیلی موفق شدا
۱۹	علیرضا محمد بیگی نیا: صمیمانه از جامعه معلولان تقاضای کنم که وارد اپلیکیشن پکنوما شوند و آن را نصب کنند
۲۲	اپلیکیشن آزمایش آنلاین: پلت فرمی، برای کسانی که امکان حضور در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را ندارند
۲۴	در گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت کوشا ناشنویان پرتو تهران، بررسی شد: اپلیکیشن، برای ارتباط بی‌واسطه با دیگران!
۲۶	بنیانگذار نمایشگاه بین‌المللی تخصصی تجهیزات و خدمات توانبخشی: هدف این نمایشگاه، ایجاد زندگی آسان تر برای توان یابان است
۲۸	مدیرعامل شرکت نسیم صحت راستین، محصولات ما صد درصد قابل رقابت با مشابه خارجی هستند
۳۰	ضمیر نا خودآگاه زلزله چندر بیشتر شماسات کار با چوب و دست، روح و روان انسان را تسکین می‌دهد
۳۵	انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان، بازوی نظارتی، اجرایی و تخصصی بنیاد شهید است همه‌ی ما معلول هستیم!!
۳۸	چه خوب همیشه آگه ... سلامت
۴۰	یک زندگی تأثیر حرکات زربفت چی کونگ بر تعادل جسمی، ذهنی
۴۱	افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی معرفی کتاب
۴۳	شب توان یاب در مجتمع رعده چه خبر بود؟
۴۸	در رعده چه خبر؟

سال‌هاست که لزوم مناسب‌سازی در شهر و روستا برای زندگی بهتر افراد با نیازهای ویژه، نقل محافل مختلف است. به خصوص در ایام برگزاری مراسم روز جهانی معلولان این توجهات افزایش می‌یابد. لزوم مناسب‌سازی شهری در انواع قوانین داخلی و بین‌المللی به تصویب رسیده و سمن‌های بسیاری درگیر پیگیری این موضوع هستند. ولی هنوز پله‌ها و ناهمواری‌ها در کوچه و خیابان و معابر عمومی، مانع حضور جدی افراد با نیازهای ویژه در کوی و برزن است تا جایی‌که به ندرت افرادی را سوار بر ویلچر یا همراه با واکر در خیابان می‌بینیم که مستقلاً در شهر حضور داشته و نیازهای شخصی خود را دنبال کنند.

اما با ورود به عصر تکنولوژی (عصر فناوری اطلاعات)، همه چیز تغییر کرد و تعریف مناسب‌سازی هم متفاوت شد. حالا دیگر مناسب‌سازی محدود به نبودن پله و دست‌انداز در خیابان و بودن مترو و اتوبوس مناسب نیست. مناسب‌سازی در دوره جدید، در دسترس‌پذیری ابزار حوزه فناوری اطلاعات است که معنا پیدا می‌کند؛ ولی متأسفانه ابزارهایی که در این حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، به‌طور ناخودآگاه برای اکثریت جامعه ساخته شده و اقلیت بزرگی که ناتوانی‌های جسمی و ذهنی دارند، قادر به استفاده از آنها نیستند. این در حالیست که بسیاری از افراد توانمند دارای معلولیت، با مناسب‌سازی این ابزار قادر به حضور فعال و حرفه‌ای در این حوزه شده و می‌توانند وارد دنیای جدیدی در کسب و کار و زندگی خود شوند. در اپلیکیشن‌ها و کسب و کارهای دیجیتالی و نوپا، دسترس‌پذیری به این معناست که فردی که معلولیت دارد هم بتواند از سرویس‌ها و خدماتی که ارائه می‌شود، استفاده کند. وقتی که استارت‌آپی، راه‌حلی فن‌آورانه را ارائه می‌دهد، مهم نیست که چه کسی پشت آن است، تندرست است یا معلولیت دارد، ولی مشتریان با توجه به نیازی که دارند، از آن استفاده می‌کنند. حضور تعداد زیادی از کارآفرینان دارای معلولیت که با تسلط بر حوزه فن‌آوری اطلاعات توانسته بودند استارت‌آپ‌های موفق را به بازدیدکنندگان رویداد توان‌تک معرفی کنند، موبد این ادعا است. وقتی فردی ناشنوا اپلیکیشنی برای ارتباط بی‌واسطه با دیگران می‌سازد، وقتی فرد نابینایی اپلیکیشنی می‌سازد تا خدماتی که افراد دارای معلولیت می‌توانند به جامعه عرضه کنند را معرفی نماید و فعالیت‌های بی‌شمار دیگری که در رویداد توان‌تک عرضه شد، نشان‌دهنده ظرفیت بالای حوزه فن‌آوری اطلاعات در توانمندتر کردن افرادی است که به هر دلیل از مزایای حضور در جامعه محروم مانده‌اند. متناسب‌سازی با نیازمندی‌های خاص، استانداردهایی دارند که چنانچه پیاده شوند، دسترس‌پذیری ارتقا پیدا می‌کند. ولی چون اجرای این استانداردها هزینه‌بر است، تمایل کمتری برای اجرای آن‌ها وجود دارد. باید منتظر بود که یا به مرور زمان و یا برحسب مسئولیت اجتماعی و یا برحسب مقرراتی که در کشور گذاشته می‌شود، سایت‌ها دسترس‌پذیری خود را افزایش دهند. این مهم برعهده نهادهایی است که به‌طور داوطلبانه، به عنوان مسئولیت اجتماعی، دسترس‌پذیری خود را افزایش داده تا همه افراد جامعه بتوانند از مزایای آن برخوردار شوند.

دکتر امیر ناظمی، رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران و معاون وزیر ارتباطات است. با ایشان که از رویداد توان تک در مجموعه الکام استارتز، بازدید کردند و با شرکت کنندگانش آشنا شدند، گفت و گو کردیم و نظراتشان را در مورد سومین رویداد توان تک پرسیدیم، که می خوانید.



رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران؛

توان تک در این دوره، به بلوغ رسیده بود

خیلی از ظرفیت های حوزه فناوری اطلاعات نمی توانند استفاده کنند. پس حیطه اول از حوزه توان تک، برمی گردد به دسترس پذیری حوزه فناوری اطلاعات برای نیازمندی های خاص. این نیازمندی های خاص هر کدام استانداردهایی دارند. مثلا برای نابینایان و کم بینایان، یک سری استانداردهای فنی وجود دارد که چنانچه پیاده شوند، دسترس پذیری ارتقا پیدا می کند. استانداردهایی به همین ترتیب هم، برای ناشنوایان وجود دارد. ولی مساله این است که اجرای این استانداردها، برای سایت ها هزینه دارند، به همین دلیل ممکن است آنها تمایلی به اجرای این استانداردها نداشته باشند. البته به مرور زمان یا برحسب مسئولیت اجتماعی و یا برحسب مقرراتی که در کشور گذاشته می شود و یا برحسب بازاری که تعریف می شود، سایت ها دسترس پذیری خود را افزایش می دهند. حیطه دوم در توان تک، برمی گردد به ابزارهایی که به صورت عمومی ساخته نمی شود، بلکه صرفا برای یک نیازمندی خاص ساخته می شود. یعنی اپلیکیشنی مثل توانیتو، که صرفا برای نیازمندی خاصی، طراحی شده است.

ما با انجمن های مختلف، با شرکت ها و با اپلیکیشن های خاص جلساتی برگزار می کنیم تا دسترس پذیری ابزار فناوری اطلاعات، سرعت پیدا کند

مثلا در صفحه پرداخت اینترنتی بانک ها که در آن متناسب سازی با نیازمندی های خاص مثلا برای نابینایان صورت نگرفته است. نابینایان همه گزینه ها را به صورت گویا می توانند بگویند و نوشته هم می شود، پس تا اینجا مشکلی نیست. مشکل در نوشتن کد امنیتی است. یعنی تایپ چند حرف و عدد در جای مخصوص بر مبنای تصویری که ارائه می شود توسط مراجعه کننده تا مشخص شود، استفاده کننده ربات نیست. این بخش از صفحه پرداخت اینترنتی برای نابینایان دسترس پذیر نشده است. بنابراین این افراد، از

امسال سومین رویداد توان تک در مجموعه الکام استارتز برگزار شد. شما نقش رویداد توان تک را در توانمندسازی افراد دارای معلولیت و به نمایش گذاشتن توانمندی آنها چگونه دیدید؟

در حوزه توان تک دو حیطه اصلی داریم. بخش اول روی حیطه دسترس پذیری کار می کند، به این معنی که اگر ابزار فناوری اطلاعات وجود دارد، باید امکان استفاده از آن برای همه افراد وجود داشته باشد. بسیاری از ابزارهایی که از آن استفاده می کنیم، به طور ناخودآگاه برای اکثریت جامعه ساخته شده و نیازمندی های خاص را مد نظر قرار نمی دهند. مثلا سایتی برای یک کتاب دیجیتال طراحی می شود، با وجودی که این کتاب دیجیتال می تواند منبع خوبی برای نابینایان باشد، چون دسترس پذیری اش دقیق انجام نشده، قابلیت استفاده برای آنها را ندارد. ما با یک سری از نهادها به طور داوطلبانه، ارتباطاتی را شروع کردیم، مثل کتابخوان فیدیبو و طاقچه. از آنها خواستیم به عنوان مسئولیت اجتماعی، دسترس پذیری خود را افزایش دهند. در بعضی از حوزه ها، مشکلات عام وجود دارد؛



جایزه‌ای اختصاص دهیم و اپلیکیشنی که بیشترین متناسب‌سازی با نیازمندی خاص را انجام داده را معرفی و تشویق کنیم.

پیشنهاد شما برای توان‌تک آینده چیست؟
همین مسئله که دسترس‌پذیری را بیشتر کنیم و صرفاً متمرکز بر اپلیکیشن‌هایی نشویم که برای بازار خاص و نیازمندی‌های خاص باشد.

رویداد توان‌تک تا چه اندازه توانست نگاه شما را به افراد دارای معلولیت، به عنوان قشری که همیشه در حاشیه قرار داشته و دیده نشدند تغییر داد؟

برای من به عنوان کسی که همیشه سعی کرده‌ام موضوعات مربوط به حوزه معلولیت را دنبال کنم، تغییری ایجاد نکرد. ولی توجه به این موضوع همیشه برای من بسیار مهم است. به نظرم معرفی یک سری سلبی‌تری و افراد تاثیرگذار به تغییر نگاه عمومی به این حوزه خیلی کمک می‌کند. مثل کاری که وحید رجب‌لو و بابک حیدری انجام می‌دهند، می‌تواند برای بقیه الگو باشد. ما در برنامه‌ای که با مدارس شروع کرده‌ایم، تلاش می‌کنیم که دانش‌آموزان با نیازمندی‌های خاص را شناسایی کرده تا به جرگه افراد تاثیرگذاری که ساده‌ترین پیامشان برای دیگران این است که افراد دارای معلولیت هم می‌توانند با ویژگی‌های خود، رقابت‌پذیری داشته‌باشند و موفقیت خود را شکل دهند، اضافه شوند.

لطفا در مورد برنامه‌هایی که در مدارس اجرا کردید بیشتر توضیح دهید:

برنامه‌هایی در مدارس اجرا کردیم و افرادی که ایده‌هایی در مورد توان‌یابان داشتند را شناسایی و شرایطی را ایجاد کردیم که در نمایشگاه الکامپ امسال، از رویداد توان‌تک بازدید کنند.

ما در هر چهارمدرسه، یک برنامه استارآپ ویکند گذاشتیم و از طریق این برنامه، گروه‌هایی شناسایی شدند و به سطح منطقه و سطح بالاتر آمدند. دو دانش‌آموز هم بودند که علاوه بر این که توان‌یاب بودند، برنامه نویسی هم می‌کردند. ما این افراد را جدا نکردیم، خودشان رقابت کردند و موفق شدند. مشخصاً این طرح در مدارس دولتی و در مناطق کمتر برخوردار انجام شد. این دو نفر هم از مدرسه‌ای از جنوب شهر تهران بودند و در جلسه‌ای با بابک حیدری و وحید رجب‌لو ملاقات کردند. این دو دانش‌آموز اکنون به عنوان تینویار، تسهیلگر ما هستند و در رویدادهایمان به ما کمک می‌کنند.

با توجه به این مسئله که هرکسی به احتمال بسیار بالا دربرهه‌ای از زندگی خود، نیازمندی خاصی خواهد داشت، پس بازار این حوزه، بازار کوچکی نیست

شما عضو هیات داوران این دوره از توان‌تک بودید. توان‌تک سوم را چگونه دیدید؟

به نظرم توان‌تک در این دوره، بلوغ پیدا کرده بود. بلوغ اول این بود که همه تیم‌ها در یک فضای بزرگ درکنار هم متمرکز شده بودند و این به سایر کسب و کارها نشان داد که حوزه نیازمندی‌های خاص، یک بازار جدی است. طبق آمار موجود، بین یازده تا پانزده درصد از جمعیت کشور را افرادی با نیازمندی‌های خاص تشکیل می‌دهند. با توجه به این مسئله که هرکسی به احتمال هفتاد درصد دربرهه‌ای از زندگی خود، نیازمندی خاصی خواهد داشت، پس بازار این حوزه بازار کوچکی نیست. مخصوصاً این‌که امروز حوزه توان‌یابان با حوزه‌های دیگری مثل سالمندی و کودکان پیوند خورده‌است. یعنی اگر در مکانی رمپ ساخته‌شود، این رمپ فقط برای فردی که با ویلچر حرکت می‌کند نیست، برای کسانی هم هست که به دلیل شکستگی پا موقتا روی ویلچر می‌نشینند و برای سالمندی است که نمی‌تواند از پله بالا برود و برای مادری است که کالسکه بچه را جابه‌جا می‌کند. پس بازار بزرگی دارد و این اولین اتفاق خوبی بود که این افراد در توان‌تک در کنار هم بودند و اهمیت این موضوع را به‌خوبی نشان دادند. اتفاق خوب دوم که در رویداد توان‌تک با آن روبه‌رو شدیم، طرح‌های خیلی خوبی بود که برتکنولوژی‌های که به نیازمندی‌های خاص کمک می‌کرد، تمرکز داشت. یا همان حیطة دوم توان‌تک. شاید در توان‌تک بعدی تمرکز خود را به این حوزه ببریم، یعنی کسب‌وکارهایی که در حال فعالیت هستند، ولی نیازمندی‌های خاص را هم دیده‌اند و دسترس‌پذیری خود را افزایش داده‌اند. در نمایشگاه امسال، از یک سری استانداردها هم رونمایی کردیم. از حدود چهل تا پنجاه استانداردهای مختلف بینایی و شنوایی که دسترس‌پذیری را افزایش می‌دهد، رونمایی شد. امیدوارم سال آینده برای اپلیکیشن‌هایی که این استانداردها را پیاده‌سازی می‌کنند،

درحیطه دوم توان‌تک، مثل حیطه اول خیلی قوی نیستیم و احتیاج است که در این حوزه هم ورود پیدا کنیم. این اتفاق به مرور می‌افتد، سایت‌هایی مثل توان‌تک این دست هستند. یا اپلیکیشن مای رمپ که نقاطی را که دارای رمپ است را برای افراد دارای معلولیت، مشخص کرده‌است. بنابراین کسی که از ویلچر استفاده می‌کند با استفاده از این اپلیکیشن می‌تواند دریابد که کدام بانک یا کدام سازمان و کدام دستگاه خودپرداز، واجد رمپ هست و کدام نیست. این چنین اپلیکیشنی برای عموم مردم قابل استفاده نیست و تنها برای گروه نیازمندی خاصی تعریف شده‌اند.

به غیر از فیدیو و وطاقچه چه سایت‌های دیگری به دسترس‌پذیری اقدام کرده‌اند؟

تعداد زیادی از سایت‌ها، دسترس‌پذیری را شروع کرده‌اند که اسامی آنها به تدریج اعلام می‌شوند. مثلاً، تب‌سی و اسنپ که دسترس‌پذیری را پیاده کرده‌اند. شخصی که با ویلچر رفت و آمد می‌کند، می‌تواند به تب‌سی بگوید که ویلچری است، تا ماشین مناسب برایش فرستاده شود. یا برای نابینایان امکان گذاشتن پیام صوتی را فراهم کرده که فرد نابینا با تماس تلفنی، آدرسش را بگوید و برایش ماشین فرستاده شود. یا این که مشتری اعلام کند، نابینا و یا ناشنواست که راننده متناسب با نیازش، با او رفتار می‌کند. این کارها شروع شده و ما هم با انجمن‌های مختلف وهم با شرکت‌ها و با اپلیکیشن‌های خاص جلساتی برگزار می‌کنیم تا دسترس‌پذیری سرعت پیدا کند.

در صحبت‌هایتان گفتید که مناسب‌سازی اپلیکیشن‌ها برای صاحبان کسب‌وکارها هزینه‌بر و زمان‌بر است. آیا سازمان فناوری اطلاعات و یا وزارت ارتباطات، کمکی به کسب و کارها برای مناسب‌سازی می‌کند؟

همینطور که گفتم، انجام چنین فعالیت‌هایی هزینه‌بر و زمان‌بر است و ساده و رایگان به‌دست نمی‌آید. برای انجام چنین کاری باید هم هزینه برنامه‌نویسی دیده شود و هم حداقل یکی دوهفته نیاز است که تیم برنامه‌نویسی برای این کار، وقت صرف کند ولی ما در بودجه‌بندی وزارتخانه، سرفصلی به عنوان حمایت مالی برای هیچ موردی نداریم. اما می‌توانیم تسهیلاتی را در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهیم. یعنی اگر شرکتی برای انجام این کار وامی بخواهد، در اختیارش قرار می‌دهیم. برای دسترس‌پذیری در حوزه توان‌یابان هم وام تشویقی داریم.



سحر شالگونی، کارشناس دفتر اشتغال و مسئول حوزه خود اشتغالی در موسسه رعد است. او حدود چهار سال است که با رعد همکاری می‌کند که دو سال آن، به تدریس رشته طراحی دوخت و طراحی لباس به صورت داوطلبانه اختصاص داشته‌است. در سومین رویداد توان‌تک، او به عنوان مدیر این پروژه نقش آفرین بود.



سحر شالگونی، مدیر پروژه توان‌تک سه؛

توان‌تک سعی دارد در حوزه استارت‌آپی، از توان‌یابان حمایت کند

توان‌تک معرفی استارت‌آپ‌ها یا کسب و کارهایی بود که برای افراد دارای معلولیت، دسترس‌پذیر شده‌بودند تا الگویی شود برای استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای دیگر. مقوله دسترس‌پذیری، مقوله بزرگی است که در دنیا به آن توجه ویژه شده‌است. در اپلیکیشن‌ها و کسب و کارهای دیجیتالی و نوپا، دسترس‌پذیری به این معناست که فردی که معلولیت دارد هم بتواند از سرویس‌ها و خدماتی که ارائه می‌شود، استفاده کند. مثلاً یک فرد نابینا بتواند از طریق اپلیکیشن، غذا سفارش دهد. صاحب این اپلیکیشن باید با استفاده از نرم‌افزارهایی که مخصوص افراد نابینا برای استفاده از وسایل دیجیتال مثل کامپیوتر و موبایل طراحی شده، فضایی را در اپلیکیشن ایجاد کند تا فرد نابینا هم بتواند مانند افراد

در اپلیکیشن‌ها و کسب و کارهای دیجیتالی و نوپا، دسترس‌پذیری به این معناست که فردی که معلولیت دارد بتواند از سرویس‌ها و خدماتی که ارائه می‌شود، استفاده کند

برگزار شد و امسال، پانزده استارت‌آپ در فضای ۲۰۰ متری در این رویداد شرکت کردند.

هدف اصلی برگزاری توان‌تک چه بود؟

به طور کلی هدف از برگزاری رویداد

خانم شالگونی، امسال سومین سالی بود که رویداد توان‌تک برگزار شد. شما به عنوان مدیر پروژه رعد در توان‌تک سه، چه ارزیابی از این رویداد دارید؟

امسال سومین سالی بود که رویداد توان‌تک برگزار شد و دومین سالی بود که این رویداد در نمایشگاه الکامپ حضور پیدا کرد. اولین دوره توان‌تک در مجموعه رعد با حضور تعدادی استارت‌آپ برگزار شد. ایده اصلی برگزاری توان‌تک توسط آقای شاهین طبری ارائه شد. در سال دوم با تصمیم دبیر خانه و ایجاد امکانات و رایزنی‌ها، توان‌تک در فضای بزرگ‌تر و در قالب نمایشگاه الکامپ با همراهی آقای برهمند برگزار شد. سال اول توان‌تک در یک فضای پنجاه متری در نمایشگاه الکامپ برگزار شد، در سال دوم این رویداد در یک فضای دویست متری در نمایشگاه الکامپ



را کسب کرده بودند، جایزه دادیم. علاوه بر این دو اتفاق، یک پوویون هم، مخصوص انجمن‌های فعال در حوزه افراد دارای معلولیت داشتیم. در این پوویون بیست و پنج سمن که در حوزه‌های مختلف معلولیتی فعالیت داشتند، با ما همکاری کرده و نمایندگانشان، در روزها و ساعات خاص، حضور پیدا کردند و با کسب‌وکارهایی که در توان تک حضور داشتند و یا کسب‌وکارهایی که خارج از توان تک بودند، نشست خصوصی برگزار نمودند. برپایی این جلسات به آشنایی کسب‌وکارهای مختلف با نیازهای افراد دارای معلولیت، کمک زیادی نمود.

توان تک سعی می‌کند از افرادی که دارای معلولیت هستند و در حوزه استارت‌آپی فعالیت می‌کنند، حمایت کند. چون خیلی از این افراد به دلیل نداشتن وسیع مالی، توان معرفی خود خود را ندارند

وام به این افراد کمک زیادی کند. قول‌هایی هم داده شد ولی حداقل فایده ایجاد این ارتباط، این بود که این افراد شناخته‌شدند و چنانچه برای گرفتن تسهیلات به مسئولان مراجعه کنند، از آنها استقبال می‌شود و راه برایشان هموارتر می‌گردد.

در توان تک امسال، سه بخش جدید به این رویداد اضافه شد. یکی از آنها، برگزاری یک کنفرانس خبری با حضور تعداد زیادی از فعالان استارت‌آپی بود. در این کنفرانس خبری، آقایان طبری و سخن‌سنج و خانم پناهی سخنرانی کردند و نیازها را به گوش شرکت‌کنندگان رساندند. یک رویداد نیم‌روزه هم داشتیم که به سه استارت‌آپ برتر در حوزه معلولان و دو کسب‌وکاری که امتیازات کافی

دیگر سفارش غذا بدهد. در توان تک امسال، استارت‌آپی به نام هاناپ برای افراد ناشنوا معرفی شد که پدر و مادر ناشنوا بتوانند صدای گریه کودکان را تشخیص دهند. در بین کسب‌وکارهایی که در توان تک سه شرکت کرده بودند، دو کسب وکار در حوزه سخت‌افزاری فعالیت می‌کردند. یکی به آنها، "فن‌آسا" بود که قاشق ضد لرزش دست را برای افراد مبتلا به پارکینسون طراحی کرده بود. بقیه کسب‌وکارها در حوزه نرم‌افزاری بودند مثل؛ هاناپ، آی‌قصه (کتاب صوتی)، توانیتو و غیره. توان تک سعی می‌کند از افرادی که معلولیت دارند و در حوزه استارت‌آپی فعالیت دارند، حمایت کند. چون خیلی از این افراد به دلیل نداشتن وسیع مالی، توان معرفی خود خود را ندارند. طراحی استارت‌آپ، یک طرف و ارائه محصول به بازار و گرفتن بازخورد، طرف دیگر است که دشواری‌های خودش را دارد و چه بهتر که افراد بتوانند در فضای توان‌تک، خودشان را معرفی کنند.

این حمایت‌ها چگونه صورت می‌گیرد؟

سعی کردیم این افراد را به کارفرماها و مسئولان دولتی که از غرفه‌ها بازدید می‌کنند، معرفی کنیم.

خوشبختانه در توان تک امسال اشخاص تاثیرگذار از غرفه‌ها بازدید کردند که می‌تواند به جذب سرمایه‌گذار، حمایت مالی و دادن

هیات داوران چه کسانی بودند و کدام استارت‌آپ‌ها جایزه گرفتند؟

هیات داوران؛ خانم پناهی و آقایان طبری، دکتر امیرناظمی، علاقه‌بند و دکتر اثنی‌عشری بودند که با رای آنها افراد انتخاب شدند. به سه نفر اول که برگزیدگان سومین رویداد توان‌تک بودند؛ استارت‌آپ آزمایش‌آنلاین، نسیم صحت راستین و هاناپ، لوح و جایزه نقدی داده شد. دو کسب وکار برتر هم لوح افتخار دریافت کردند.

گفتید که در رویداد توان‌تک از طرف مسئولان و افراد سرمایه‌گذار قول‌هایی به بچه‌ها داده‌شد. این قول‌ها را چه کسی پی‌گیری می‌کند؟



این بستر در فضای توان‌تک برای دوستان فراهم شد، ولی این که خود این افراد بخواهند از این امکانات استفاده کنند یا نه، به انتخاب و پیگیری خودشان برمی‌گردد. البته ما با دوستان استارت‌آپی در ارتباط هستیم که ببینیم در چه مرحله‌ای هستند و چه امکاناتی را دریافت کرده‌اند. در توان‌تک قبلی هم این جریان طی شد و دونفر از کسانی که در توان‌تک قبل استارت‌آپ بودند (توانیتو و پازلی‌ها)، امسال به عنوان کسب‌وکار شرکت کردند. یعنی به درآمدزایی رسیده‌بودند و خدمت یا محصولشان وارد بازار شده‌بود.

آیا ارویداد توان‌تک در سال آینده هم برگزار می‌شود؟ چشم اندازتان برای آینده چیست؟

توان‌تک حتما در سال‌های بعد هم، همزمان با نمایشگاه تخصصی ال‌کامپ و در سالن ال‌کام استارترز برگزار می‌شود. امیدواریم در سال آینده بتوانیم تعداد بیشتری از استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارها را تحت پوشش توان‌تک قرار داده و معرفی‌شان کنیم. قصد داریم فراخوانی داشته‌باشیم از کسب‌وکارهایی که به درآمدزایی رسیده ولی هنوز در دسترس‌پذیری خدماتشان برای معلولان خلاء دارند. با پایان توان‌تک سوم، شناسایی استارت‌آپ‌های جدید را شروع کردیم تا استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهایی که ظرفیت دسترس‌پذیری برای افراد دارای معلولیت دارند را مورد حمایت قرار داده و از این طریق به بهبود زندگی افراد دارای معلولیت کمک کنیم. یکی از دستاوردهای سومین توان‌تک این بود که کارفرماهایی که در این رویداد شرکت کردند، مشتاق شدند از نیروها و کارآموزان رعد به عنوان نیروی منابع انسانی خود استفاده کنند. این اتفاق بزرگی بود که هم، به اشتغال و درآمدزایی دوستان دارای معلولیت کمک کرد و هم توانست الگویی برای کارفرماهای دیگر برای استفاده از افراد دارای معلولیت شود.

آیا از بچه‌های دارای معلولیت، بعد از توان‌تک کسی به کار دعوت شد؟

دونفر از کسانی که در توان‌تک قبلی، استارت‌آپ بودند (توانیتو و پازلی‌ها) امسال به عنوان کسب‌وکار شرکت کردند، یعنی به درآمدزایی رسیده‌بودند و خدمت یا محصولشان وارد بازار شده‌بود

بله در حامی‌سان و پونی‌شا این اتفاق افتاد و عده‌ای از بچه‌ها سرکار رفتند. تعداد زیادی از کارفرماها، تمایل به استخدام کارآموزان رعد را دارند. امسال هم دست پر از توان‌تک بیرون آمدیم و با شرکت‌های معتبری آشنا شدیم.

رویداد توان‌تک امسال با چه چالش‌هایی روبه‌رو بود؟

یک سری از چالش‌ها، دائمی و همیشگی است که مخصوص نمایشگاه‌داری است. مثل ساختن غرفه که همیشه در دقیقه نود انجام می‌شود. رفت و آمد بچه‌ها در محوطه نمایشگاه هم از دیگر چالش‌های ما بود. سعی کردیم با سامانه حمل و نقل معلولان هماهنگ کنیم ولی سامانه همکاری که انتظار داشتیم، را انجام نداد. ماشین فرستاد ولی متأسفانه معلوم نبود این ماشین‌ها کجا ایستاده‌اند. از آنها خواستیم که لوگوی توان‌تک را روی ماشین‌ها نصب کنند که این کار را نکردند. به جز بچه‌های رعد، یک سری مهمان دارای معلولیت هم داشتیم و لازم بود که به‌راحتی بتوانند در محیط نمایشگاه جابه‌جا شوند ولی متأسفانه مهمانان ما تردد مناسبی نداشتند. البته سالن و غرفه‌ها مناسب‌سازی بودند و رمپ داشتند. امیدواریم سال آینده، با سامانه هماهنگی بهتری انجام شود تا دوستان در رفت و آمد دچار مشکل نشوند.

یکی از چالش‌های بزرگی که داشتیم، پیدا کردن استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهایی که مناسب‌سازی شده‌اند، بود. چون هم تعدادشان کم است و هم شناختشان راحت نیست. یکسری از این کسب‌وکارها از طریق روابطی که با رعد دارند، شناسایی می‌شوند. ولی واقعیت این است که این کسب‌وکارها طیف وسیعی هستند که درجایی ثبت نشده و آمار از آنان وجود ندارد. شناختن آنها از چالش‌های بزرگ ما در هر دوره‌ای از توان‌تک است. از یک ماه پس از توان‌تک اخیر شروع کردیم به شناسایی این کسب‌وکارها و هر جا که سمینار یا همایشی مربوط به استارت‌آپ‌ها در هر حوزه‌ای باشد، سعی می‌کنیم در آن شرکت کنیم و با استارت‌آپ‌ها تماس برقرار کنیم. در مجموع توان‌تک امسال باشکوه‌تر از سال قبل برگزار شد و بازخورد خوبی داشت و توانستیم به سوی اهداف خود پیش برویم. حتما هرسال بهتر از سال قبل خواهد بود.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت علاقمند به کار استارت‌آپی دارید؟

برگزاری رویداد توان‌تک انگیزه‌ای برای کارآموزان و افراد دارای معلولیت ایجاد می‌کند که هم بتوانند از این طریق، درآمدزایی کنند و هم کسب‌وکار خودشان را راه بیندازند. شاید بعضی از کارآموزان، قبلاً جرات و جسارت لازم را نداشتند، ولی با دوره‌هایی که در نمایشگاه ال‌کامپ برگزار شد، بسیاری از آنها مشتاق به ورود به این حوزه شدند تا استارت‌آپ خودشان را طراحی کنند. این افراد باید با طراحی وب آشنا شده و کسب‌وکار دیجیتال را هم آموزش ببینند. خوشبختانه واحد آموزش رعد دوره‌های مرتبط را برگزار می‌کند و افراد علاقمند می‌توانند آماده شوند تا در این حوزه ورود پیدا کنند. توان‌تک انگیزه‌ای شد که بچه‌ها ببینند که از راه‌های دیگری هم می‌شود کسب‌درآمد کرد و حتما نباید در جایی استخدام شوند. آنها می‌توانند در خانه بنشینند و کسب‌وکار خودشان را راه‌اندازی و هدایت کنند.





مدیر اجرایی نمایشگاه کام‌استار تیز؛

آرش برهمنند مهندس عمران است، دوره‌هایی از مدیریت رسانه را گذرانده و حدود هجده سال است که روزنامه نگاری هم می‌کند. برهمنند اغلب به عنوان سردبیر ماهنامه "پیوست" شناخته می‌شود که نشریه‌ای تخصصی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است و در حوزه مدیریت و تصمیم‌سازی هم فعالیت دارد. تمرکز این رسانه بر صنایع و بازارهای رایانه، مخابرات و فناوری اطلاعات است. آرش برهمنند، سه دوره است که مدیر اجرایی کام‌استارز هم است و نام‌گذاری این رویداد و توان‌تک، به پیشنهاد او بوده‌است.

پیش از توان‌تک، بازیکن می‌ساختیم، حالا بازی می‌سازیم

آقای برهمنند، لطفا خودتان را معرفی کنید :

روزنامه نگار، سردبیر ماهنامه "پیوست" و مدیر اجرایی نمایشگاه کام‌استار تیز هستم. من از اعضای تیم اجرایی کام‌استار تیز بودم و سه دوره هم هست که مدیر اجرایی آن هستم. تاکنون شش دوره نمایشگاه کام‌استار تیز برگزار شده‌است.

لطفا در مورد رویدادهای کام‌استار تیز و توان‌تک، چگونگی شکل‌گیری آنها و نیز چگونگی هم‌زمانی آنها در نمایشگاه امسال بیشتر توضیح دهید؟

نمایشگاه کام‌پ، نمایشگاهی در خصوص الکترونیک، کامپیوتر و تجارت الکترونیک است که حدود ربع قرن است که در کشور ما برگزار می‌شود. این نمایشگاه بزرگ‌ترین نمایشگاه تخصصی در کشور ماست که آخرین آن، در وسعتی به مساحت چهل و پنج هزار مترمربع، در نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد. از شش سال قبل من و آقای شاهین

از زمانی که کام‌استار تیز شروع به کار کرد، من و آقای طبری که از دوستان قدیمی هستیم، به‌طور موازی فعالیت مشترکی در حوزه توان‌یابان را هم انجام می‌دادیم که محل برگزاری آن در موسسه رعد بود

طبری و عده‌ای دیگر از دوستان، پیشنهاد حضور کسب و کارهای نوپا همان استارآپ‌ها را در نمایشگاه کام‌پ ارائه کردیم که خوشبختانه مورد قبول مدیریت سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کل کشور و مدیر وقت کام‌پ، آقای بحری قرار گرفت. رویداد کام‌استارز را در یک محیط کوچک و با شصت تیم تخصصی

شروع کردیم و حالا بعد از شش سال، می‌توانم ادعا کنم که بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین بخش نمایشگاه کام‌پ، با چهارصد و هشتاد غرفه و پانصد و سی تیم، همین بخش کام‌استار تیز بود. از همان زمانی که کام‌استارز شروع به کار کرد، من و آقای طبری که از دوستان قدیمی هستیم، به‌طور موازی فعالیت مشترکی در حوزه توان‌یابان را هم انجام می‌دادیم که محل برگزاری آن در موسسه رعد بود. وقتی کام‌استار تیز رشد کرد و از شصت تیم در سال اول، به صد و بیست تیم در سال دوم و سیصد تیم در سال‌های بعد رسید و ظرفیت‌های خوبی هم در حوزه کسب و کارهای نو و ساخت اپلیکیشن در جامعه ایجاد شد، به این فکر افتادیم که پلی بین کسب و کارهای نو مثل؛ دیجی‌کالا، اسنپ، تپسی آپارات و دیوار... که در آن موقع خیلی کوچک‌تر از الان بودند، با حوزه معلولیت و توان‌یابان بسازیم. دو انگیزه کلیدی داشتیم؛ یکی اینکه حال که نسل جدیدی از فناوری در حال شکل‌گیری است، تلاش کنیم



که افراد دارای معلولیت هم بتوانند سوار این قطار در حال حرکت شوند. تجسم این هدف، در مناسب‌سازی بود. باید به این فکر می‌کردیم که افرادی مثل وحید رجب‌لو، بابک حیدری و افراد بی‌شمار دیگری که با وجود محدودیت فیزیکی، توانایی‌های بسیاری دارند هم بتوانند از این ابزار جدید استفاده کنند. قبل از این اگر فردی یک لپ‌تاپ یا پرینتر می‌ساخت، به این فکر نمی‌کرد که یک فرد دارای معلولیت چگونه می‌تواند از آن استفاده کند؟ ولی حالا سازنده این ابزار، این‌که اپلیکیشن بسازد که با صدای یک فردی نابینا بتواند کار کند، برایش مهم است. پس مناسب‌سازی، از اهداف اولیه ما در رویداد توان‌تک بود. هدف دوم ما، شکستن سد ذهنی که در جامعه معلولان وجود دارد، بود. بسیاری از توان‌یابان، افرادی باهوش و پرتلاشی هستند که سعی در جبران محدودیت‌های خود دارند. این افراد معمولاً زندگی متمرکزی دارند و اشتغال، برایشان بسیار مهم است. یکی از کلید واژه‌های شاهین طبری، این است که معلولی که کار دارد، معلول نیست. پس به این نتیجه رسیدیم که با بزرگ شدن شرکت‌های نوپا از یک طرف و با وجود افراد دارای معلولیتی که هم تخصص دارند و هم استعداد، باید بتوانیم این افراد را در بافت چنین شرکت‌هایی بگنجانیم. پس هدف ما از ایجاد توان‌تک، اول مناسب‌سازی و دوم اشتغال توان‌یابان بود.

پس با رعد شروع کردید و اولین توان‌تک را در مکان رعد برگزار کردید. درست است؟

بله. اولین رویداد توان‌تک را در حیاط مجموعه رعد برگزار کردیم. در این رویداد، نزدیک به صد شرکت بزرگ و کوچک نام‌نویسی کردند و چهل شرکت در همان فضای کوچک، غرفه زدند. در این رویداد حدود شصت نفر از توان‌یابان از طریق کافه‌بازار، دیجی‌کالا و دیجیاتو، که یک سایت رسانه‌ای است، پذیرفته شده و سرکار رفتند. باوجود انعطاف بالایی که در فناوری وجود دارد، امکان کار برای افراد دارای معلولیت، بسیار بالاست. مثلاً در مرکز تماس، فرد می‌تواند در خانه باشد، کار کند و درآمد داشته‌باشد. از

ادعا می‌کنم که در هفده هجده سالی که کار می‌کنم، یکی از موفق‌ترین کارهایی که به لحاظ بازخورد واقعی در جامعه انجام داده‌ام، رویداد توان‌تک بوده و خوشحالم که جزء کوچکی از آن بودم

سال بعد تصمیم گرفتیم با توجه به تجربه موفق الکام‌استارتز و توان‌تک، این دو را هم‌زمان برگزار کنیم. سال قبل توان‌تک دو را با حضور ده تیم، در قالب الکام‌استارتز، در نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار کردیم. نتیجه این شد که درحالی که رویداد الکام‌استارتز ستاره نمایشگاه الکامپ بود، توان‌تک خودش، ستاره نمایشگاه الکام‌استارتز و سوپر استار نمایشگاه شد. مجموعه مواردی که به لحاظ محتوا، خبر، توجه و دیده‌شدن، مطرح شد بسیار قابل توجه بود و نتایج ملموسی داشت. به طوری که یکسری از بچه‌ها که کسب و کارشان پا گرفته بود، به امکانات خوبی دست یافتند. مثلاً در بازدید آقای سورنا ستاری، معاون فناوری اطلاعات ریاست جمهوری از غرفه وحید رجب‌لو، ایشان قول در اختیار قرار دادن دفتری را تا قبل از پایان یافتن نمایشگاه به آقای رجب‌لو داد، که این کار انجام شد. بنابراین تصمیم گرفتیم که با توجه به ظرفیت بالای توان‌تک، امسال آن را در سطح بالاتری برگزار کنیم. نتیجه این شد که توان‌تک سه، با شرکت بیست تیم برگزار شد و گستره آن از تهران هم فراتر رفت و تیم‌های موفق‌تری، از استان‌های دیگر در آن شرکت کردند. در کنار این رویداد، مراسمی هم برای تقدیر از برگزارندگان توان‌تک برگزار کردیم و جوایزی هم به برترین‌ها تعلق گرفت. برگزاری این مراسم باعث شد که کسب و کارهایی که برای افراد دارای معلولیت و توسط خود آنها راه افتاده، دیده شوند و نیز کسب و کارهای جدیدی که در سطح بالای کشورها هم رقابت دارند، تعامل

با توان‌یابان را شروع کنند که این اتفاق بسیار خوبی بود. مثلاً اسنپ، برای افراد دارای معلولیت این امتیاز را قائل شد که علاوه بر این که سریع‌تر می‌توانند به عنوان راننده استخدام شوند، کارمزد آنها را هم حذف کرد. یعنی به یک فرد دارای معلولیت کمک کرد تا با دغدغه کمتری در ناوگان اسنپ کار کند. این نتیجه زحمات افرادی مثل شاهین طبری و خانم پناهی بود که از دو سمت (فناوری اطلاعات و جامعه توان‌یابان)، توانستند نیازهای این افراد را به سطوح بالاتر منعکس کرده که نتیجه‌اش فوق‌العاده بود. ادعا می‌کنم که در هفده هجده سالی که کار می‌کنم، یکی از موفق‌ترین کارهایی که به لحاظ بازخورد واقعی در جامعه انجام داده‌ام، رویداد توان‌تک بوده‌است و خوشحالم که جزء کوچکی از آن بودم. تا قبل از توان‌تک، ما بازیکن می‌ساختیم و حالا بازی می‌سازیم! یکی از مهم‌ترین اتفاق‌هایی که در توان‌تک امسال رخ داد، ابلاغ دستورالعمل مناسب‌سازی تمام وب‌سایت‌های دولتی و غیردولتی توسط دکتراژمی، معاون سازمان فناوری اطلاعات برای توان‌یابان بود. این نتیجه رویدادی مثل توان‌تک بود که توانست مطالبات را از کف جامعه به سطح کسب و کارها ببرد.

گفتید در توان‌تک اول شصت نفر از توان‌یابان وارد بازار کار شدند. در توان‌تک دوم و سوم هم چنین اتفاقی افتاد؟

در توان‌تک دوم و سوم، این جنبه از قضیه را به دلایلی پیگیری نکردیم چون در توان‌تک اول، این تصور که توان‌یابان نمی‌توانند کار کنند، اصلاح شد. بنابراین در توان‌تک‌های بعدی، توجه خود را از اشتغال آنها به مناسب‌سازی و تسهیل فرآیند کسب و کار سوق دادیم. مثلاً تپسی پس از توان‌تک دوم تغییر مثنی داد و نرم‌افزارش را برای استفاده توان‌یابان مناسب‌سازی کرد. کار دیگری که تپسی انجام داد و از مناسب‌سازی نرم‌افزارش هم مهم‌تر بود، تبلیغاتش در سطح شهر بود. تپسی، تبلیغاتش را به این سو برد که اگر شما معلولیت دارید، من به شما سرویس می‌دهم (اگر سنگ از آسمان ببارد، ما شما را به مقصد می‌رسانیم). بلافاصله بعد از تپسی،



تا از پله‌های سالن بالا برود. این توهین به شخصیت این افراد و نادیده گرفتن کرامت انسانی آنهاست.

چه توصیه‌ای به دوستان توان‌یاب علاقمند به کار استارت‌آپی دارید؟

من در صحبت‌هایم به چالش‌های بیرونی در برگزاری توان‌تک اشاره کردم، ولی مهم‌ترین حفره‌ای که در توسعه توان‌تک با آن روبه‌رو هستیم، فقدان خودباوری در خود دوستان توان‌یاب است. با وجود این که بعد از برگزاری چند رویداد توان‌تک، وضع خیلی بهتر شده، ولی این رویداد هنوز نتوانسته ظرفیت واقعی اجتماع افراد دارای معلولیت را نشان دهد. به دوستان دارای معلولیت توصیه می‌کنم که خودشان را به عرصه ظهور برسانند و نترسند. مثال ساده‌ای بزنم: بابک حیدری روز اول، چون به فناوری اطلاعات علاقه داشت و برنامه مرا در تلویزیون دیده بود آمده بود که فقط یک عکس یادگاری بگیرد. اما امروز آنقدر به معروفیت رسیده که مجبور است سالی یک‌بار محل کارش را عوض کند. در توان‌تک اول که در رعد برگزار شد، وحید رجبلو زمانی که می‌خواست استارت‌آپ خود را توضیح دهد، آنقدر استرس داشت که شاهین طبری برای کم کردن استرس او، دستش را گرفته بود. در این رویداد وحید به عنوان نفر سوم برگزیده شد در حالی که همین شخص اکنون یک سرمایه‌میلاردی گرفته تا کسب و کار خودش را راه بیندازد. دوستان توان‌یاب به اعتماد نفس و مهم‌تر از آن به عزت نفس نیاز دارند. نباید به دنبال این باشند که کسی برایشان کار پیدا کند، بلکه باید بدانند که افراد ارزشمندی هستند و صاحبان کسب و کار باید به دنبال آنها بیایند. حاصل رویداد توان‌تک فرهنگ‌سازی بود که انجام شد و حالا این خودشان هستند که باید خودشان را باور کنند و وارد عرصه اجتماع شوند.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در توان‌تک امسال رخ داد، ابلاغ دستورالعمل مناسب‌سازی تمام وب‌سایت‌های دولتی و غیردولتی توسط دکتر امیر ناظمی، معاون وزیر ارتباطات و رییس سازمان فناوری اطلاعات برای توان‌یابان بود

در این رویداد با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

علی‌رغم همه اتفاقات‌های خوبی که در این چند روز افتاد، متأسفانه در بدیهیات با مشکل رو به رو بودیم. خیلی دردناک بود که بینیم در کنار ایجاد چنین محتوای و موقعیت فوق‌العاده برای توان‌یابان که وزیر به آن اهمیت می‌دهد، می‌آید و با تک‌تک این افراد صحبت می‌کند و معاون وزیر در جلسات و پنل‌ها شرکت می‌کند و... ولی در جزئیات هنوز به نحو رفت‌انگیزی کمبود داریم. مثلاً توان‌یابان از سرویس رفت و آمد مناسب در نمایشگاه برخوردار نبودند و یا سالی که قرار بود ایده‌هایشان را مطرح کنند، مناسب‌سازی نشده بود! خیلی دردناک بود که در کنار ارتقا رویداد توان‌تک، نتوانستیم زیرساخت‌های بدیهی را برای این افراد فراهم کنیم. در نظر بگیرید افرادی مثل بابک حیدری که دوتا مدرک دانشگاهی دارد و یا افرادی مثل وحید رجبلو که کارآفرین است و به عده‌ای حقوق می‌دهد و توانسته سرمایه میلیاردی جذب کند، برای رفت و آمد در نمایشگاه با مشکل مواجه شود و یا فضای سالن برایش مناسب‌سازی نشده‌باشد و باید ویلچرش را بلند کنند

سایت دیوار و چند کسب و کار مهم دیگر هم در این حوزه مناسب‌سازی انجام دادند. این کسب و کارها متوجه شدند که ماجرا نه تنها برای جامعه معلولان که حدود یازده تا پانزده درصد جمعیت کشورند مهم است، بلکه برای دیگران هم اهمیت دارد که کسب‌وکاری که با آن کار می‌کنند چقدر مناسب همه افراد با هر نوع ویژگی هست.

توان‌تک سوم را چگونه دیدید؟

سومین توان‌تک، در مواردی بسیار موفق ظاهر شد ولی هنوز جای کار دارد. در جا انداختن مفهوم و اهمیت مناسب‌سازی موفق بودیم و توانستیم نیازهای افراد دارای معلولیت را در فضای فناوری اطلاعات مطرح کنیم و آن را به یک مطالبه عمومی در بازار فناوری اطلاعات مبدل کنیم که دستاورد مهمی است. مواردی که در آن هنوز به شدت ضعف داریم این است که حمایت از افراد دارای معلولیت برای خیلی از مسئولین و خیلی از کسب و کارها، در حد شعار باقی مانده و هنوز درونی یا دغدغه واقعی نشده‌است. لازم است بتوانیم یک فضای حمایتی ایجاد کنیم تا از این افراد استفاده ابزاری نشود، بلکه خود آنها مانند وحید رجبلو بتوانند یک کسب و کار در سطح ملی راه بیندازد. این چیزی است که در دوره بعد باید رویش تمرکز کنیم.

استقبال از توان‌تک در این دوره چگونه بود؟

بسیار خوب بود. تنها غرفه‌ای که هم مورد استقبال عمومی وهم توسط مقامات و مسئولین مورد بازدید قرار گرفت، توان‌تک بود. از غرفه توان‌تک شش وزیر بازدید کردند که رکورد عجیبی بود. رسانه‌ها هم به خوبی این رویداد را پوشش دادند و خدا را شکر که توان‌تک به خوبی دیده‌شد.



مشکات اسدی، مشاور امور زنان و توانمندسازی اجتماعی رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران است. او دکترای جامعه‌شناسی سیاسی است و در دانشگاه هم تدریس می‌کند. دکتر اسدی در حوزه فعالیت خود، بر روی توانمندسازی توان‌یابان و افراد کم‌برخوردار و زنان از طریق ایجاد ارتباط میان اکوسیستم استارت‌آپی کشور با فعالان در حوزه مسئولیت اجتماعی تاکید دارد. فعالیتی که سازمان فناوری اطلاعات ایران در سراسر کشور آن را دنبال می‌کند.



در گفت‌وگو با دکتر مشکات اسدی بررسی شد؛

سایتي که قرار است نوآوری‌ها را به خدمت مسئولیت اجتماعی درآورد

تشکیل داده و اعلام کرده‌اند که مثلاً؛ می‌خواهم سه ساعت در ماه به عنوان مسئولیت اجتماعی، تسهیل‌گری کنم یا مشاوره بدهم. یا مثلاً شخصی ممکن است بگوید اگر رویدادی در حوزه توان‌یابان برگزار شود، پذیرایی‌اش را برعهده می‌گیرد. ممکن است انجمن مهربان، بگوید من سرمایه‌گذاری جمعی آن تعداد ویلچر را انجام می‌دهم. همانطور که گفتم ما بودجه‌ای به عنوان دولت برای حمایت از استارت‌آپ‌ها نداریم، ولی این تسهیل‌گری را انجام می‌دهیم. فکر می‌کنم این نه ماه که این کار را به‌طور سنتی انجام دادیم، موفق بوده‌ایم و در آینده قصد داریم در بستر سامانه، پرقدرت‌تر عمل کنیم. در واقع در این سامانه، یک‌سری از افراد پروژه‌هایشان را تعریف می‌کنند و یک سری هم که از قبل برای مسئولیت اجتماعی داوطلب شده‌اند، از طریق این سایت، به هم متصل می‌شوند. واقعیت این است که تمام اکوسیستم استارت‌آپی ما علاقمند هستند که در

از زرد می‌خواهیم که در شناسایی بچه‌های توان‌یاب، در مناطق محروم سی و یک استان کشور به ما کمک کنند

توان‌یابان، تعریف کنند. مثلاً اعلام کنند که فلان ایده یا رویداد را می‌خواهم برگزار کنم و یا مثلاً به تعدادی ویلچر برقی نیاز دارم و می‌خواهم سرمایه‌گذاری جمعی کنم. از طرف دیگر، تعداد زیادی از افراد و شرکت‌ها از فضای استارت‌آپی کشور، قبلاً در این سایت، پروفایل

شما به عنوان مشاور رئیس سازمان فناوری اطلاعات در توانمندسازی اجتماعی، در این حوزه چه خدماتی را ارائه می‌کنید؟

ما در حوزه توانمندسازی اجتماعی، برای گروه‌های کم‌برخوردار مثل توان‌یابان، سالمندان، زنان و کودکان فعالیت‌هایی را شروع کرده‌ایم. بودجه خاصی برای این حوزه نداریم ولی در چندین ماهی که فعالیتمان شروع شده، متوجه شدیم که اکوسیستم استارت‌آپی کشور ظرفیت ویژه‌ای برای فعالیت در حوزه مسئولیت اجتماعی دارد. مثلاً وقتی رویداد دانش‌آموزی را برای مناطق کم‌برخوردار در روستاهای چابهار و هرمزگان برگزار می‌کنیم و نیاز به تسهیل‌گر داریم، افراد زیادی به ما کمک می‌کنند. درحوزه توان‌یابان هم دوستانی به ما کمک کردند. تاکنون به روش سنتی این کار را انجام می‌دادیم، ولی حالا سایتی راه‌اندازی کرده‌ایم که (به‌زودی رونمایی می‌شود) با عنوان "نوآفرین CSR" که افراد می‌توانند در این سایت، رویدادها، ایده‌ها و پروژه‌هایشان را در حوزه





حوزه کودکان و دانش‌آموزان فعالیت کنند، ولی اداره آموزش و پرورش اجازه ورود آنان به مدارس را نمی‌دهد. اما از آنجا که آموزش و پرورش با ما پروژه دارد، اگر استارت‌آپ‌ها بیایند و در سایت مسئولیت اجتماعی با پروژه‌های ما همراه شوند، با مجوز ما می‌تواند وارد آموزش و پرورش شده و فعالیتشان را دنبال کنند. سیزده دوره برای آموزش و پرورش، در محدوده سنی پانزده تا هفده سال و ده دوره هم برای کودکان شش تا سیزده سال برگزار کردیم. در تمام این دوره‌ها بیش از سیصد تسهیل‌گر به ما کمک کردند و سه‌هزار دانش‌آموز را آموزش دادیم. از رعد می‌خواهیم در شناسایی بچه‌های توان‌یاب در مناطق محروم سی و یک استان به ما کمک کند.

افراد مختلف چگونه می‌توانند به این سایت دسترسی داشته باشند؟

اگر دوستان عنوان "مسئولیت اجتماعی اکوسیستم استارت‌آپی کشور" را سرچ کنند، این سایت در اختیارشان قرار خواهد گرفت. این سایت قرار است نوآوری اجتماعی را در خدمت مسئولیت اجتماعی بیاورد. افراد وارد این سایت می‌شوند و پروفایل درست می‌کنند و تعریف می‌کنند که می‌خواهند چه کاری را انجام دهند. مثلا شخصی می‌گوید: من پول ندارم ولی می‌توانم به افراد و یا استارت‌آپ‌ها، خدمات مشاوره‌ای بدهم. یا مثلا می‌توانم تسهیل‌گری انجام دهم، می‌توانم تولید محتوای صوتی تصویری و ویدیویی انجام دهم، یا عکاسم و می‌خواهم در رویدادهای توان‌یابان رایگان عکاسی کنم، یا می‌توانم رویداد و کمپین برگزار کنم، می‌توانم سرمایه‌گذاری جمعی انجام دهم، می‌توانم خدمات پذیرایی و تشریفات انجام دهم یا مثلا مرکزی مثل رعد می‌گوید: به پانزده نفر از توان‌یابان بورس می‌دهم که فلان دوره برنامه‌نویسی را بگذرانند و...

شما به عنوان سازمان فناوری اطلاعات ایران در مقابل این پیشنهادات چه می‌کنید؟

ما خدمات مشاوره‌ای می‌دهیم، دسترسی به شبکه محلی و بازار را برایشان فراهم می‌کنیم، تسهیلاتی مثل وام در اختیارشان قرار می‌دهیم. مشاوره حقوقی می‌دهیم و در برگزاری رویدادها هم می‌توانیم کمکشان کنیم. وقتی افراد وارد این سایت می‌شوند،

دوستی به ما توصیه کرد که؛ رویداد خاصی را با عنوان توان‌یابان برگزار نکنید و آنها را از بقیه جامعه جدا نسازید، بلکه این رویداد را برای کودکان برگزار کنید و ما در هر رویداد درصدی از توان‌یابان را وارد آن می‌کنیم

با وجودی که هنوز رونمایی نشده، می‌توانند چیزی حدود شصت پروژه را ببینند، مثل پروژه طرح توانمندسازی جوامع محلی (پالیوت چابهار) یا طرح آموزش کودکان بر بستر فناوری اطلاعات، که به بچه‌ها برنامه‌نویسی یاد می‌دهد که به جای این که گیم بازی کنند، خودش گیم بسازند.

برای کودکانی که دارای معلولیت هستند، چه می‌کنید؟

ما با یکی از دوستان در موسسه رعد که به‌طور خاص در بحث دسترس‌پذیری کار می‌کند، همکاری داریم. این همکاری به ما توصیه جالبی داشت. او گفت؛ که شما رویدادی با عنوان توان‌یابان برگزار نکنید و آنها را از بقیه جامعه جدا نکنید، این رویداد را برای کودکان برگزار کنید و ما هم در هر رویداد، درصدی از توان‌یابان را وارد آن می‌کنیم. نتیجه این می‌شود که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه با بچه‌های دارای معلولیت رفتار کنند و دانش‌آموزان دارای معلولیت هم در متن جامعه قرار گرفته و محدود نمی‌شوند. از زمانی که با این دوستان فعال در حوزه دسترس‌پذیری، ارتباط برقرار کردیم، در هر رویدادی که برای کودکان برگزار می‌شود، سی درصد آن را بچه‌های توان‌یاب تشکیل می‌دهند. این رویدادها در حوزه آموزش، اشتغال، سلامت و مدیریت بحران است که در هر کدام از آنها، گروهی با ویژگی‌های خاص حضور دارند. سامانه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی در همه جای دنیا گزینه‌ای دارند که افراد می‌توانند مستقیما پول‌های خود را در آنجا واریز کنند،

ولی چون ما یک نهاد دولتی هستیم، نخواستیم که هیچ پولی در این سامانه رد و بدل شود. ما فقط دوطرف خدمات دهنده و خدمات گیرنده را به هم متصل می‌کنیم. افرادی به ما مراجعه کردند که با آنها قرارداد ده رویداد در مورد کودکان را ببندیم. ولی ما به آنها گفتیم که استاندارد برگزاری رویداد و پروتکل‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهیم و شما را به اکوسیستم استارت‌آپی که برای شما تسهیلگری کنند هم متصل می‌کنیم ولی نمی‌توانیم پولی در اختیارشان قرار دهیم که با استقبال خوبی هم روبه‌رو شد. البته کسی که پروژه را تعریف می‌کند، سود مالی هم می‌برد، چون برای گرفتن هر کدام از این خدمات قبلا می‌بایست مابه‌ازای آن پول پرداخت می‌کرد، ولی الان به نیروهایی متصل شده که داوطلبانه و با جان و دل این کار را انجام می‌دهند. فقط به یک نکته باید اشاره کنم؛ ما به عنوان سازمان فناوری اطلاعات، استاندارد این رویدادها را تعیین می‌کنیم و این‌گونه نیست که هرکسی بگوید که من تسهیلگر هستم و ما او را بدون هیچ بررسی به جایی مثل آموزش و پرورش بفرستیم. حتما کد ملی این افراد و رزومه آنها در اکوسیستم استارت‌آپی بررسی می‌کنیم و اگر واجد شرایط بودند، تاییدشان می‌کنیم. یعنی صرف داوطلب شدن دلیل بر حضور نیست، باید دانش کافی هم از قبل داشته باشند. ما مشخصا در سامانه مسئولیت اجتماعی خود، در حوزه‌هایی مثل، آموزش، اشتغال، سلامت، مدیریت بحران و توان‌یابان که یکی از موضوعات خاصمان هست، ورود پیدا می‌کنیم.

اطلاع‌رسانی شما در مورد سامانه به چه صورت خواهد بود؟

این سایت هنوز رونمایی رسمی نشده‌است ولی در آینده در مصاحبه با رسانه‌ها آن را معرفی خواهیم کرد و به‌خصوص برای رسانه‌های فعال در حوزه آموزش، زنان و سالمندان و گروه‌های خاص این اطلاع‌رسانی انجام خواهد شد.

شما در رویداد توان‌تک هم حضور داشتید. به نظر شما چالش استارت‌آپی‌هایی که در حوزه توان‌تک کار می‌کنند چیست؟

در جلسه اولی که با حضور تعداد زیادی از دوستان و فعالان این حوزه

برگزار شد، به این نتیجه رسیدیم که استارت‌آپ‌هایی که در حوزه توان‌تک کار می‌کنند، بزرگ‌ترین مشکلشان این است که نمی‌توانند به دیتاها و اطلاعات دولتی به‌طور آنلاین دسترسی داشته باشند. در دومین جلسه که نماینده مجتمع رعده، خانم آسا براتی هم در آن حضور داشت، اتفاقی که افتاد این بود که از یک طرف استارت‌آپ‌ها و انجمن‌های فعال را دعوت کردیم و از طرف دیگر هم قسمتی از بدنه دولت که این انجمن‌ها و استارت‌آپ‌ها به کمکشان احتیاج داشتند را دعوت نمودیم و یک تسهیل‌گری انجام دادیم. مثلاً آقای وحید رجب‌لو از بهزیستی آمار افراد دارای معلولیت را می‌خواست. اگر خود استارت‌آپ‌ها مستقیماً از بهزیستی چنین درخواستی کند، به او این آمار را نمی‌دهند. ولی ما به عنوان سازمان فناوری اطلاعات اگر واسطه باشیم، این کار انجام می‌شود. یا یکی از دوستان، نیاز به آمار پزشکی داشت، یا مثلاً آزمایش آنلاین، نیاز به اطلاعاتی اینچنینی به‌طور آنلاین داشت. جلسه دوم ما با ستارت‌آپ‌ها، در این مورد بود. دکتر ناظمی هم نگاه بسیار دقیقی به این موضوع دارند. ایشان معتقدند که در کنار حمایت از کسب و کارها و استارت‌آپ‌هایی که مشخصاً برای گروه‌ها با ویژگی خاص کار می‌کنند، استارت‌آپ‌هایی که در این حوزه فعال هستند و به بلوغ رسیده‌اند را تشویق کنیم که دسترس‌پذیر شوند. به نظر من این چیزی است که نیاز جامعه امروز ماست. به تازگی چند استارت‌آپ که در مورد دسترس‌پذیری در حوزه گردشگری کار می‌کنند با من تماس گرفتند. به نظر من این گروه‌ها می‌توانند بسیار موفق عمل کنند. البته همانطور که گفتم افراد دارای معلولیت و نیازهای خاص باید بتوانند در کنار استارت‌آپ‌هایی که مشخصاً خدمات ویژه‌ای به آنها ارائه می‌دهند، از خدمات کسب و کارهای فعال در جامعه هم بهره‌مند شوند. هردوی آنها مورد نیاز است ولی دومی چون با تغییر نگرش هم همراه است، این فرصت را به این افراد می‌دهد که همه جا در کنار مردم باشند و این نگاهی است که سازمان فناوری اطلاعات آن را دنبال می‌کند.

اجله بدهید خاطر ای بگویم. اکثر رویدادهای دانش‌آموزی که برگزار کردیم، برای دختران بود و تعداد کمتری هم

در این سامانه، یک سری از افراد پروژه‌هایشان را تعریف می‌کنند و یک سری هم که از قبل، برای مسئولیت اجتماعی داوطلب شده‌اند، از طریق این سایت به هم متصل می‌شوند

برای پسران داشتیم. پسرها شیطنتهای خاص خود را داشتند. این بچه‌ها از پنج مدرسه کم برخوردار جمع شده و در یکی از رویدادهایی که در وزارت ارتباطات برگزار شده بود و تعدادی از مسئولان دولتی هم در آن حضور داشتند، شرکت کرده بودند. درست در روز سوم که قرار بود بچه‌ها طرح‌های خود را ارائه دهند، یکی از بهترین تسهیلگران ما که موسس یکی از بهترین استارت‌آپ‌ها بود پیش من آمد و از بچه‌ها گله کرد که آنها همکاری نمی‌کنند و نمی‌خواهند طرحشان را ارائه دهند. من پیش بچه‌ها رفتم و گفتم آیا شما می‌دانید کسانی که اینجا در راستای مسئولیت اجتماعی خود به شما آموزش می‌دهند، چه افراد گرانی هستند و درازای چند روزی که برای آموزش به شما آمده‌اند، چقدر هزینه مالی متقبل می‌شوند؟ بچه‌ها گفتند، خوب نمی‌آمدند، به ما چه؟! ما هیچ علاقه‌ای نداریم و نمی‌خواهیم طرحی را ارائه دهیم. پرسیدم ایده شما در مورد چیست؟ گفتند می‌خواهیم برای توان‌یابان چند کار انجام دهیم و حالا پشیمان شده‌ایم. من گفتم، آیا وحید را می‌شناسید؟ پرسیدند، وحید کی هست؟ همانجا در گوگل سرچ کردم، وحید را به آنها نشان دادم و توانیتو را به آنها معرفی کردم. بچه‌ها انگار غیرتشان از خواب بیدار شد که فردی با بیش از نود درصد معلولیت، اینقدر فعال و موفق است. به آنها گفتم، وای به احوالتان اگر فردا، جزو سه ایده برتر نباشید. بچه‌ها آن شب نخوابیدند و در خانه یکی از آنها، دور هم جمع شده بودند و روی ایده خود کار کردند. صبح روز بعد ایده خود را ارائه دادند و به عنوان ایده دوم انتخاب شدند. من به آنها قول داده بودم که اگر جزو سه ایده برتر باشند آنها را برای دیدن توانیتو

و آشنایی با وحید ببرم. که این کار را انجام دادم. اتفاقاً یکی دوتا از بچه‌های توان‌یاب که برنامه‌نویس حرفه‌ای هم هستند همراه ما شد.

سخن آخر:

دو بعد در بحث آموزش و ارتباط فناوری اطلاعات با موضوع توان‌یابان بسیار مهم است. بعد اول، بحث آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات به توان‌یابان است. باید ببینیم که چگونه برنامه‌نویسی را به آنها آموزش دهیم که افرادی مثل وحید رجب‌لو، بابک حیدری یا آیدین نعمتی از آن متولد شوند. مثل کاری که ما در سازمان فناوری اطلاعات انجام می‌دهیم. ما برنامه‌نویسی با زبان اسکرچ، کارآفرینی و فناوری اطلاعات را به این بچه‌ها یاد می‌دهیم. این آموزش‌ها حتی شامل کودکان با مشکلات ذهنی یا دیرآموز هم می‌شود. وقتی یک کودک خردسال می‌تواند با موبایل و تبلت یک بازی را انجام دهد، قاعدتاً بچه‌هایی با درصد هوشی پایین هم می‌توانند چنین آموزش‌هایی را ببینند. بعد دیگر، این است که این فناوری اطلاعات و ارتباطات چگونه می‌تواند در خدمت توانمند کردن این افراد قرار بگیرد. ما به هردو این ابعاد در سازمان فناوری اطلاعات می‌پردازیم و هردوی آنها برابری اهمیت دارد. وقتی صحبت از عدالت آموزشی می‌شود منظور این است که تمام افراد و گروه‌ها در سراسر کشور از محتوای آموزشی برابر برخوردار شوند. گروه‌هایی با ویژگی خاص هم از این قاعده مستثنی نیستند. اگر یک محتوای دیجیتال مناسب تهیه شود، همه گروه‌ها با ویژگی‌های خاص و گروه‌های کم‌برخوردار در مناطق مختلف کشور، می‌توانند از آن برخوردار باشند. البته این دو موضوع با هم تفاوت دارد. یکی دسترس‌پذیری است که باید استارت‌آپ‌های مختلف را تشویق کنیم که در راستای مسئولیت اجتماعی خود آن را انجام دهند و دیگر، برگزاری رویدادهایی برای کودکان و دانش‌آموزان و آموزش برنامه‌نویسی و کارآفرینی در حوزه فناوری اطلاعات است. هر دوی این ابعاد در کنار هم برای ما مهم است و به آن می‌پردازیم. لازم است که بگویم سازمان فناوری اطلاعات در حوزه توانمندسازی اجتماعی، فقط به موضوع توان‌یابان توجه ندارد، بلکه به موضوع زنان و به گروه‌های کم‌برخوردار هم نگاه می‌کند.



ریحانه وحیدیان، پژوهشگر حوزه شهر هوشمند و استارت‌آپ‌های شهری است. او که سابقه فعالیت در شهرداری تهران را دارد، در حال حاضر به عنوان دستیار جوان رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران در وزارت ارتباطات مشغول به کار است. او می‌گوید: «به دلیل برگزاری توان‌تک در دو سال اخیر نمایشگاه الکام‌استارز، آشنایی بیشتری با دوستان توان‌یاب پیدا کرده‌ام. پیش از این در دوران دانشجویی ضوابط مربوط به مناسب‌سازی فضاهای شهری را در دانشگاه خوانده بودیم، ولی هیچ وقت به صورت ملموس این نیازها را درک نکرده بودم. در واقع ارزش و اهمیت رعایت استانداردهای مناسب‌سازی در رویدادهایی که دوستان دارای معلولیت در آن شرکت کردند، به خوبی دیده شد. اینکه یک میله و یا یک رمپ چقدر می‌تواند به سهولت تردد و اعتماد به نفس آنها کمک کند، چیزی بود که هیچ‌وقت به عنوان یک طراح شهری به آن توجه نکرده بودم» گفت‌وگو با ایشان را می‌خوانید.



ریحانه وحیدیان، عضو تیم اجرایی نمایشگاه الکام‌استارز

توان‌تک، در دو دوره نمایشگاه الکام‌استارز به خوبی دیده شد و اهمیتش درک شده است

در محل خوبی برای بازدید و همسان با سایر غرفه‌های شرکت‌های بزرگ و کسب و کارهای نوپا قرار داشت، جنب و جوش اصلی نمایشگاه در آن منعکس شد و توانست پیوند خوبی با دیگر قسمت‌های نمایشگاه برقرار کند. همین که توان‌تک و افراد دارای معلولیت، در کنار سایر استارت‌آپ‌ها دیده شدند و مشخص شد که این افراد هم مانند سایرین در جامعه زندگی می‌کنند و توانایی‌هایی دارند که می‌توانند در خدمت همه مردم جامعه قرار بگیرد، دستاورد مهمی بود. به نظرم امسال رویداد توان‌تک در نمایشگاه حل شده بود و شان آن هم همین بود که معلوم شود این افراد، هموطنان ما هستند و چنین توانایی‌هایی دارند و چنین خدماتی را ارائه می‌دهند. این کنار هم بودن، بسیار ارزشمند بود. امیدوارم که توان‌تک در سال بعد، پربارتر و با کیفیت‌تر، در نمایشگاه الکام‌استارز

وقتی که استارت‌آپی، راه‌حلی فناورانه را ارائه می‌دهد، مهم نیست که چه کسی پشت آن است، تندرست است یا معلولیت دارد، من به عنوان مشتری از آن استفاده می‌کنم

بود. امیدوارم در سال آینده پربارتر هم برگزار شود. خوشبختانه توان‌تک در فضای الکام‌استارز به خوبی دیده شد و اهمیتش درک شد.

توان‌تک سوم را چگونه دیدید؟

به نظرم توان‌تک با الکام‌استارز کاملاً در هم تنیده شده بودند و چون پلویون

شما به عنوان داوطلب در هر سه دوره توان‌تک حضور داشتید. چه نظری در مورد این رویداد و مسیری که در این سه سال طی کرد، دارید؟

من در توان‌تک اول حضور کمی داشتم و تنها در اختتامیه در کنار دوستان بودم ولی در دو توان‌تک بعدی که در الکام‌استارز برگزار شد، به دلیل عضویت در تیم اجرایی، با مجتمع رعده، آقای طبری و آقای برهمند همکاری داشتم و هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دادیم. به این نتیجه رسیدیم که الکام‌استارز لزوماً مربوط به آدم‌های تندرست نیست که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، بلکه برای حضور افراد توانمندی که معلولیت دارند و جامعه آنان را پس زده هم، می‌باشد. سال پیش توان‌تک ۹۷ در حاشیه سالن ۱۰ و ۱۱، در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد ولی پلویون امسال، خیلی بزرگ‌تر و در نقطه مناسبی از سالن ۹ و ۸



حضور یابد. خیلی خوب است که همه در کنار هم، این مسیر را بدون تبعیض و حتی با تبعیض مثبت ادامه دهیم. همین که رقابت واقعی را در کنار هم تجربه کنیم، کافی است. وقتی که استارت‌آپی، راه‌حلی فناورانه را ارائه می‌دهد، مهم نیست که چه کسی پشت آن است؛ تندرست است یا معلولیت دارد؟ من به عنوان مشتری از آن استفاده می‌کنم.

حضور بچه‌های دارای معلولیت را در این نمایشگاه چطور دیدید؟

به نظرم بچه‌ها حضور خوبی در نمایشگاه داشتند، گرچه می‌توانست بیشتر از این هم باشد. باید به سمتی برویم که همه مکان‌های نمایشگاه، دسترس‌پذیر باشد. هر چند بزرگی و وسعت نمایشگاه ممکن بود برای بچه‌ها آزار دهنده باشد، ولی حداقل در سالن‌های الکام‌استارز، دسترسی‌ها بد نبود.

چشم انداز شما در مورد حضور توان‌تک در نمایشگاه سال بعد چیست؟

توان‌یابان و مجتمع رعد موقعیتی را در نمایشگاه الکام‌استارز کسب کرده‌اند که قابل حذف نیست. باید همه توان‌یابان و انجمن‌های حوزه معلولیت، پای کار بایستند و جلو بروند تا توان‌تک در سال‌های بعد در سطح وسیع‌تری دیده شود. باید محتوایی که قرار است در سال بعد عرضه شود، کیفی‌تر از امسال باشد. در سال‌های اول و امسال، جنگیدن برای حضور مطرح بوده، ولی حالا این موقعیت پذیرفته شده و همه منتظرند که توان‌تک در آینده، با قدرت بیشتری حضور پیدا کند. به نظرم بخشی از وظایف توان‌تک، معرفی کسب و کارهاست و بخش دیگر هم مطالبه‌کننده حقوق توان‌یابان از مسئولین و مردم چه در قالب سایر کارآفرینان و چه در قالب مشتریان است. برگزار کنندگان توان‌تک باید آگاه باشند که با توجه به حوزه فعالیت مسئولان بازدیدکننده، مطالبان جامعه توان‌یابان را هدفمند پیگیری نمایند. امسال بازدیدکنندگان زیادی از مدیران نهادهای تصمیم‌گیر و مهم داشتیم که این افراد حتما در دستگاه‌های خود بایستی پاسخگوی مسئولیت خود در قبال توان‌یابان باشند.

امسال بچه‌های پویون توان‌تک غافلگیر شدند که شش وزیر از الکام‌استارز بازدید کردند. پس برای سال بعد باید آماده‌تر باشند و بتوانند درخواست‌ها و مطالباتشان را فعالانه مطرح کنند

به نظر شما، امسال توان‌تک توانست انتظارات خود را به مسئولان منتقل کند؟

امسال به نظر من بیشتر در حد آشنایی اولیه بود. آقای چهرمی وزیر محترم ارتباطات، پارسال و امسال در نمایشگاه شرکت کردند و با توان‌تک آشنا بودند، ولی مدیران زیادی بودند که اصلا از چنین موضوعی خبر نداشتند و امسال با آن آشنا شدند. اینکه توان‌یابان چقدر توانستند از حضور مدیران و مسئولان استفاده کنند را باید از برگزار کنندگان توان‌تک پرسید. شاید امسال بچه‌ها غافلگیر شدند که شش وزیر از الکام‌استارز بازدید کردند، پس برای سال بعد باید آماده‌تر باشند و بتوانند درخواست‌ها و مطالباتشان را فعالانه مطرح کنند. این فرصت کوتاهی است که بچه‌ها باید بتوانند از آن به خوبی استفاده کنند.

به نظر شما اطلاع‌رسانی در مورد توان‌تک چگونه باید باشد تا همه افراد مستعد مطلع شوند و در آن شرکت کنند؟ امسال گروه‌هایی از شهرستان‌های کوچک در این رویداد شرکت کردند و جایزه هم گرفتند.

این مسئولیت برعهده مجتمع رعد است که بتواند با کل جامعه استارت‌آپی در تماس باشد و بچه‌های فعال توان‌یاب را در جریان قرار دهد و اطلاع‌رسانی کند. تا اردیبهشت و خرداد سال آینده که برنامه‌ریزی‌های اجرایی نمایشگاه الکام‌استارز شروع می‌شود، رعد باید اعلام کند که من این تعداد کسب و کار را جمع کرده‌ام و به این مقدار فضا نیاز دارم. چون فضای غرفه‌هایی که

توان‌یابان برای تردد به آن نیاز دارند، با فضای افراد دیگر متفاوت است. از همین حالا باید توان‌یابان را تشویق به حضور در نمایشگاه کرد و آموزش‌های لازم را به آنها داد تا چگونه خود را معرفی کنند و برای کسب‌وکارشان مشتری جلب کنند.

یکی از مواردی که مورد اعتراض بود، تردد افراد توان‌یاب در فضای نمایشگاه بود. با وجودی که داخل غرفه‌ها مناسب‌سازی بود، ولی آنها در فضای بیرون با مشکل روبه‌رو بودند. چرا برای تردد آنها در فضای نمایشگاه فکری نشده بود؟

متأسفانه برای ورود و خروج از نمایشگاه و حتی رسیدن به غرفه مورد نظر در آن هوای گرم، مشکلاتی وجود داشت. برای رفع این مشکلات برای سال آینده نیاز است که گزارشی دقیق از چالش‌های بچه‌ها تهیه شود و به مسئولان شرکت نمایشگاه‌ها، ارائه شود. باید از همین الان برای سال آینده پیش‌بینی‌های لازم انجام شود و به آنها گفته شود که اگر نمایشگاه را برای همه دسترس‌پذیر کنید، بازدیدکننده برای همه نمایشگاه‌ها در طول سال و از جمله الکام‌پ و الکام‌استارز افزایش پیدا می‌کند.

شما به عنوان کسی که با حوزه توان‌یابان آشنا شده‌اید، چه انتظاری از خود این بچه‌ها دارید؟

انتظار این است که فعال و مطالبه‌گر باشند. تا وقتی صدای این افراد شنیده نشود، مشکلی هم حل نمی‌شود. بچه‌ها باید خیلی پویا و پر انرژی و اعتماد به نفس، وارد این حوزه بشوند و بدانند که خصوصیت حوزه فناوری اطلاعات این است که مانعی برای رشد و توسعه فعالیت توان‌یابان در این حوزه وجود ندارد. بچه‌ها می‌توانند از همه ابزارهای دیجیتال و راه‌حل‌های فناورانه استفاده کنند تا ایده‌های را به کسب و کار تبدیل کنند. افرادی با تخصص‌های مختلف و همفکر را می‌توانند در کنار هم گردآورند و کارشان را توسعه دهند. این تیم اگر انرژی و همت و انگیزه‌شان را در کنار هم بگذارند، کار ارزشمندی شکل می‌گیرد و در جامعه ماندگار می‌شود.

وقتی همه هوای یکدیگر را داشته باشند، شرایط زندگی برای همه بهتر می‌شود.



وحید رجب‌لو، سیزده سال است که با حوزه IT (فناوری اطلاعات) آشنا شده و در این حوزه کار می‌کند. او به خاطر معلولیت شدیدی که داشت نتوانست در مدارس عادی حضور داشته باشد و در خانه درس خواند. از زمانی که با کامپیوتر آشنا شد، در این حوزه مشغول به فعالیت شد و چند سال است که استارت‌آپ موفق توانیتو را راه‌اندازی کرده‌است. وحید هم نقاشی می‌کند و هم نویسنده است. او می‌گوید: اگر چنین امکانی در حوزه کار استارت‌آپی نبود، باز هم در حوزه‌های دیگری کار می‌کردم، بالاخره راهی را باز می‌کردم و بی‌کار نمی‌نشستم



وحید رجب‌لو، کارآفرین؛

توانیتو، چون در پاسخ به نیازهای خودم بود، خیلی موفق شد!

و بازاریابی اجرا کرده‌ام که توانیتو یکی از آنها و در واقع گل سرسبد آنها بود و چون از نیاز خودم ناشی می‌شد، خیلی موفق شد. توانیتو باعث شد با افراد زیادی آشنا شوم و آنها هم به من سرویس‌های مناسبی ارائه دهند. مثل آرایشگر، پزشک، کاردرمانگر و حتی افرادی که خرید روزانه را انجام می‌دهند و در قبالتش مبلغی دریافت می‌کنند. البته اسم این پروژه که در شروع یک سایت آزمایشی بود، همیارمهر بود. من در رویداد توان‌تک اول در موسسه رعد غرفه داشتم و این پروژه در آنجا بسیار خوب معرفی شد. از همان سال، اسم آن را به توانیتو تغییر دادم، چون احساس کردم همیارمهر، نامی عامیانه و خیره‌مانند بود و من این کار را خیره‌ای نمی‌دیدم. توصیه دوستانم انتخاب

توانیتو، هم اپلیکیشن دارد و هم وب‌سایت. افراد می‌توانند هم سرویس‌های خود را معرفی و ثبت کنند و هم به عنوان کاربر، به دنبال نیازهای خود بگردند

بر برنامه‌نویسی پیدا کردم، از کارمن استقبال شد و حدود هشت‌سال است که برنامه‌نویسی می‌کنم.

در مورد برنامه توانیتو که توسط شما راه‌اندازی شد و در رویداد توان‌تک جایزه گرفت توضیح دهید؟
من پروژه‌های زیادی در حوزه نرم‌افزار

آقای رجب‌لو لطفاً از خودتان و از فعالیتتان بگویید:

وحید رجب‌لو هستم و سی و دو سال سن دارم. سیزده سال است که با حوزه IT (فناوری اطلاعات) آشنا شده و در این حوزه فعالیت می‌کنم. من به خاطر معلولیت شدیدی که داشتم نتوانستم در مدارس عادی درس بخوانم، در خانه درس می‌خواندم و به صورت غیرحضوری امتحان می‌دادم. از زمانی که با کامپیوتر آشنا شدم، در این حوزه مشغول به فعالیت شدم. بیماری من ضعف عضلانی و نخاعی پیش‌رونده است که بر روی تمامی عضلاتم تاثیر می‌گذارد. مدتی در حوزه سخت‌افزاری و تعمیر کامپیوتر کار کردم ولی با بیشتر شدن معلولیت‌م، به سراغ کارهای مجازی و نرم‌افزاری رفتم. بعد از تسلطی که



اسمی بود که از توانایی و از شخصیت خودم الهام گرفته‌باشد، پس اسم توانیتو را انتخاب کردم. از آن زمان به دنبال بزرگ کردن این پروژه بودم و اکنون حدود دوسال است که توانیتو گسترش پیدا کرده و خیلی جدی فعالیت دارد.

چطور می‌توان از خدمات این استارت‌آپ استفاده کرد؟

توانیتو، هم اپلیکیشن دارد و هم وب‌سایت. افراد می‌توانند هم، سرویس‌هایی که دارند را معرفی و ثبت کنند و هم به عنوان کاربر، به دنبال نیازهای خود بگردند. مثلاً اگر من در این اپلیکیشن درخواست سرویسی مثل خیاطی کنم، شما این پیام را روی موبایل خود می‌بینید و اگر من مشتری مناسبی باشم، درخواستم را قبول می‌کنید. سپس در زمان معینی، به محلی که مشتری درخواست کرده مراجعه و خدمت را دریافت می‌کنید.

آیا این اپلیکیشن مخصوص افراد دارای معلولیت است یا افراد دیگری هم می‌توانند از آن استفاده کنند؟

در شروع این اپلیکیشن با هدف خدمات‌دهی به افراد دارای معلولیت راه‌اندازی شد، ولی دیدیم که سالمندان و خانم‌های باردار هم درخواست دادند. پس وقتی دیدیم که این سرویس، کار بسیاری از اقشار جامعه را راه می‌اندازد، آن را گسترش دادیم. از نهم اردیبهشت امسال، از اپلیکیشن و سایت توانیتو در مرکز رعد رونمایی کردیم و در حال حاضر حدود سه‌هزار کاربر و خدمات دهنده داریم.

چه برنامه‌ای برای گسترش این پروژه دارید؟

به دنبال این هستیم که سرویس‌هایی مثل تاکسی‌های آنلاین و رستوران‌های آنلاین را به توانیتو اضافه کنیم و همچنین مراکزی که هتل‌ها و اماکن گردشگری مناسب برای افراد دارای معلولیت را معرفی می‌کنند را هم به این خدمات اضافه کنیم. مثلاً اسنپ، می‌تواند بگوید من دویست دستگاه ماشین مناسب معلولان دارم که کاربران از طریق توانیتو می‌توانند آن را رزرو کنند. یا اطاقک، می‌تواند بگوید من هزار

به دنبال این هستیم که سرویس‌هایی مثل؛ تاکسی‌های آنلاین، رستوران‌های آنلاین و همچنین هتل‌ها و اماکن گردشگری مناسب را برای افراد دارای معلولیت در توانیتو معرفی کنیم

این رویداد شرکت کرده و با آن آشنا شدم. چون استارت‌آپ توانیتو را به تنهایی راه انداخته‌بودم، برای شرکت کنندگان در اولین رویداد توان‌تک بسیار جذاب بود و در همان سه روز، حدود دوهزار محتوا از من تولید شد و سرمایه‌گذارها به سراغم آمدند. در توان‌تک دوم که در دل الکام استارترز و در پابون اجرا شد، با حمایت مرکز رعد، غرفه‌ای مجزا در اختیارم قرار گرفت. این بار افرادی مثل آقایان چهرمی (وزیر ارتباطات و فن‌آوری) و سورنا ستاری، معاون وزیر، از غرفه من بازدید کرده و مورد حمایت قرار گرفتیم. دفتر و وام در اختیارم قرار دادند که باعث شد بتوانم یک‌سال دیگر استارت‌آپ را زنده نگه دارم. خوشبختانه در رویداد توان‌تک سوم، توانستیم سرمایه‌گذاران بیشتری جذب کنیم.

آیا افراد دیگری هم با شما همکاری می‌کنند؟

بله. ما حدود بیست و پنج نفر نیروی کار داریم که ده نفر از آنها به‌صورت غیرحضوری، کار بازاریابی را انجام می‌دهند. پنج شش نفر هم به‌صورت کال‌سنتر با ما کار می‌کنند و عده‌ای هم برنامه‌نویس هستند که در دفتر حضور دارند و با ما کار می‌کنند. دفتری که فعلاً در آن هستیم، با حمایت آقای سورنا ستاری به مدت هجده ماه در اختیار ما قرار داده‌شده که یک‌سال آن گذشته و امیدواریم بتوانیم به دفتر بزرگتری نقل مکان کنیم.

آیا شما در توانیتو بخش آموزش هم دارید؟

بله. در توانیتو یک بخش آموزش داریم که اساتید مرتبط، دوره‌های مختلفی را برگزار می‌کنند. ما با دوستان خود در مکتب‌خانه، فرانت، همیاروردپرس و افرادی مثل آقای جادیز که برنامه‌نویس هستند، در حوزه آموزش همکاری داریم. قصد داریم در دوره‌هایی که در حال برگزاری است، ده نفر از بچه‌های دارای معلولیت را بورسیه کنیم.

آیا در بین افرادی که با شما کار می‌کنند، از دوستان دارای معلولیت هم کسی هست؟ سعی کرده‌ام که از دوستان دارای

محل مناسب‌سازی شده گردشگری برای افراد دارای معلولیت دارم که از طریق توانیتو معرفی می‌کنم. گروه مخاطب ما افراد دارای معلولیت هستند ولی افراد غیرمعلول و گروه‌های ویژه مثل، سالمندان هم می‌توانند از این خدمات بهره‌مند شوند. یک سری دستورات عمل‌ها از طرف سرمایه‌گذار به ما داده‌شده داریم که باید آنها را تا عید انجام دهیم. برای گسترش توانیتو، همکاری با شرکت‌هایی مثل؛ تب‌سی، اسنپ و چیلیوری از برنامه‌های آتی ماست. از ماه پیش شروع کرده‌ایم که در شهرهایی مثل اصفهان و مشهد و تبریز هم خدمات‌دهنده بگیریم که هنوز این کار ادامه دارد. امیدوارم بتوانیم در شهرهای دیگر هم توانیتو را جا بیاندازیم و خدمات ارائه دهیم.

آیا توانیتو به اندازه کافی برای مخاطبان و کاربران شناخته‌شده هست؟

هنوز تا شناخته شدن گسترده این پروژه فاصله داریم. خدمات دهندگان زیادی حاضر به همکاری با ما هستند ولی تعداد کاربرانمان به نسبت خدمات دهندگان، کمتر هستند. سعی دارم در ارتباط با سمن‌ها، توانیتو را به جامعه معرفی کنم.

چگونه با رویداد توان‌تک آشنا و برگزیده این رویداد شدید؟

به دعوت مرکز رعد در اولین دوره توان‌تک که در رعد برگزار شد، در



کرده و همچنین افرادی مثل آقای شاهین طبری، آقای آرش برهمنند، آقای آرش سلیمانی و آقای جادیزو... که واقعا حامی من بودند. یک سری از دوستان دیگر هم در فضای استارت‌آپی هستند که هنوز هم حامی من هستند، مثل؛ ابرارگون و تی‌سی و ایرانسل و... که از همگی آنها تشکر و قدردانی می‌کنم.

آقای رجبو، اگر چنین امکانی برای کار در فضای مجازی و استارت‌آپی برایت مقدور نبود چه می‌کردی؟

من تا قبل از این که معلولیتم تشدید شود به کار صنایع دستی و نقاشی می‌پرداختم و حتی نقاشی هم تدریس می‌کردم. به نویسندگی علاقه دارم و اگر چنین امکانی در حوزه کار استارت‌آپی برایم وجود نداشت، باز هم کار می‌کردم. بالاخره راهی را باز می‌کردم و بی‌کار نمی‌نشستم.

توصیه شما به دوستان دارای معلولیت چیست؟

به آنها توصیه می‌کنم که فقط به یک حوزه اکتفا نکنند. کاری که دوست دارند را انجام دهند و اول از خودشان توقع داشته باشند، بعد از دیگران. ما به دلیل شرایط خاصمان، نباید از دیگران طلبکار باشیم، اول باید خودمان را نشان دهیم تا دیگران انگیزه کمک کردن به ما را پیدا کنند. قرار نیست که چون ما دارای معلولیت هستیم، افراد موظف باشند که به ما رایگان سرویس دهند، ما هم باید در جامعه نقش ایفا کنیم و به جامعه انرژی بدهیم.

حدود بیست و پنج نفر نیروی کار داریم که ده نفر از آنها، بازاریابی می‌کنند، پنج شش نفر به صورت کال سنتر و عده‌ای هم برنامه‌نویس هستند که در دفتر با ما کار می‌کنند

معلولیت، عکاسی کنند. این مدل کارها را هم در کنار کارهای دیگر انجام می‌دهم.

توان تک این دوره را چگونه دیدید و این رویداد در سومین دوره برگزاری به نظر شما با چه چالش‌هایی روبه‌رو بود؟

به نظرم توان تک نسبت به سال قبل، پیشرفتی صعودی داشت که هدف ما هم همین بود. بعد از برگزاری توان تک اول و دوم دیدم که فقط من هستم که در این حوزه فعالیت دارم، ولی امسال فقط توانیتو نبود و تعداد دیگری از افراد دارای معلولیت بودند هم که صاحب استارت‌آپ بودند. دقیقا این چیزی بود که می‌خواستیم ببینیم و این اتفاق با کمک آقای طبری و مرکز رعد ممکن شده بود که بسیار ارزشمند است. من باید از بسیاری از افراد تشکر کنم. از مرکز رعد که همیشه مرا حمایت

معلولیت در کال سنتر استفاده کنم ولی هنوز موفق نبودیم چون کار ناپاست و نیاز به دقت زیادی دارد. البته یکی از دوستان برنامه‌نویس و یکی از دوستان تولید محتوا که در توانیتو مشغول به کار هستند، معلولیت دارند.

آیا با دیگر انجمن‌های فعال در حوزه معلولیت هم در ارتباط هستید؟

من با انجمن رعد و انجمن جامعه معلولین ارتباط خوبی دارم. انجمن جامعه معلولین، همه اطلاعات توان‌یابان خود را در اختیار من گذاشته است. با بعضی از انجمن‌ها هم تماس گرفتیم و درخواست جلسه کردیم، ولی تمایل نداشتند که حتی به توضیحات ما گوش دهند، ولی برای ایجاد رابطه با سایر انجمن‌ها تلاش می‌کنیم.

به جز توانیتو به فعالیت دیگری هم مشغول هستید؟

از کارهای دیگر من این است که کتاب‌هایی را در حوزه‌های مختلفی مثل روانشناسی، فلسفه و... تهیه می‌کنم و در اختیار بعضی از دوستان قرار می‌دهم تا این کتاب‌ها را بخوانند و برای فرهنگ‌سازی جامعه کاری انجام دهند. از طرفی با کمک دوستانی که در خارج کشور دارم، وسایلی مثل ویلچر را تهیه می‌کنم و در ازای خدماتی، آنها را در اختیار متقاضیان ویلچر قرار می‌دهم. مثلا به دوستی ویلچر دادیم و در عوض از او خواستیم که در عرض دوسه ماه از صد محل غیرمناسب برای افراد دارای





علیرضا محمد بیگی نیا؛

علیرضا محمد بیگی نیا، متولد سال ۱۳۴۹ است. او دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است و درمدارس بینایی و نابینایی تدریس کرده است. بیگی نیا در رشته ادبیات فارسی لیسانس و فوق لیسانس دارد و در طول زندگی خود به فعالیت‌های بی‌شماری دست زده است. حالا با همکاری دوستان و اعضای خانواده، اپلیکیشن پاکنوما را راه‌اندازی کرده است؛ اپلیکیشنی برای معرفی تولیدات و توانایی‌های افراد دارای معلولیت با هدف ایجاد اشتغال. بیگی نیا، اپلیکیشن پاکنوما را در رویداد توان‌تک، در غرفه‌ای که در اختیارش بود، عرضه نمود و قابلیت‌های آن را به بازدیدکنندگان معرفی کرد. با او به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

صمیمانه از جامعه معلولان تقاضا می‌کنم که وارد اپلیکیشن پاکنوما شوند و آن را نصب کنند

لطفا خودتان را معرفی کنید:

علیرضا محمد بیگی نیا هستم، متولد سال ۱۳۴۹ و دبیر نابینای آموزش و پرورش تهران. تا سال ۸۷ درمدارس بینایی درس می‌دادم و از آن به بعد درمدارس نابینایی تدریس کرده‌ام. دررشته ریاضی کاربردی دانشگاه دولتی پذیرفته شدم و بعد از این که مشکل بینایی پیدا کردم، تغییر رشته دادم و در رشته ادبیات فارسی لیسانس و فوق لیسانس گرفتم. من درمدارس عادی دبیر ادبیات فارسی بودم و در مدارس استثنایی دروس مختلف را تدریس می‌کردم. زمانی که دبیر مدارس عادی بودم، یک آموزشگاه داشتم. مدتی سردبیر فصلنامه اداره آموزش و پرورش منطقه دو بودم، مدتی مدیر گروه ادبیات آموزش و پرورش منطقه دو بودم، مدتی کارشناس مسئول کتابخانه ملی بودم، مدتی کارشناس آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران بودم و مدتی هم مشاور سازمان بهزیستی تهران بودم. فعلا مدیر مسئول هفته نامه هزاره سوم

ایده من این بود که گروه‌هایی از افراد دارای معلولیت که توانمندند و می‌توانند خدماتی ارائه داده و یا کالایی را عرضه کنند را به جامعه معرفی کنم

هستم. از قبل در شبکه چشم^۱ مشکل داشتم ولی به دلیل یک تصادف، زودتر از معمول نابینا شدم.

چگونه با توان‌تک آشنا شدید و درچه موضوعی در آن شرکت کردید؟

آشنایی با توان‌تک برای من، توفیق اجباری بود که هم مزیت‌هایی داشت و هم محدودیت‌هایی. مزیت آن این بود

که توانستم از موقعیت توان‌تک برای ارائه فعالیت خود به بازدیدکنندگانی که هدفمند از غرفه‌ها بازدید می‌کردند، استفاده کنم. محدودیت آن این بود که در این رویداد، استقلال نداشتم. من شش سال در نمایشگاه مطبوعات غرفه مستقل داشتم. من با توجه به شناختی که از مشکلات بچه‌های نابینا و دارای معلولیت دارم، عقیده دارم که مهم‌ترین گره اصلی این افراد، اشتغال پایدار و حقوق مکفی، متناسب با توانمندی‌شان است. در واقع اگر کسی متناسب با توانمندی‌اش به‌کار گرفته‌شود، حتما به درآمد مکفی خواهد رسید. متأسفانه اغلب مشاغلی که افراد دارای معلولیت به آن مشغولند، روح و روان آنان را اغنا نمی‌کند و از روی نیاز و اجبار به آن می‌پردازند. افراد دارای معلولیت جدا از جامعه نیستند، مشکلات جامعه مشکلات آنهاست و مشکلات این افراد، مشکلات جامعه است. علت اینکه سرعت رفع مشکلات این اقشار بسیار کند است،



این است که نگاه به آنها، تبلیغاتی است و فقط معطوف به روزجهانی معلولان و نابینایان می‌شود. متأسفانه در سطح کلان رویکردی برای رفع مشکلات افراد دارای معلولیت وجود ندارد و اصلاً آمار دقیقی از تعداد این افراد موجود نیست. به خاطر مسائل فرهنگی موجود در جامعه، خانواده‌ها به ماموران سرشماری آماری از فرزند خود که معلولیت دارد، نمی‌دهند. پس مسئولی که می‌خواهد برای افراد دارای معلولیت تصمیم‌گیری کند، نمی‌تواند تصمیم درستی بگیرد. آنهایی هم که به عنوان سازمان‌های دولتی، مثل بهزیستی و کمیته امداد و یا غیر دولتی، مثل سمن‌ها و خیریه‌ها، به‌طور سیستماتیک ورود پیدا می‌کنند عمدتاً به دنبال حل مشکل نیستند. به جای اینکه به دنبال درمان درد باشند به دنبال مسکن و ساکت کردن درد هستند. افراد دارای معلولیت نیاز به کار و شغل پایدار دارند. من همیشه به دنبال این بودم که برای افراد دارای معلولیت کارپایدار تعریف کنم تا این افراد از خود درآمدی داشته‌باشند.

شما در رویداد توان‌تک، با طرحی به نام پکنوما شرکت کردید. درباره این طرح لطفاً توضیح دهید؟

من یک اپلیکیشن و سایت را با نام پکنوما، با هدف تکمیل چرخه‌ای برای کار، طراحی و مناسب‌سازی، ساختم. ایده من این بود که گروه‌هایی از افراد دارای معلولیت که توانمندند و می‌توانند خدماتی ارائه داده و یا کالایی عرضه کنند را به جامعه معرفی کنیم. وقتی وارد سایت و یا اپلیکیشن پکنوما می‌شوید، قسمتی مربوط به پویش کارآفرینی دارد که شامل دو قسمت؛ فروشگاه نیکوکاری پکنوما و فروشگاه کالایاری پکنوما است. فروشگاه نیکوکاری، سه شاخه دارد؛ تولیدات (فروش محصولی که توسط افراد تولید می‌شود)، تالیفات (فروش کتاب‌هایی که افراد چاپ کرده‌اند) و تجهیزات (فروش وسایل کمک توانبخشی مثل ویلچر). فروشگاه کالایاری سه بخش دارد: محصولات مختلف را عرضه می‌کند و مجموعه پکنوما از محل سود فروش این کالاها می‌چرخد. پکنوما در بخش خدمات، دو بخش کارآفرینی و نیروگزینی دارد. در بخش کارآفرینی، افرادی که دنبال نیروی کار با تخصصی

پکنوما به دنبال این است که هم، افراد دارای معلولیت را به خودباوری برساند و هم در جهت شناسایی این افراد به عنوان یک انسان توانمند، فرهنگ‌سازی کند

خاص هستند، نیاز خود را اعلام می‌کنند و در بخش نیروگزینی هم شخصی که به دنبال کار است ثبت نام می‌کند و تخصص خود را معرفی می‌کند. هر کدام از این بخش‌ها هم، زیرمجموعه‌هایی دارند که در دسترس مراجعه کنندگان است. من از دوستان دارای معلولیت و نابینایان درخواست می‌کنم که با حضور خود در پکنوما و معرفی آن به دوستان و خانواده خود در این پویش کارآفرینی شرکت داشته‌باشند.

اپلیکیشن پکنوما، از چه زمانی شروع به فعالیت کرده‌است؟

ایده چنین فعالیتی، از اواخر سال گذشته در ذهن من بوجود آمد و بعد از پیگیری‌های زیاد و اخذ مجوز و طی مراحل قانونی، اپلیکیشن پکنوما از چهار ماه قبل، شروع به کار کرد.

چگونه توانستید با افراد دارای معلولیت و کارفرمایان ارتباط برقرار کنید؟

تبلیغات اولیه را از طریق صفحات مجازی مثل، واتساپ، تلگرام و پیامک، انجام دادم و این اپلیکیشن را به دوستانی که در سازمان‌های مختلف دارم هم معرفی نمودم. هنوز هم اطلاع‌رسانی در مورد این اپلیکیشن را دنبال می‌کنم. متأسفانه هزینه تبلیغات بسیار بالاست که در توان مالی من نیست. تیمی با شرکت اعضای خانواده و دوستان ایجاد کرده‌ایم که در این حوزه با همدیگر فعالیت می‌کنیم.

آیا در این چهارماه به درآمد رسیده‌اید؟

پکنوما یک ایده نوپاست و انتظار نداریم که خیلی زود به درآمد برسد. ولی

فعالیت‌های خوبی شروع شده و در حال انجام است. مثلاً بودجه محدودی برای تهیه مواد اولیه برای گروهی که در شهر اصفهان به تولید کیف و چرم و بافتنی مشغول بودند، اختصاص دادیم که محصولاتشان را تولید کنند و در سایت به فروش برسانند. البته عقیده دارم که نباید از این افراد بدون قید و شرط حمایت کرد، باید یک بازه زمانی برایشان در نظر گرفت تا استعدادایشان شکوفا شود، توانمند شوند و مستقل شوند. به دنبال تهیه پلت‌فرمی هستم که کلیه افراد دارای معلولیت در سراسر کشور بتوانند توانمندی‌های خود را در آن تبلیغ کنند. این ایده از برنامه‌های آینده ماست که نیاز به بودجه بالایی دارد.

در طول چند ماهی که پکنوما شروع به کار کرده، چند نفر کاربر داشته‌اید؟

در حال حاضر پانصد ششصد نفر از افراد را از طریق برنامه بازار جذب کرده‌ایم که البته این تعداد کافی نیست. هنوز پکنوما برای جامعه افراد دارای معلولیت شناخته شده نیست و جای کار دارد. متأسفانه از اشتغال افراد دارای معلولیت، حمایت لازم صورت نمی‌گیرد. بزرگ‌ترین چالشی که در مورد تشکله‌ها و انجمن‌ها وجود دارد این است که فعالیت‌هایشان هدفمند نیست. یک سری فعالیت‌های موازی و تکراری انجام می‌دهند و بیشتر به دنبال این هستند که اعضای بیشتری را جذب کنند، ولی امکاناتی ندارند که در اختیار این افراد قرار دهند. این افتخار نیست که سازمان‌ها یا انجمن‌ها بگویند پارسال پانصد هزار نفر مددجو داشتیم و امسال یک میلیون نفر داریم. باید بتوانند به نحوی برنامه‌ریزی کنند که هر سال نسبت به سال قبل تعداد اعضایشان کمتر شود، یعنی آنها توانمند شوند، روی پای خود بایستند و متکی به کمک دیگران نباشند.

نام پکنوما به چه اشاره دارد؟

پکنوما اسم مختصر "پویش کارآفرینی نابینایان و معلولان ایران" است. در این مجموعه اکثر افرادی که با ما همکاری می‌کنند، خودشان هم به نوعی معلولیت دارند. ما توانمندی افرادی که

در این اپلیکیشن ورود پیدا می‌کنند، را اعم از تولیدی یا خدماتی، معرفی می‌کنیم. مطمئن هستیم اگر پکنوما دیده شود و پلت فرم آن تهیه شود، اکثر افراد دارای معلولیت می‌توانند فروشگاه اینترنتی ایجاد کنند و کالای خود را به فروش برسانند.

سودآوری این اپلیکیشن برای شما از چه طریقی است؟

در بخش خدمات فعلا، به دنبال سودآوری نیستیم ولی در بخش فروش کالا با فروشندگانی توافق می‌کنیم که ۵ تا ۱۰ درصد از سود فروش، به ما تعلق بگیرد. اگر کار توسعه پیدا کند، می‌توانیم از افراد بخواهیم که خودشان آگهی‌هایشان را تهیه کنند و ما رایگان آن را در سایتمان قرار دهیم. در بحث پلت فرم هم، خود فرد با استفاده از پسوردی که می‌گیرد، می‌تواند فروشگاه اینترنتی ایجاد کند و ما برایش تبلیغ می‌کنیم. وقتی فرد تندرستی به پکنوما مراجعه می‌کند و می‌بیند که افراد نابینا یا دارای معلولیتی هستند که این کالاها را تولید کرده و یا چنین خدمات را ارائه می‌دهند، از لحاظ فرهنگی تاثیر می‌گیرند که قبل از این که مشکل جسمی او را ببیند، تواناییش را می‌بیند. هدف ما این است که به مردم بگوییم این فرد دارای معلولیت یا نابینا، مثل بقیه افراد جامعه، نیازها و توانایی‌هایی دارد. مثلا من نابینا می‌توانم به یک بچه نابینا یا بینا ریاضی درس بدهم. پکنوما به دنبال این است که هم، فرد دارای معلولیت را به خودباوری برساند و هم فرهنگ‌سازی کند که جامعه او را به عنوان یک انسان توانمند بشناسد. این باور قلبی را دارم که کسی که محدودیت و کاستی‌هایی دارد، حتما توانمندی دیگری هم دارد. مثلا یک نابینا حس لامسه‌اش را تقویت می‌کند تا بتواند خط بریل را یاد بگیرد. اگر جامعه معلولان و نابینایان در بخش‌های مختلف پکنوما وارد شود؛ اگر بی‌کار باشد می‌تواند برای پیدا کردن کار ثبت نام کند، اگر توانمندی دارد، می‌تواند آن را ارائه دهد، و اگر کارفرما باشد و نیاز به جذب نیرو داشته باشد، می‌تواند در پکنوما آگهی بدهد و نیرو جذب کند. به این ترتیب، دیگر نیازی به حمایت ارگان‌ها، سازمان‌ها و گرفتن تسهیلات از آنها نداریم. تنها حمایتی که

مطمئن هستیم اگر پکنوما دیده شود و پلت فرم آن تهیه شود، اکثر افراد دارای معلولیت می‌توانند برای خودشان فروشگاه اینترنتی ایجاد کنند و محصولات خود را به فروش برسانند

نیاز داریم، حمایت تبلیغاتی است که از طریق صدا و سیما و رسانه‌های مختلف مکتوب و شنیداری، قابل اجراست. من از همین‌جا صمیمانه از جامعه معلولان تقاضا می‌کنم که وارد پکنوما شوند. ما تسهیلاتی هم برای افرادی که این اپلیکیشن را نصب می‌کنند، در نظر گرفته‌ایم. هرکسی در این اپلیکیشن ثبت نام کند، پنج هزار تومان در کیف پولش وارد می‌شود و اگر دوستانش را تشویق کند که آن را نصب کنند، به ازای خرید هر نفر، ده هزار تومان به کیف پولش وارد می‌شود. این خودش انگیزه‌ای برای نصب پکنوما و دعوت از دوستان می‌شود. در بحث استخدام کشوری، تنها سه درصد براساس قانون حمایت از حقوق معلولان، به افراد دارای معلولیت تعلق گرفته که معمولا هم انجام نمی‌شود و اگر هم انجام شود، معمولا عادلانه اجرا نمی‌شود. اگر افراد دارای معلولیت در مشاغل غیرمرتبط به کار گرفته شوند، علاوه بر این که از لحاظ روانی اکتان نمی‌شوند، دچار افسردگی و سرخوردگی هم می‌شوند. باید کارگروهی ایجاد شود که مشاغلی را که افراد نابینا با توجه به تکنولوژی روز می‌توانند انجامشان دهند، را لیست کنند. ما در پکنوما چنین کارگروهی را داریم.

ارتباط شما با سایر انجمن‌های فعال در حوزه معلولیت چگونه است، آیا توانسته‌اید این اپلیکیشن را به آنها معرفی کنید؟

من با انجمن‌های زیادی صحبت کرده و پکنوما را معرفی کرده‌ام، ولی هنوز اقبال مناسبی از این دوستان دریافت نکرده‌ایم. در بخش نیروگزینی پکنوما، بخشی به نام

مراکز و انجمن‌های سراسر کشور داریم که انجمن نابینایان ایران عضو آن هستند و از سایر انجمن‌ها و تشکل‌هایی که به نوعی در توانمندی افراد دارای معلولیت کمک می‌کنند، درخواست می‌کنم در این بخش ورود کنند.

چشم اندازتان برای ادامه کار چیست؟

من با خدای خودم شرط کرده‌ام که چه یک روز و چه صد سال از عمرم باقی باشد، حداقلی را برای خانواده‌ام در نظر بگیرم و بقیه سرمایه‌ام را معطوف به بحث کارآفرینی افراد نابینا و افراد دارای معلولیت بکنم. اگر روزی ببینم که ده نفر از این راه به اشتغال و درآمد رسیده‌اند، من راضی هستم. برنامه‌ام این است که جمعیت هدف را ترغیب کنم که خودشان در این برنامه ورود پیدا کرده و از توانمندی یکدیگر استفاده کنند. من با گداپرووری مخالفم و عقیده دارم اگر کسی کمک مالی به یک فرد نابینا بکند در حق او جفا کرده‌است، چون او را تنبل کرده و این فرد سعی نمی‌کند استعدادهایش را شکوفا کند.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت دارید؟

اول اینکه دوستان دارای معلولیت این اپلیکیشن را نصب کنند و به اطرافیان خود هم آن را معرفی کنند و اگر خود یا دوستانشان به دنبال اشتغال هستند، تقاضای خود را به این ایدی تلگرام کنند @ar_mbn. اگر خودشان یا در بین دوستان کسی را می‌شناسد که دارای کسب و کار است و دنبال جذب نیروست و یا کالایی برای عرضه دارد، در پکنوما معرفی‌اش کند. من از تمام اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، انجمن‌ها و افراد نیکوکار درخواست همکاری دارم. به دنبال حمایت مالی نیستم، ولی هرکسی می‌تواند گوشه‌ای از کار را بگیرد و به کارآفرینی و اشتغال نابینایان و افراد دارای معلولیت جامعه کمک کند. دوستانی که ایده‌های استارت‌آپی دارند و در رویداد توان تک شرکت کرده‌اند، می‌توانند در پکنوما ایده خود را مطرح کنند. امیدوارم با مجموعه رعد همکاری خوبی داشته‌باشیم و با کمک رعد در جامعه افراد دارای معلولیت شناخته شویم.



شقایق خلیلی و محمد مجددی سه سال است که با مشارکت همدیگر، پلتفرم آزمایش آنلاین را راه اندازی کرده‌اند. آزمایش-آنلاین، پلتفرمی برای استفاده کسانی است که امکان یا زمان حضور در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را ندارند. ایده راه اندازی این پلتفرم، وقتی شکل گرفت که آقای مجددی که مدتی با مادر بزرگ خود زندگی می‌کرد، به مشکلات او در هر رفت و آمد برای نمونه‌گیری در آزمایشگاه‌های مختلف پی برد. آشنایی ایشان با شقایق خلیلی که او هم ایده‌هایی برای راه اندازی استارت‌آپ داشت، به راه اندازی پلتفرم آزمایش آنلاین انجامید. چگونگی شکل‌گیری این پلتفرم و چالش‌هایی که از سرگذرانند تا در این حد موفق شد را با خانم خلیلی پی می‌گیریم که می‌خوانید.



اپلیکیشن آزمایش آنلاین؛

پلتفرمی، برای کسانی که امکان حضور در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را ندارند

امکانی وجود ندارد که به جای مراجعه افراد به آزمایشگاه، نمونه‌گیری در خانه انجام شود؟ این شد که ایشان به فکر راه اندازی چنین فعالیتی افتادند. من چهار سال قبل که در رویداد استارت‌آپ ویکند شرکت کردم، با ایشان که در گروه دیگری شرکت داشتند، آشنا شدم. من می‌خواستم استارت‌آپ "پارکینگ یاب" که نمونه آن در کشور انگلیس انجام می‌شود، را راه بیندازم. این ایده را با دوستانی از جمله آقای مجددی، مطرح کردم. البته در آن زمان شهرداری به دلایل امنیتی اجازه این کار را به من نداد. بعد از مدتی آقای مجددی با من تماس گرفت و استارت‌آپی که شروع کرده بود را به من معرفی کرد و گفت که به دنبال شریک می‌گردد. در جلسه‌ای، با کلیات کار آشنا شدم. تصمیم گرفتم با چند آزمایشگاه تماس بگیرم و این ایده را مطرح کنم و اگر توانستم با چند تا از آنها قرارداد ببندم، موافقت خود برای همکاری را اعلام کنم. آزمایشگاه اول مرا بیرون کرد و گفت می‌خواهد کار ما را خراب کنید؟ آزمایشگاه دوم و سوم و چهارم و پنجم هم از این ایده استقبال نکردند، ولی آزمایشگاه ششم و هفتم و هشتم با من قرارداد بستند. از طرفی با صد نفر از مردم عادی هم

متقاضیان می‌توانند از طریق وبسایت یا اپلیکیشن آزمایش آنلاین و یا از طریق تماس تلفنی و با اعلام روز، ساعت و آدرس، بخواهند که در خانه از آنها نمونه خون گرفته شود

آزمایش از طریق همان آزمایشگاه برای آنها ارسال می‌گردد.

چه شد که به فکر راه اندازی چنین فعالیتی افتادید؟

این ایده توسط آقای مجددی شکل گرفت. ایشان در دوران دانشجویی مدتی با مادر بزرگ خود زندگی می‌کرد و شاهد مشکلات او که باید هفته‌ای یک بار به آزمایشگاه‌های تشخیص طبی برای آزمایش مراجعه می‌کرد، بود. آقای مجددی به این فکر می‌افتد که چرا چنین

لطفا خودتان را معرفی کنید و از فعالیتی که منجر به برگزیده شدن در رویداد توان تک شد بگویید:

شقایق خلیلی، دانشجوی دکترای مدیریت کارآفرینی هستم. من به همراه آقای مهندس محمد مجددی که فوق لیسانس رشته هوش مصنوعی دارند، در تاریخ ۹۵/۱۰/۱۰ پلتفرم آزمایش آنلاین را راه اندازی کردیم. آزمایش آنلاین، پلتفرمی برای استفاده کسانی است که امکان یا زمان حضور در آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را ندارند. این افراد می‌توانند بیماران، سالمندان، توان‌یابان، کارمندان و کسانی باشند که به هرعلتی رفتن به آزمایشگاه برایشان دشوار است. مثلاً افرادی که شاغل هستند و نمی‌توانند مرخصی بگیرند و... متقاضیان می‌توانند از طریق وبسایت یا اپلیکیشن آزمایش آنلاین و یا از طریق تماس تلفنی با ما ارتباط بگیرند و با اعلام روز، ساعت و آدرس، بخواهند که در خانه از آنها نمونه خون گرفته شود. همکاران ما که از کادراهی مجرب پرستاری هستند، به منزل آنها مراجعه کرده، نمونه آزمایش می‌گیرند و آن را به آزمایشگاهی که خود این افراد انتخاب کرده‌اند، برای انجام آزمایش می‌برند. جواب



در خیابان صحبت کردم که شصت نفر از آنان تمایل داشتند که از چنین امکاناتی استفاده کنند. این بود که تصمیم گرفتم با ایشان همکاری کنم. چنین کاری را شروع کنیم. من در جای دیگری مشغول به کار بودم و از موقعیت شغلی و حقوق خوبی هم برخوردار بودم، ولی انصراف دادم و آزمایش آنلاین را راه-اندازی کردیم.

آزمایشگاه‌های تشخیص طبی را چگونه انتخاب کردید و چگونه توانستید اعتماد آنها را جلب کنید؟

ایجاد این ارتباط در ابتدا اصلاً آسان نبود ولی وقتی که توانستیم اعتماد آنها را جلب کنیم، کارمان روی روال افتاد. در حال حاضر با صد آزمایشگاه قرارداد بسته‌ایم و به هر افرادی که از آنها نمونه خون می‌گیریم، به هر آزمایشگاهی که آنها مایل باشند، نمونه را تحویل می‌دهیم.

هزینه این کار برای افرادی که از این پلت فرم استفاده می‌کنند، چگونه حساب می‌شود؟

اگر هزینه آزمایش بیش از صد و پنجاه هزار تومان باشد، افراد همان مبلغی را پرداخت می‌کنند که اگر خودشان به آزمایشگاه مراجعه کنند، می‌پردازند ولی اگر مبلغ آزمایش از این مقدار کمتر باشد، هزینه رفت و آمد از افراد گرفته می‌شود. البته با مرکز رد توافق کردیم که از توان‌یابان این مرکز، در صورتی که هزینه آزمایششان زیر صد و پنجاه هزار تومان باشد هم مبلغی نگیریم.

جواب آزمایش، چگونه در اختیار افراد قرار می‌گیرد؟

افراد می‌توانند جواب آزمایش را به صورت الکترونیک، در گوشی خود دریافت کنند و یا می‌توانند از آن پرینت بگیرند.

آزمایش آنلاین تا چه حدی شناخته شده است؟

خوشبختانه امسال در تبلیغات پیشرفت خوبی داشتیم که به شناسایی این پلت فرم انجامید. در اخبار و در شبکه‌های تلویزیونی مثل کانال پنج و در برنامه به خانه برمی‌گردیم حضور پیدا کردیم و این پلت فرم را معرفی نمودیم. قرار است تبلیغات گسترده‌ای را هم از اوایل آذرماه، در حد بیلورد در سطح شهر و در تبلیغات تلویزیونی شروع کنیم.

چه تعداد مراجعه کننده دارید؟

روزی بین هفتصد تا هزار نفر مراجعه کننده داریم که این افراد فقط در شهر تهران هستند. قصد داریم در آینده این امکان را در

با صد آزمایشگاه قرارداد بسته‌ایم و به انتخاب افرادی که از آنها نمونه خون می‌گیریم، به هر آزمایشگاهی که آنها مایل باشند، نمونه خون را تحویل می‌دهیم.

دارند. برای ایجاد حس امنیت کاری از همه این افراد سفته، عدم سوءپیشینه و گواهی عدم اعتیاد گرفته می‌شود. کسی که برای نمونه‌گیری به منزلی مراجعه می‌کند، همه مشخصاتش، از اسم و آدرس و تخصص کاری و شماره تماس و غیره، کاملاً معلوم است و خدا را شکر می‌کنیم که تا کنون هیچ شکایتی از طرف بیماران دریافت نکرده‌ایم.

نحوه کار شما چگونه است؟

افراد از طریق اپلیکیشن آزمایش آنلاین یا سایت آزمایش آنلاین و یا با شماره تلفن ۲۸۱۱۱۰۵۰ با ما تماس می‌گیرند. تعدادی از کارمندان ما در دفتر ساکن هستند و تعدادی هم در سطح شهر پراکنده‌اند و دورکاری می‌کنند. وقتی نسخه را از بیمار دریافت می‌کنیم، کارمندان ما که کارشناس آزمایشگاه هستند با بیمار تماس می‌گیرند و شرایط آزمایش را توضیح می‌دهند که مثلاً باید ناشتا باشد و یا دوساعت از خوابش گذشته باشد و... سپس کارشناس نمونه‌گیر در زمان و محل مشخص حاضر می‌شود، نمونه‌گیری را انجام داده و نمونه خون را به آزمایشگاه مورد نظربیمار تحویل می‌دهد. جواب آزمایش هم به صورت اینترنتی برای او ارسال می‌گردد.

ارتباط شما با انجمن‌های دیگر چگونه است؟

ما همکاری خود را به تازگی با موسسه رعد شروع کرده‌ایم و علاقه زیادی به برقراری ارتباط با سایر انجمن‌ها داریم و آن را به عنوان وظیفه و مسئولیت اجتماعی خود می‌دانیم. متأسفانه ارتباط برقرار کردن با انجمن‌ها کار راحتی نیست، چون شاید اعتماد لازم ایجاد نشده باشد و البته کارهای استارت‌آپی هم هنوز در جامعه شناخته شده نیستند. با انجمن عصاب سفید ارتباط برقرار کردیم و به دنبال امضای تفاهم‌نامه با مرکز رعد هستیم. ما آمادگی همکاری با انجمن‌های مختلف را داریم و برای توان‌یابان مزایا و تسهیلاتی هم در نظر گرفته‌ایم.

برنامه آینده‌تان چیست؟

برنامه ما این است که بتوانیم خدمات آزمایش آنلاین را در شهرهای دیگر گسترش داده و خدمات دیگری هم مثل بینایی‌سنجی و شنوایی‌سنجی را راه‌اندازی کنیم. هدفمان این است که یک سری سنجش‌ها و آزمایشات پزشکی که امکانش در منزل هست را به سیستم خود اضافه کنیم. سعی داریم کار پلت‌فرم که نقش ارتباط دهنده را دارد و کار با ارزشی است را در جامعه ترویج کنیم.

شهرستان‌هایی مثل مشهد و شیراز و اصفهان هم ایجاد کنیم.

در ایجاد چنین پلت فرمی با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

ما یک پلت فرم هستیم و خودمان کارهای پزشکی را انجام نمی‌دهیم. در واقع واسطی هستیم بین آزمایشگاه و مراکز خدمات بالینی که مجوز انجام آزمایش در منزل را دارند. البته موضوع پلت‌فرم، در ایران هنوز جا نیفتاده است. مدت زیادی با وزارت بهداشت چالش داشتیم چون می‌پنداشتند که قرار است خودمان آزمایش‌ها را انجام دهیم. پس از این که به محل کار ما آمدند و با فعالیت‌های ما از نزدیک آشنا شدند، متوجه شدند که خودمان کارهای پزشکی انجام نمی‌دهیم و همه کارها توسط کسانی انجام می‌شود که مجوز وزارت بهداشت را دارند.

چنین قراردادی به نفع آزمایشگاه‌ها هم هست؟

بله، به نفع آزمایشگاه‌ها هم هست چون برای آنها مشتری می‌بریم و به نوعی برایشان بازاریابی می‌کنیم.

چند نفر نیروی کار دارید؟

در آغاز دوفتوری کار را شروع کردیم ولی الآن پانزده نفر همکار دفتری داریم و پنجاه نفر هم نیروی پرستار و کارشناس آزمایشگاه داریم که با ما همکاری می‌کنند. این افراد اغلب شاغل هستند و در شیفت‌های صبح یا شب در آزمایشگاه‌های مختلف مشغول به کارند. این افراد مانند رانندگان اسنپ و تپسی خودشان اپلیکیشن دارند و در سطح شهر پراکنده هستند و سفارش‌ها را قبول یا رد می‌کنند. همه این افراد متخصص هستند و حداقل پنج سال سابقه کار نمونه‌گیری خون





حمیدرضا محترم، ۲۸ ساله و متولد شهرستان مرودشت استان فارس است. او ناشنوا است و در رشته فناوری اطلاعات تحصیل کرده است. حمیدرضا، در حال حاضر مدیرعامل شرکت کوشا ناشنوایان پرتو تهران و صاحب امتیاز استودیو رسانه ناشنوایان است. او دو سال قبل با طرح vod مخصوص ناشنوا، و امسال با طرح هاناپ، در توان تک شرکت کرد و به عنوان برگزیده توان تک و جزء برترین های نمایشگاه کامپ انتخاب شد.

در گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت کوشا ناشنوایان پرتو تهران، بررسی شد؛

اپلیکشنی، برای ارتباط بی‌واسطه با دیگران!

چگونه با رویداد توان تک آشنا شدید و چند بار در آن شرکت کردید؟ من با موسسه رعد و رویداد توان تک از طریق اینترنت آشنا شدم. دو سال قبل با طرح vod مخصوص ناشنوا، و امسال با طرح هاناپ، در توان تک شرکت کردم که به عنوان برگزیده توان تک و جزء برترین های نمایشگاه کامپ انتخاب شدم.

لطفا در مورد طرح vod بیشتر توضیح دهید:

طرح vod، طرحی برای به اشتراک گذاشتن فیلم‌های درخواستی کاربران ناشنوایان بود که با رعایت استانداردها، زیرنویس شده و در اختیار متقاضیان قرار می‌گرفت. در توان تک اول چون نتوانستیم این طرح را به خوبی ارائه دهیم، متأسفانه با اقبال مناسبی روبه‌رو نشد. ولی ناامید نشدم و قرار است این ایده، با همکاری یک شرکت، دوباره راه بیفتد. حضور من در توان تک اول باعث شد که نقاط ضعف کارم را متوجه شوم و در توان تک سوم، با

هاناپ، اپلیکشنی است که روی موبایل یا هر نوع سیستم عاملی، قابلیت نصب دارد و به افراد ناشنوا، کم شنوا و کسانی که به هر دلیل توانایی صحبت کردن ندارند، کمک می‌کند که بدون نیاز به دیگران، با مخاطب خود ارتباط برقرار کنند

می‌دهد. سایتی به نام ناشنوایان طراح با آدرس <http://deafdesign.ir/> داریم که طراحی کارت ویزیت، تراکت و تبلیغات اختصاصی را انجام می‌دهد. طراحان این سایت همگی ناشنوا هستند و با علاقه و صبوری بسیار برای شنوایان ارائه خدمات می‌دهند. حتی مشتریان ناشنوا هم داشتیم.

خودتان را معرفی کنید؟

حمیدرضا محترم، ۲۸ ساله و متولد شهرستان مرودشت استان فارس هستم. با افتخار می‌گویم که ناشنوا هستم و کارشناسی فناوری اطلاعات را از دانشگاه علمی و کاربردی آبان دریافت کرده‌ام. در حال حاضر مدیرعامل شرکت کوشا ناشنوایان پرتو تهران و صاحب امتیاز استودیو رسانه ناشنوایان هستم. دو سال قبل با طرح vod مخصوص ناشنوا، و امسال با طرح هاناپ، در توان تک شرکت کردم که به عنوان برگزیده توان تک و جزء برترین های نمایشگاه کامپ انتخاب شدم.

در مورد شرکت کوشا ناشنوایان پرتو تهران و استودیو رسانه ناشنوایان بیشتر توضیح دهید؟

شرکت کوشا ناشنوایان پرتو تهران در حوزه تکنولوژی، امنیت و هوشمند سازی خودرو و ساختمان مخصوص ناشنوایان فعالیت می‌کند و استودیو رسانه ناشنوایان، در حوزه تبلیغات و تهیه فیلم برای ناشنوایان خدمات ارائه



ارائه طرح هاناپ، برگزیده این رویداد شدم.

درباره طرح هاناپ هم توضیح دهید و از امکانات این اپلیکیشن بگویید:

هاناپ، اپلیکیشنی است که روی موبایل یا هر نوع سیستم عاملی، قابلیت نصب دارد و به افراد ناشنوا، کم شنوا و کسانی که به هر دلیل توانایی صحبت کردن ندارند، کمک می‌کند که بدون نیاز به دیگران، با مخاطب خود ارتباط برقرار کنند. در این اپلیکیشن، از هوش مصنوعی استفاده شده که باعث می‌شود صداها برای افراد دیگر قابل تشخیص شوند. از خرداد سال ۹۶ کار بر روی این اپلیکیشن را شروع کردیم و در هفتمین اردوی جوانان ناشنوی کشور، در فروردین سال ۹۸ در شهر بابلسر، آن را رونمایی نمودیم. یکی از قابلیت موجود در این برنامه، تشخیص صدا با استفاده از هوش مصنوعی است که در زمان ایجاد حساسیت برای صدای مورد نظر، از کاربر سوال می‌شود و با تایید یا رد کردن هر تشخیص صدا توسط کاربر، دقت اپلیکیشن بیشتر می‌شود. از طرفی این اپلیکیشن طوری طراحی شده که قابلیت تشخیص صداهای جدیدی که قبلاً شناخته نشده را دارد مثل، صدای گریه کودک و یا بوق اتومبیل و... این برنامه قابلیت مترجمی هم دارد و به برنامه تایپ گفتاری به زبان فارسی مجهز است. این اپلیکیشن، با به‌کارگیری از تکنولوژی گفتار به نوشتار، صحبت فارسی را به متن ترجمه می‌کند. این برنامه با دقت و سرعت بالا و در تمامی ویرایشگرها قادر به تایپ سخن اطرافیان فرد ناشنوا، بدون استفاده از صفحه کلید می‌باشد. از دیگر امکانات این اپلیکیشن، اسکن بارکد است که بوسیله گوشی همراه فرد ناشنوا، اطلاعات مربوط به بارکد

اپلیکیشن هاناپ، کمک می‌کند که ناشنویان علاوه بر زنگ خانه و تلفن، صدای گریه کودک خود هم را متوجه شوند

را به صورت فیلم با زیرنویس یا زبان اشاره نمایش می‌دهد.

چرا به فکر ساختن چنین اپلیکیشنی افتادید؟

مهم‌ترین مشکل ناشنویان، ایجاد ارتباط با اطرافیان است. وقتی دونفر ناشنوا با هم ازدواج می‌کنند، این مشکلات افزایش پیدا می‌کند. آنها هم در ارتباط با خانواده‌ها مشکل پیدا می‌کنند و هم اگر دارای فرزند شوند، صدای گریه کودک را نمی‌شنوند و نیاز دارند که همیشه یک نفر در کنارشان باشد. چنین شرایطی خواه‌ناخواه، باعث دخالت اطرافیان در حریم خصوصی زندگیشان شده و باعث کدورت می‌شود. اپلیکیشن هاناپ، کمک می‌کند که آنها علاوه بر زنگ خانه و تلفن، صدای گریه کودک و... خود هم را متوجه شوند. درعین حال زوجین می‌توانند از زبان و فرهنگ ناشنوی هم استفاده کنند و بدون نیاز به کمک افراد شنوا، زندگی عادی و مستقلی داشته باشند. این اپلیکیشن نمونه ایرانی و خارجی ندارد و برای اولین بار، با ایده خودم تهیه شده است. البته هنوز در قدم‌های اول هستیم و تلاش داریم امکانات جدیدی را به این اپلیکیشن اضافه کرده و اشکالات موجود را هم رفع کنیم تا کارکردن با این اپ، برای ناشنویان آسان‌تر شود.

افرادی که مایل به استفاده از این اپلیکیشن هستند، چگونه می‌توانند آن را تهیه کنند؟

چنانچه کلمه هاناپ را در گوگل سرچ کنید می‌توانند به وبسایت هاناپ دسترسی پیدا کنند و علاوه بر آن می‌توانند این اپلیکیشن را از طریق ایران‌اپس، چارخونه، مایکت و کافه بازار هم دانلود کنند.

چه برنامه‌ای برای فعالیت‌های آینده خود دارید؟

امیدوارم به زودی بتوانیم امکانات بیشتری را به هاناپ اضافه کنیم. تا مشکلات را کاهش بدهیم به دنبال این هستیم که سایر اپلیکیشن‌ها را هم برای ناشنویان مناسب‌سازی کنیم.

رویداد توان‌تک امسال را چگونه دیدید و چه پیشنهادی برای بهتر شدن آن دارید؟

رویداد توان‌تک امسال بهتر از دوره‌های قبل برگزار شد و چون در نمایشگاه کامپ حضور پیدا کرد، توسط سایر کسب و کارها مورد توجه قرار گرفت. حضور توان‌تک در نمایشگاه الکام‌استارتز اتفاق خوبی بود که باعث دیده شدن استارت‌آپ‌های حوزه معلولیت شد. آرزوی موفقیت برای تیم توان‌تک و مجموعه رعد را دارم که امسال خاطرات خوبی برای ما رقم زدند.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت و علاقمند به کار استارت‌آپی دارید؟

به این دوستان توصیه می‌کنم که تیمشان را قوی کنند و همیشه مشاوره و آموزش را در کنار کارشان داشته باشند. در کار استارت‌آپی، کار تیمی حرف اول را می‌زند. یادشان باشد که اگر در مراحل اول به نتیجه نرسیدند، ناامید نشوند و سعی کنند با برطرف کردن نقاط ضعف خود، در نمایشگاه‌ها و رویدادهای استارت‌آپی شرکت کنند.



پنجمین سال است که نمایشگاه بین‌المللی تخصصی تجهیزات و خدمات توانبخشی معلولان و جانبازان و سالمندان، با مجوز سازمان توسعه تجارت ایران و با حمایت سازمان بهزیستی کشور، جمعیت هلال احمر، بنیاد شهید و امور ایثارگران و همچنین با حمایت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، در محل نمایشگاه تخصصی شهرداری تهران (مجمع نمایشگاهی گفتگو) برگزار شد. چیزی که در این نمایشگاه به وفور به چشم می‌خورد، علاوه بر محصولات توانبخشی ساخت وطن، حضور گسترده افراد دارای معلولیتی بود که با خیال راحت و بدون هیچ مانع و پله، در سالن‌ها حرکت می‌کردند و به هر جا که دوست داشتند، سرک می‌کشیدند. این نمایشگاه متعلق به آنها بود و برای آنها تشکیل شده بود، بقیه شرکت‌کنندگان، مهمان و آنها میزبان بودند. با فریدون نوری، بنیانگذار نمایشگاه بین‌المللی تخصصی تجهیزات و خدمات توانبخشی معلولان و جانبازان و سالمندان در مورد چرایی این نمایشگاه پنج ساله به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



بنیانگذار نمایشگاه بین‌المللی تخصصی تجهیزات و خدمات توانبخشی؛

هدف این نمایشگاه، ایجاد زندگی آسان‌تر برای توان‌یابان است

جامعه هدف است که امکانات موجود در کشور را بشناسند و بتوانند با استفاده از آنها زندگی راحت‌تری را تجربه کنند.

چند شرکت در این نمایشگاه حضور دارند؟

در این نمایشگاه ۷۵ شرکت و حدود بیست انجمن حضور دارند که علاوه بر معرفی محصولاتشان، فعالیت‌های خدماتی خود را هم ارائه می‌دهند. هدف ما در این نمایشگاه، علاوه بر نمایش تجهیزات، ایجاد تعامل میان تولید کنندگان، خدمات‌دهندگان و ارگان‌هایی مثل؛ سازمان بهزیستی، جمعیت هلال احمر، بنیاد شهید و سایر سازمان‌ها است که بتواند با کمک یکدیگر، بستر مناسبی را برای دسترسی این عزیزان به زندگی بهتر ایجاد نمایند.

با توجه به استاندارد بودن تعداد زیادی از محصولات ارائه شده، فکری هم برای صادرات آنها شده است؟

خوشبختانه امسال، به نتایج خوبی دست یافته‌ایم و امیدواریم که در

هدف این نمایشگاه، اطلاع‌رسانی به جامعه توان‌یابان است که از امکانات توانبخشی موجود در کشور مطلع شده و با استفاده از آنها زندگی آسان‌تری را تجربه کنند

چرخ‌دار و چه در زمینه گردشگری معلولان و چه در زمینه ADL؛ که معرفی تجهیزات مناسب‌سازی روزانه این افراد در منازل است را برگزار کردیم. امسال هم در این نمایشگاه علاوه بر معرفی تجهیزات جدید، همایش‌های زیادی را هم برگزار نمودیم. هدف این نمایشگاه، اطلاع‌رسانی به

لطفا خودتان را معرفی کنید و از اهداف این نمایشگاه بگویید:

فریدون نوری هستم، بنیانگذار و برگزارکننده نمایشگاه بین‌المللی تخصصی تجهیزات و خدمات توانبخشی معلولان و جانبازان و سالمندان و صنایع پزشکی وابسته آن. پنجمین سال است که این نمایشگاه با مجوز سازمان توسعه تجارت ایران و با حمایت سازمان بهزیستی کشور، جمعیت هلال احمر، بنیاد شهید و امور ایثارگران و همچنین با حمایت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، برگزار می‌شود. خوشبختانه در طول این سال‌ها شاهد رونق تولید تجهیزات توانبخشی توسط تولید کنندگان داخلی بوده‌ایم. در سال اول، تعداد محدودی شرکت‌کننده، در قالب نمایندگی در این نمایشگاه حضور داشتند، ولی امروز شاهد استقبال بسیار توسط شرکت‌هایی که دست به تولید داخلی در حد استانداردهای بین‌المللی زده‌اند، هستیم. در طول این سال‌ها همایش‌های زیادی را چه در زمینه تجهیزاتی چون، صندلی‌های





هدف این است که تولیدکنندگان داخلی بتوانند در یک رقابت سالم و با استفاده از بالاترین فناوری‌های موجود در دنیا، محصولاتشان را تولید و به بازار هدف عرضه کنند تا از خروج ارز جلوگیری شده و منابع ملی حفظ شوند



ارتباط مرکز رعد با این نمایشگاه چگونه است؟

موسسه آموزشی نیکوکاری رعد، همیشه حامی این نمایشگاه بوده و همیشه حضور فعال داشته‌است. ما از خانم پناهی مدیریت محترم مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد سپاسگزاریم که قبول زحمت کرده و با استقرار تعدادی از همکاران مرکز رعد در این نمایشگاه در حوزه اشتغال‌زایی برای افراد دارای معلولیت فعالیت می‌کنند. میزهایی را به عنوان میزهای اشتغال در سالن گلستان نمایشگاه ایجاد کردند که امیدواریم که تاثیرات خوبی در اشتغال‌زایی این عزیزان داشته باشد.

لطفا در انتهای این گفت‌وگو، توضیح بیشتری در مورد خودتان و علت پیگیری‌تان در این حوزه ارائه دهید.

علت علاقه من به برگزاری این نمایشگاه و اینکه برگزاری مناسب آن را دغدغه خودم می‌دانم، آشنایی من با حوزه مددکاری در دهه شصت است. من در سال‌های شصت تا شصت و شش در سازمان بهزیستی در حوزه مددکاری مشغول به خدمت بودم. مدتی هم رییس مرکز آموزش بهزیستی شدم و در این جایگاه با مشکلات این عزیزان بیشتر آشنا شدم و همیشه آرزو داشتم که در هر موقعیتی بتوانم به این افراد خدمت کنم. در حقیقت عشق و علاقه اصلی من همین است. من از این که می‌بینم این نمایشگاه، تنها جایگاه اختصاصی افراد دارای معلولیت است و وقتی این عزیزان وارد این محوطه می‌شوند این فضا را

سال‌های آتی به بحث رونق صادرات هم بپردازیم. بعضی از تولیدات قابلیت خوبی را برای استفاده معلولان جسمی و حرکتی پیدا کرده‌اند مثلاً؛ ویلچرهای ایستایی درست شده که افراد دارای معلولیت می‌توانند از آنها به خوبی در زندگی روزمره خود استفاده کنند. ضمن این که تعامل چند جانبه سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط در این نمایشگاه می‌تواند به رونق تولید و بومی‌سازی تجهیزات مورد نیاز کمک کند. خوشبختانه این نمایشگاه با حضور دکتر شریعتمداری، وزیر محترم تعاون کار و رفاه اجتماعی و دکتر قبادی، ریاست سازمان بهزیستی و با حضور مسئولان سایر سازمان‌ها افتتاح شد که این اتفاق مبارکی بود.

آیا این چشم‌انداز وجود دارد که در آینده این نمایشگاه به صورت بین‌المللی و با حضور تولیدکنندگان خارجی هم برگزار شود؟

قالب این نمایشگاه، معرفی محصولات بومی‌سازی شده داخلی است. ما ورود کالاهای خارجی را تشویق نمی‌کنیم. هدف این است که تولیدکنندگان داخلی بتوانند در یک رقابت سالم و با استفاده از بالاترین فناوری‌های موجود در دنیا، تولید و عرضه کنند تا از خروج ارز جلوگیری شده و منابع ملی حفظ شوند. هدف این نمایشگاه فروش تولیدات خارجی نیست. بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده داخلی، ارتباطات برون مرزی و اطلاعات خوبی دارند که می‌توانند با تجزیه و تحلیل این اطلاعات، کالاهای مناسب را مشابه‌سازی و استاندارد کنند و با تایید نمایندگان جامعه افراد دارای معلولیت، تولید کنند. هر کالایی که تولید می‌شود، باید تحت نظارت افراد دارای معلولیت باشد و ما این کار را انجام داده‌ایم. کنفرانس‌ها و همایش‌هایی که در نمایشگاه برگزار می‌شود، برای معرفی محصولات جدید به جامعه هدف است. چندین مدل ویلچر وجود دارد که در کشورهای مختلف تولید می‌شوند، ولی آیا همه آنها به درد جامعه هدف ما که با شرایط خاص جسمی و ذهنی مواجه هستند، می‌خورد؟ این تولیدات باید دقیقاً استانداردسازی و سپس بومی‌سازی شوند تا بتوانند در اختیار عزیزان دارای معلولیت قرار بگیرند.

متعلق به خودشان می‌دانند، بسیار لذت می‌برم. متأسفانه به دلیل نبودن مناسب‌سازی‌های محیطی، رفت و آمد و حضور افراد دارای معلولیت را در جامعه کمتر می‌بینیم، ولی در اینجا، این عزیزان به راحتی حضور پیدا می‌کنند، می‌گردند، با محصولات گوناگون آشنا می‌شوند و حتی محفلی برای گفت‌وگو و دیدار با همدیگر دارند. نمایشگاه در این پنج سال، ارتقا پیدا کرده و این که هر سال در یک زمان مشخص برگزار می‌شود و خللی در برگزاری آن بوجود نمی‌آید، نشان از اهمیت آن دارد. امیدوارم با کمک خدا و کمک سازمان‌ها و انجمن‌ها و مسئولان، این نمایشگاه هر سال بهتر از سال قبل برگزار شود و بتوانیم به هدف صادرات این محصولات هم برسیم.





مدیرعامل شرکت نسیم صحت راستین،

داود حیدری در تاریخ اول فروردین سال ۶۳ در جبهه‌های جنگ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و دچار آسیب نخاعی شد. او بعد از مدتی به فکر ادامه تحصیل افتاد و تا مقطع دکترای مدیریت فرهنگی درس خواند. وی تا مدتی درگیر مسئولیت‌های اداری و سازمانی بود ولی چون به فعالیت در حوزه معلولان علاقمند بود، مسئولیت‌های اداری را کنار گذاشت و در زمینه تولید وسایل توانبخشی مشغول شد. با او در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات و خدمات توانبخشی معلولین، سالمندان و صنایع پزشکی وابسته به گفت‌وگو نشستیم.

محصولات ما صد درصد قابل رقابت با مشابه خارجی هستند

در حال حاضر چه محصولاتی را تولید می‌کنید؟

یکی از محصولاتی که تولید می‌کنیم، هندبایک است که در نمایشگاه الکامپ هم آن را عرضه نمودیم. هند بایک، یک کشنده برقی است که به ویلچرهای مکانیکی وصل می‌شود و آنها را به ویلچر برقی تبدیل می‌کند. تبدیل ویلچرهای معمولی به ویلچر برقی برای استفاده افراد دارای معلولیت و جانبازانی است که سن بالاتری دارند و توان استفاده از ویلچرهای مکانیکی را بصورت محدود دارند. هندبایک ساخت اروپا با قیمت حدود سی میلیون تومان در بازار عرضه می‌شود و به دلیل قیمت بالا، امکان استفاده گسترده را به بسیاری از دوستان دارای معلولیت نمی‌دهد. ما این محصول را بومی‌سازی کرده و به قیمت پایین‌تری عرضه می‌کنیم. مدل ایرانی آن با قیمت نه میلیون تومان عرضه می‌شود. البته می‌دانیم که هنوز گران است و در صدیم این محصول را با قیمتی کمتر، روانه ی بازار کنیم.

یکی دیگر از فعالیت‌های ما تولید ویلچرهای سبک و اکتیو، مشابه ویلچرهای اروپایی است و امیدوارم که طی چند ماه آینده، ویلچری

هدفم این است که محصولات خارجی را بومی‌سازی کرده و آنها را با کیفیت قابل رقابت با مشابه خارجی و قیمت مناسب، در اختیار عزیزان قرار دهم

درگیر مسئولیت‌های مختلف اداری و سازمانی شدم.

از آنجایی که علاقمند به کار در حوزه توان‌یابان بودم، مسئولیت‌های اداری را کنار گذاشته و در زمینه تولید وسایل توانبخشی مشغول به فعالیت شدم.

برای آشنایی با وسایل و تجهیزات جدید در حوزه توانبخشی، از نمایشگاه‌های مختلف در خارج از کشور بازدید می‌کنم و با الگوبرداری از محصولات عرضه شده در این نمایشگاه‌ها، در داخل کشور به تولید آنها می‌پردازم.

لطفا خودتان را معرفی کنید و در مورد علت حضور خود در رویداد توان تک توضیح دهید؟
داود حیدری، مدیرعامل شرکت نسیم صحت راستین (نصر) هستم. این شرکت که چند سالی است تاسیس شده، در زمینه تامین وسایل توانبخشی برای جانبازان و توان‌یابان فعالیت می‌کند. محصولات ما شامل دو بخش هستند.

۱- با اخذ نمایندگی از تعدادی از شرکت‌های اروپایی، محصولاتشان را وارد و در کشور توزیع می‌کنیم.

۲- بخشی از محصولاتمان را هم با توجه به نابسامانی وضعیت ارزی در سال‌های اخیر و بالا رفتن قیمت ارز، در داخل کشور تولید می‌کنیم.

قبل از این که به این کار مشغول شوید چه فعالیت‌های داشتید؟

من در تاریخ اول فروردین سال ۶۳ در جبهه جنگ از ناحیه نخاع مورد اصابت گلوله قرار گرفتم و دچار آسیب نخاعی شدم. از آن زمان بود که با پدیده معلولیت آشنا شدم.

تا مقطع دکتری در رشته مدیریت فرهنگی ادامه تحصیل دادم و پس از اتمام تحصیلات،



با کیفیت و با وزن حدود دوازده کیلو به بازار عرضه کنیم. ویلچرهای آلمانی موجود در بازار حدود شانزده تا هیجده کیلو وزن دارند که برای بسیاری از دوستان دارای معلولیت، سنگین است و برای همراهان و یا همسران آنان جمع کردن ویلچر و در صندوق عقب خودرو قرار دادن، دشوار است. قالب این ویلچرهای سبک وزن، ساخته شده و در آینده نزدیک ارائه خواهد شد.

تولیدات شما در کجا ارائه می‌شود؟

یک نمایشگاه دائمی از محصولات خود در شهرک فجر داریم که علاقمندان می‌توانند برای بازدید به آنجا مراجعه کنند. نمایشگاه، دارای پارکینگ مناسب برای دوستان دارای معلولیت است و امکان تست تولیدات ما برای متقاضیان وجود دارد. در این نمایشگاه به توان‌یابان عزیز خدمات مورد نیازشان را ارائه می‌کنیم. همین‌جا از بزرگواران در مجموعه رعد دعوت می‌کنم که برای بازدید از این نمایشگاه تشریف بیاورند. از سایر شرکت‌هایی که در نمایشگاه تجهیزات پزشکی و توانبخشی حضور دارند و محصولات کاربردی‌تری ارائه کرده‌اند هم دعوت می‌کنم در این نمایشگاه دائمی، به ما بپیوندند و محصولاتشان را در کنار تولیدات ما قرار دهند.

آیا در نمایشگاه دائمی خود، محصولات خارجی را هم در معرض فروش قرار می‌دهید؟

بله در نمایشگاه، محصولات خارجی هم عرضه می‌شوند ولی تمرکز ما روی فروش این محصولات نیست، هدف ما این است که محصولات خارجی را بومی‌سازی کرده و آنها را با کیفیت قابل رقابت با مشابه خارجی و قیمت مناسب، در اختیار عزیزان قرار دهیم.

آیا به این هدف؛ یعنی رسیدن به کیفیت مشابه با محصولات خارجی دست پیدا کرده‌اید؟

بله. صد درصد محصولات ما قابل رقابت با مشابه خارجی هستند. محصولات ما نه تنها با مشابه خارجی برابری می‌کنند که در بعضی از موارد بهتر هم هستند.

شما در شرکت خود به تنهایی در این حوزه مشغول به فعالیت هستید؟

خیر. من به تنهایی در این حوزه کار نمی‌کنم. چندین نفر از دوستان که دارای دکترای برق و مکانیک از دانشگاه‌های کشور هستند هم با همکاری دارند. توان فنی تولیدات ما، به تخصص این افراد برمی‌گردد. ما هم خودمان کارگاه داریم و هم از توان کارگاه‌های مختلف در سطح کشور استفاده می‌کنیم. گاهی تولید یک قطعه را به پنج کارگاه حرفه‌ای واگذار می‌کنیم و پس از تولید، این قطعات را در

این که من جانباغ و یا توانیاب هنوز نمی‌توانیم از مترو استفاده کنیم، در حالی که وقتی وارد یک شهر اروپایی می‌شویم از وسیله‌ای جز مترو استفاده نمی‌کنیم، اصلاً خوب نیست

کارگاه مرکزی خودمان مونتاژ می‌کنیم.

استقبال از این تولیدات چگونه بوده‌است؟

استقبال در مجموع خوب است، ولی ناراحتی ما این است که بعضی از این محصولات در توان خرید بخش گسترده‌ای از دوستان دارای معلولیت نیستند. قصد داریم پس از کامل شدن تولیدات داخلی، از انجمن‌ها و سازمان‌های خیریه در امور توان‌یابان دعوت کنیم که بیایند و این محصولات را به قیمت تمام شده و بدون هرگونه سودی، برای مددجویان خود تهیه کنند. به قول معروف، سازمان‌های خیریه باید به مددجویان خود ماهی‌گیری یاد بدهند. اگر این افراد وسایل مورد نیاز خود را در اختیار داشته‌باشند، می‌توانند از خانه خارج شوند، وارد جامعه شوند، درس بخوانند، ورزش کنند و کار کنند. وقتی فردی با هر شرایط سخت جسمی که دارد، فعال و مستقل شود، می‌تواند به دیگران هم کمک کند و وابسته به کمک بقیه نباشد. تا وقتی که خیرین و سازمان‌های خیریه، تنها به فکر خوراک و پوشاک و نهایتاً مسکن مددجویانشان هستند، فقط افرادی را تربیت کرده‌اند که محتاج به کمک دیگران هستند.

فعالیت موسسه رعد بسیار ارزشمند است زیرا در بحث اشتغال و آموزش افراد دارای معلولیت تلاش می‌کند. خیرین هم باید سعی کنند تا توان‌یابان را از خانه بیرون آورده و وارد جامعه کنند. اگر آسایشگاهی احداث و توان‌یابان را در آنجا جمع کنیم، اصلاً کار مهمی نکرده‌ایم، حتی اگر خیلی خوب هم به آنان رسیدگی کنیم. بلکه باید شرایط حضور توان‌یابان در متن جامعه را فراهم کنیم.

در کشوری مثل آلمان افراد دارای معلولیت را به وفور در سطح جامعه می‌بینیم، در حالی که تعداد افراد دارای معلولیت در ایران به دلیل جنگ و زلزله و حوادث بسیار بیشتر از آلمان است ولی متأسفانه به دلیل عدم مناسب سازی شهری این افراد در سطح جامعه دیده نمی‌شوند. شهرداری‌ها به نوبه خود باید در مناسب سازی اماکن شهری و

فراهم نمودن وسایل ایاب وذهاب مناسب توان‌یابان بیشتر فعالیت کنند. این که من جانباغ و یا توانیاب هنوز نمی‌توانیم از مترو استفاده کنیم، در حالی که وقتی وارد یک شهر اروپایی می‌شویم از وسیله‌ای جز مترو استفاده نمی‌کنیم، اصلاً خوب نیست.

متأسفانه افراد دارای معلولیت در کشور ما از وسایل مناسبی استفاده نمی‌کنند و خیلی از تجهیزات استاندارد نیستند و به سلامت توان‌یابان آسیب می‌زنند. افراد دارای معلولیت که از ویلچرهای استاندارد استفاده نمی‌کنند، دچار انحراف ستون فقرات شده و کارایی و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. در مورد جانباغ‌زان چون نهادی مانند بنیاد شهید، روی استاندارد بودن وسایل توانبخشی حساسیت دارد، این آسیب کمتر است. اگر من به تنهایی قادر به مسافرت به خارج از کشور هستم، چون از وسایل توانبخشی استاندارد استفاده می‌کنم. اگر امکانات مناسب در اختیار افرادی که معلولیت دارند قرار بگیرد آنها هم می‌توانند فعال شوند و در جامعه حضور پیدا کنند.

همین‌جا لازم است به خیرین بزرگوار عرض کنم که برای تسهیل در امر تهیه وسایل توانبخشی، به عنوان یک تولید کننده، حاضر هستم بدون اخذ یک ریال سود، محصولاتم را در اختیار سازمان‌های خیریه قرار دهم تا بین توان‌یابان توزیع کنند و به سهم خود اینگونه به وظیفه اجتماعی‌ام عمل نمایم.

شما با وجود معلولیت، توانستید فعالیت اقتصادی‌تان را آغاز کنید، آیا قصد دارید که در کارگاه‌هایتان از افرادی که معلولیت دارند هم استفاده کنید؟

فعالیت شرکت ما هنوز خیلی گسترده نشده‌است. همکاران ما بسیار محدودند و بیشتر کارهایمان را برون سپاری می‌کنیم. اگر روزی به مرحله‌ای برسیم که نیاز به کارگر فنی داشته‌باشیم، حتماً از توان‌یابان دارای معلولیت استفاده خواهیم کرد. بسیاری از کارهای فنی، نیاز به توان بدنی بالایی ندارند و می‌شود با ویلچر پشت میز کار قرار گرفت و کار کرد. ایده‌آل ما این است که به این سمت برویم.

در پایان ضمن عرض تشکر از دست اندرکاران نشریه ی وزین توانیاب به این عزیزان خدافوت و خسته نباشید عرض می‌کنم.

ضمناً آدرس و تلفن نمایشگاه دائمی را جهت استفاده علاقمندان تقدیم می‌کنم.

تهران - تقاطع اتوبان نیایش و اتوبان کردستان - روبروی باشگاه انقلاب - شهرک فجر جنب مهمانسرای زیتون - نمایشگاه دائمی تجهیزات توانبخشی

تلفن: ۰۹۱۲۹۴۰۰۱۶۳



ضمیر ناخودآگاه

زلزله چند ریشتر شماست



رفتن به گذشته معمولا برای همه افراد اتفاق می افتد به خصوص برای افراد دارای معلولیت که بیشتر به گذشته می روند. من در این مقاله می خواهم مطالب مهمی را با شما توان یابان در میان بگذارم. شروع یاداشتم را با یک مثال واضح شروع می کنم تا مطلب رو بهتر درک کنیم.

فرض کنید داخل خانه نشسته اید و مشغول مطالعه کتاب هستین و یا در کنار خانواده نشسته و با یکدیگر در حال گفت و گو هستین. ناگهان خانه شما شروع به لرزش می کند (زلزله می آید) و ترس تمام وجود شما و خانواده را در برمی گیرد. شما و همه اعضای خانواده دست پاچه شده و وحشت کرده اید. به نظر شما دلیل این وحشت و دست پاچه گی چیست؟

دلیل این ترس و وحشت کاملا مشخص است. چرا که شما از قبل آمادگی این اتفاق رو نداشته اید و با خود تمرین نکرده بودید که اگر زلزله آمد باید چکار کنید و چه عملی انجام دهید تا این گونه وحشت نکنید.

برویم سر مطلب اصلی....

نکته همین است که باید بدانیم ضمیر ناخودآگاه ما مانند یک زلزله عمل می کند؛ خاطره ای را به یاد ما می آورد که ما دوست نداریم و وقتی مدام به او فکر می کنیم؛ حالمان بدتر، بدتر، و بدتر می شود. زمانی که یک خاطره به یاد ما می افتد، اغلب به آن دامن می زنیم و غرق در گذشته می شویم. اگر خاطره تلخ باشد حالمان بد می شود و مدام به اون خاطره فکر می کنیم. این ذهن آدمی هست که مدام به موارد منفی فکر می کند. بعضی افراد می دانند که نباید به موارد منفی فکر کنند چون حالشان بد می شود پس تا خاطره تلخی به یاد می آورند، فوراً فکرشان را عوض می کنند و خیلی راحت به کار خود ادامه می دهند.

تمرین

وقتی به اتفاقی که شما را اذیت می کند فکر می کنید، بهتر است آن را دقیقا با خودتان مرور کنید و روی یک کاغذ خلاصه ای از آن را بنویسید. در آخر به خود بگویید این اتفاقی است که افتاده و دیگر تمام شده و حالا تکرار این موضوع چیزی را درست نمی کند که هیچ، فقط باعث عصبی شدن و و ناراحت شدنم میشه و باعث میشه نتونم به کارهام برسم.

این روش را که انجام دادید یک عبارت کلیدی برای خود طراحی کنید و سعی کنید حداقل روزی ۴ الی ۷ دقیقه آن را با خود بگویید و مدام تکرارش کنید.

این عبارت، می تواند یکی از این عبارتها باشد:

* گذشته تموم شده

* من نمی خوام به گذشته برگردم

* این موضوع، تموم شده هست

* من نمی خوام به این موضوع فکر کنم

* آه بس کن دیگه تموم شده

هر چیزی که شما خودتان دوست دارید و راحت هستین را تمرین کنید. مطمئن باشید که پس از مدتی این تبدیل به عادت می شود و به ضمیر ناخودآگاه شما ثبت می شود و هر وقت آن موضوع بخواهد یاد شما بیفته، ناخواسته دهان باز می کنید و عبارت کلیدی رو که تمرین کرده اید را می گوئید.

علیرضا رضاقلیخانی، کارآموز رعد



این بار برای معرفی یکی از کلاس‌های هنری رعد، کلاس منبت را انتخاب کردیم. کلاسی که دو ترم است، توسط استاد غلامرضا یوسفی تشکیل شده و به علاقمندان، کارظریف با چوب را آموزش می‌دهد. گرچه تعداد کارآموزان کلاس اندک هستند، اما در میان آنها سه نفر را که هر کجا موضوع چوب در میان است، حضور دارند را می‌بینیم؛ محسن مرتضوی، حسین مردانی و بهنام حسین پور. این سه نفر با بهره‌گیری از کلاس‌های معرق و منبت در رعد هرکدام استادی شده‌اند و به دیگران آموزش می‌دهند. با استاد یوسفی و کارآموزان این کلاس، به گفت‌وگو نشستیم.



غلامرضا یوسفی، مدرس منبت

کار با چوب و دست، روح و روان انسان را تسکین می‌دهد

انواع مختلفی دارد. نوعی از منبت، روی میلمان و میز است که عموم مردم بیشتر با آن آشنا هستند. قبلا این کارها همه با دست انجام می‌شد و اکنون توسط دستگاه هم انجام می‌شود. امروزه برای کارهای بزرگ و با حجم زیاد، از دستگاه استفاده می‌شود. البته نوعی از کارهای منبت ظریف هم هستند که فقط با دست انجام می‌شود. به این کار، منبت قلم‌ریز می‌گویند که با مقار ریزانجام می‌شود. کارهای تلفیقی مشبک و منبت کارهای بسیار زیبایی هستند که در زیورات؛ از گردنبند و انگشتر گرفته تا تابلو قابل اجراست. متأسفانه به ارزش کارهای دستی در ایران آن طور که باید و شاید توجه نمی‌شود. در کشورمان هنرمندان زبردستی مانند استاد طوسی و استاد میرطیبی در رشته منبت ریز قلم داریم که کارشناس و خبره این کار هستند ولی متأسفانه از هنرشان استفاده‌ای نمی‌شود. این افراد سرمایه‌های این جامعه هستند

افرادی که در آموزشگاه‌های خصوصی حتی با پرداخت هزینه آموزش می‌بینند، علاقه و ذوق کارآموزان رعد را ندارند. به نظر من این بچه‌ها قدر هنر را می‌دانند و بسیار فعال و کوشا هستند و از لحاظ یادگیری هم بهتر هستند

بی اطلاع بودم. خودم کارگاه منبت دارم و در آموزشگاه دیگری هم تدریس می‌کنم. کار با چوب و دست کاری است که روح و روان انسان را تسکین می‌دهد. به همین دلیل دوست داشتم بتوانم به بچه‌های دارای معلولیت هم این هنر را آموزش دهم.

در مورد هنر منبت بیشتر توضیح دهید؟
منبت، کار هنری روی چوب است که

آقای یوسفی لطفا خودتان را معرفی کنید و از چگونگی آشناییتان با موسسه رعد بگویید:

غلامرضا یوسفی هستم، حدود بیست و هشت سال است که با چوب کار می‌کنم. از کار مشبک شروع کردم و بعد معرق و پانزده سال است که کار منبت با قلم ریز را انجام می‌دهم. من بازنشسته ارتش هستم و در دوران جنگ در جبهه خدمت می‌کردم و الان جبهه‌ام را عوض کرده و در خدمت کارآموزان رعد هستم. چند سال پیش با آقای محسن مرتضوی در نمایشگاه کارهای چوبی آشنا شدم و ایشان را فرد بسیار خوش‌برخورد و فعال دیدم و از آنجا که مدرس هنر منبت بودم، فرصتی پیش آمد که با محیط رعد هم آشنا شوم. این دومین ترمی است که در رعد، منبت ریز قلم را تدریس می‌کنم. من همیشه علاقمند به کار در مجموعه‌های ایچ‌ان‌سی بوده‌ام ولی متأسفانه اطلاع‌رسانی در این مورد کم است و من از وجود چنین مرکزی



که متأسفانه شناخته شده نیستند. این افراد با وجودی که سن و سالی از شان گذشته ولی هنوز نوآوری‌های خاصی دارند که باید قدرشان شناخته شود.

آیا از این رشته هنری در بین جوانان و نسل جدید استقبال می‌شود؟

متأسفانه نسل جدید همه چیز را آماده می‌خواهند و دنبال کار پرزحمت نیستند. صنایع دستی نیاز به متولیان دارد که افراد علاقمند در بین جوانان را پیدا کرده و به آنها آموزش دهد. این هنر و بسیاری از هنرهای دستی دیگر، به‌طور محدود توسط اساتید در آموزشگاه‌های خصوصی تدریس می‌شوند و جای شان در هنرستان‌های کشور خالیست. من در آموزشگاه‌های خارج از رعد هم منبت ریزقلم را آموزش می‌دهم، ولی می‌بینم افرادی که در آموزشگاه‌ها حتی با پرداخت هزینه آموزش می‌بینند، علاقه و ذوق کارآموزان رعد را ندارند. به نظرم این بچه‌ها قدرهنرها را نمی‌دانند و بسیار فعال و کوشا هستند و از لحاظ یادگیری هم بهتر هستند.

آیا کارمنبت بر روی هر نوع چوبی قابل انجام است؟ چوب مورد نیاز این کلاس چگونه تهیه می‌شود؟

استاد یوسفی: روی هر نوع چوبی می‌شود کار کرد، ولی بعضی از چوب‌ها خاص هستند مثل؛ چوب عناب و چوب گلابی که بافت منسجمی دارد و برای کارهای ظریف مثل منبت ریزقلم، بهتر هستند. ولی برای مبیل سازی روی انواع چوب‌ها از راش و گردو تا امدی‌اف هم می‌شود کار کرد. یک هنرمند باید بتواند روی هر نوع چوبی کار کند. بچه‌های رعد، مقداری از چوب مورد نیازشان را خودشان تهیه می‌کنند و مقداری هم توسط مجتمع رعد برایشان تهیه می‌شود. خوشبختانه آموزش منبت نیاز به چوب زیادی ندارد و چوب‌هایش، همان نوع چوبی است که برای کار معرق استفاده می‌شود.

آیا این هنر بازار خوبی دارد؟

در مقابل زحمت، وقت و مواد اولیه‌ای که می‌برد، درآمد مناسبی نصیب سازنده نمی‌کند، چون مردم شناختی

این کار، مانند سایر کارهای هنردستی، نیاز به تحمل و صبوری و علاقه دارد

نسبت به این کار و زحمتش ندارند. البته افرادی که وارد این رشته می‌شوند، اگر واقعا علاقمند باشند و با وجود سختی کار آن را ادامه دهند، پس از مدت‌ها می‌توانند به درجه‌ی قابل قبولی برسند. این کار هم مانند سایر کارهای هنردستی نیاز به تحمل و صبوری و علاقه دارد. من ادعایی ندارم که کاری بلدم ولی هرگاه چیزی فکرم را مشغول می‌کند، حتما باید به کارگاه بروم و دوسه تا مقرر روی چوب بزنم تا تخلیه روحی شوم. احساس می‌کنم این کار برایم خاصیت درمانی دارد.

چند کارآموز در این کلاس دارید و اثر این هنر را روی کارآموزان رعد چگونه دیدید؟

این کلاس هفته‌ای یک روز برگزار می‌شود و در حال حاضر پنج نفر در این کلاس هستند. در ابتدا تعدادشان بیشتر بود ولی دونه‌فرد به دلیل وضعیت جسمانی، نتوانستند ادامه دهند و دو نفر هم سرکار رفتند. فعلا با پنج نفر کلاس برگزار می‌شود. قبلا موسسه رعد را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم جایی وجود دارد که برای افراد دارای معلولیت چنین امکاناتی ایجاد کرده باشد. وقتی در این مرکز مشغول به تدریس شدم، دیدم که بچه‌های رعد توانایی و اشتیاق بالایی برای یادگیری دارند. اوائل برای بچه‌ها سخت بود که با روش کار با مقار آشنا شده و بتوانند با آن روی چوب کار کنند. بعضی از چوب‌ها سخت و بعضی چوب‌ها نرم هستند و کار با هر کدام از آنها روش خود را دارد. بعضی از دوستان این کلاس قبلا کلاس معرق و مشبک را هم گذرانده‌اند و با کار روی چوب آشنا هستند، ولی به هر حال روش کار در هر رشته متفاوت

است و هر رشته جذابیت خودش را دارد. احساس می‌کنم که کار منبت روی بچه‌ها تاثیرگذار است و باعث احساس آرامش در آنها می‌شود و هرچه می‌گذرد، علاقه و اشتیاقشان بیشتر می‌شود. این کار هم مانند سایر کارهای هنری نیاز به تحمل و صبوری دارد، وقتی راه و روش کار را یاد می‌گیرند و سختی‌های اول کار را می‌گذرانند، علاقمند شده و مایل به ادامه آن می‌شوند. مخصوصا که کار با قلم ریز، به‌گونه‌ای است که چون ابزارش کوچک است می‌توانند آن را با خود به همه جا ببرند و کار کنند. این هنر شاید از لحاظ درآمدی خیلی خوب نباشد، ولی از لحاظ روحی و حس آرامشی که ایجاد می‌کند بسیار تاثیرگذار است.

آیا کارهای منبت کارآموزان رعد به درجه‌ای رسیده که بتوانند در نمایشگاه یا بازارچه‌ها ارائه شود؟

این کلاس دو ترم است که شروع شد و هنوز نیاز است که بچه‌ها آموزش ببینند. البته کارهای کوچکی به‌صورت زبورآلات انجام می‌دهند که حتما خریدار هم خواهد داشت، ولی تا کنون در نمایشگاه و بازارچه‌ها شرکت نکرده‌اند.

آیا کار منبت هم مانند سایر هنرها، کلاس ابتدایی و پیشرفته دارد؟

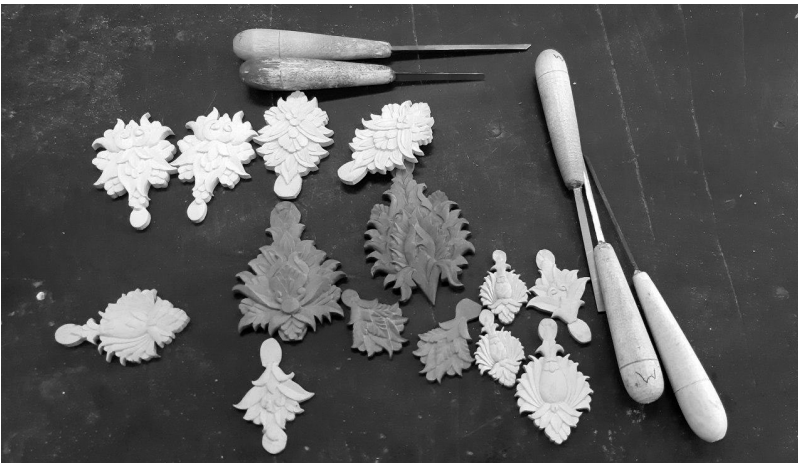
بستگی به ذوق افراد دارد. گاهی افرادی وارد کار می‌شوند که انتظار نداریم که بتوانند دست به قلم شود و مقار به دست بگیرد، ولی بعد می‌بینم که خیلی خوب کار را یاد می‌گیرد. آنچه که در این کلاس به کارآموزان آموزش می‌دهیم، شناسایی ابزار و نحوه استفاده از آن است. بقیه‌اش به خود فرد بستگی دارد که چقدر وقت برای منبت بگذارد. اگر کسی بخواهد در این کار مهارت پیدا کند، حداقل باید روزی هشت ساعت وقت بگذارد و سه ترم هم کلاس بیاید تا بتواند آنچه در ذهنش هست را پیاده کند. خوبی این کار این است که کشش دارد و کافی است بچه‌ها لذت اولیه کار را حس کنند و با دست خود، محصولی را بسازند. اگر در هنگام کار احساس درد در دست هم داشته‌باشد، کار را ادامه می‌دهد و





کارآموزان رعد توانایی خوبی در یادگیری دارند و انگیزه و شوق یادگیری بیشتری دارند. لازم است آنها توانایی خود را باور کنند.

درد را احساس نمی‌کند که همین نوعی از توانبخشی است که باعث می‌شود تمرکز و توانایی فرد بیشتر شود و علاوه بر آرامش روانی که ایجاد می‌کند، نقش درمانی هم برای افراد دارد. کارآموزان رعد توانایی خوبی در یادگیری دارند و انگیزه و شوق یادگیری بیشتری دارند. لازم است آنها توانایی خود را باور کنند. من وقتی کار این بچه‌ها را می‌بینم، قوت قلب می‌گیرم که با وجود مشکل جسمی و با سختی کار می‌کنند و به نظرم توانایی این بچه‌ها از افرادی که به ظاهر تندرست هستند بیشتر است. بچه‌های این کلاس در چندین رشته هنری کار می‌کنند و من پشتکارشان را تحسین می‌کنم.



در کلاس‌های هنری رعد معمولاً چند نفر از کارآموزان خاص همیشه حضور دارند، یکی از آنها محسن مرتضوی است. نظر او را در مورد این رشته هنری پرسیدیم.

فهمیدم که از چوب می‌توان نان درآورد

چند وقت است که منبت کار می‌کنید؟

من چندین سال هست که روی چوب کار می‌کنم؛ ازمعرق و مشبک شروع کردم و حالا هم به منبت رسیده‌ام. البته مجسمه‌سازی و حتی کار بر روی سنگ را هم انجام می‌دهم. خارج از مجتمع رعد هم به کلاس منبت می‌رفتم و با مقار درشت کار می‌کردم. از طریق استاد قنبری با استاد یوسفی آشنا شدم و متوجه شدم که ایشان، بهترین استاد در این رشته هستند. آموزش ریز قلم را با ایشان شروع کردم، چون فهمیدم که از چوب می‌توان نان درآورد. این رشته را آموزش هم می‌دهم و خودم را مدیون رعد می‌دانم. در رعد با کار روی چوب آشنا شدم. واقعا حیفاست که بچه‌ها کلاس استاد یوسفی را از دست بدهند.

محسن مرتضوی: کار منبت هم مثل سایر کارهای هنری و چوبی کاری سخت و دیربازدهی است و از آنجا که کار با دست است، عده‌ای از بچه‌های توان‌یاب توانایی انجام آن را ندارند. فقط افرادی که علاوه بر توانایی دست، عشق و علاقه داشته باشند در این کار باقی می‌مانند، مخصوصاً که کاری است که درآمدی ندارد و در جامعه هم به آن بها داده نمی‌شود. کسی که این محصول را می‌بیند، حساب نمی‌کند که چه مدت روی آن کار شده که یک تکه چوب خام به این شکل درآمده‌است. چون تبلیغاتی روی این کار نمی‌شود، مردم هم نسبت به آن شناختی ندارند.





به نظر می‌رسد که شما استاد یوسفی را به رعد معرفی کردید. چه شد که ایشان را به رعد معرفی کردید؟

از موسسه رعد با اداره میراث فرهنگی تماس گرفته بودند و درخواست استاد هنر منبت کرده بودند. میراث فرهنگی، استادان زیادی را می‌شناسد، ولی با توجه به این که من خودم معلولیت دارم و با روحیه بچه‌های رعد آشنا هستم، از من هم نظرخواهی کردند. چون من می‌دانستم که شاید تنها استادی که

می‌تواند با ما کنار بیاید و صبر و تحمل کار با ما را داشته‌باشد، استاد یوسفی است، ایشان را معرفی کردم. ولی الان که می‌بینم در کلاس ایشان فقط چهار پنج نفر هستیم واقعا شرمنده ایشان هستیم. می‌دانم که اگر حتی یک نفر هم در این کلاس باشد، استاد می‌ماند و درس می‌دهد ولی دلم می‌سوزد که بقیه بچه‌ها از این کلاس بهره‌مند نمی‌شوند. هزینه این کلاس‌ها در خارج از رعد بسیار بالاست، در حالی که کارآموزان رعد به راحتی و به رایگان می‌توانند از این آموزش برخوردار شوند.

با توجه به سابقه‌ای که در کار معرق دارید، چه ویژگی خاصی در هنر منبت دیده‌اید؟

کار منبت نسبت به بقیه کارهای چوبی محسناتی دارد، چون هم به جای کم و هم به ابزار کمتری نیاز دارد. به نظر من، کار با چوب بسیار آرامش‌بخش است و به همین دلیل همیشه به دنبال این هنر بودم. من مدتی مشبک کار کردم وبعد معرق و الان هم منبت کار می‌کنم. هرکسی ممکن است در رشته‌های هنری آرامش بگیرد و من احساس می‌کنم باید همه این رشته‌ها را تجربه کنم. هنر، انسان را به دنبال خودش می‌کشد و انتهایی ندارد.

امیدوارم روزی بتوانم مانند استاد یوسفی شده و در هنر، پا جای پای ایشان بگذارم. ما در ایران افراد دارای معلولیت، قربانیان اسیدپاشی و کسانی را داریم که از مشکلات جسمی و روحی رنج می‌برند، که اگر آنها هنری را و بیاموزند توانمند شوند، اعتماد به نفس پیدا کرده و حالشان خوب می‌شود. با یک جستجوی ساده در اینترنت کارهایمان دیده می‌شود و توانسته‌ایم در چندین نمایشگاه بزرگ شرکت کنیم. این‌ها همه به خاطر اساتیدی است که ما را آموزش دادند. در زمینه معرق، خانم خالقی خیلی کمکمان کرد و دیدگاهمان را نسبت به معرق سنتی عوض کرد. وقتی از معرق بازخورد خوبی گرفتم، تشویق شدم که سراغ منبت هم بیایم. این علاقه و اشتیاق به یادگیری به دلیل داشتن اساتید خوب است.

هرچه جلوتر می‌روم، علاقمندتر می‌شوم

آقای حسین پور شما هم سابقه زیادی در کار با چوب دارید، از منبت‌کاری بگویید:

چند سالی در کلاس‌های معرق رعد شرکت کرده‌ام و آن هنر را به‌خوبی یاد گرفتم و وقتی شنیدم کلاس منبت

به نظر من، کار با چوب بسیار آرامش‌بخش است و به همین دلیل همیشه به دنبال این هنر بودم.

هم در رعد برگزار می‌شود، علاقمند شدم که در این کلاس هم شرکت کنم. البته در شروع، کاربرایم سخت بود ولی هرچه جلوتر می‌روم و با راهنمایی استاد یوسفی کار را بیشتر یاد می‌گیرم، علاقمندتر شده‌ام.

یک روز در هفته معرق را آموزش می‌دهم. افرادی که برای آموزش می‌آیند، فکر می‌کنند که معرق کار آسانی است، ولی برای تهیه یک تابلو حداقل باید چهار پنج ماه زحمت بکشند. همین باعث خستگی تعدادی از افراد می‌شود و ادامه نمی‌دهند. ولی از کارهای کوچک که زودتر جواب می‌دهد، استقبال بیشتری می‌شود. هر کدام از این هنرها روش کار خودش را دارد. معرق با برش چوب و آره مویی و شناخت انواع چوب و رنگ است و کار منبت، با دانستن روش درست مقار زدن و نحوه گرفتن مقار در دست و شناسایی خواب و نوع چوب است.

کار منبت هم به همین صورت است، وقتی افراد کار آماده را می‌بینند، فکر می‌کنند یک ساعته این کار تمام می‌شود، ولی وقتی مشغول به کار می‌شوند، می‌بینند که یک کار کوچک، هفت هشت ساعت طول می‌کشد. من علاوه بر کار در کلاس رعد، در خانه هم کار می‌کنم. امیدوارم بتوانم این هنر را خوب یاد بگیرم و به دیگران هم آموزش دهم. دوست دارم توانایی‌هایم را به مردم جامعه نشان بدهم که وقتی می‌بینند چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم، تعجب نکنند. می‌خواهم بگویم که درست است که روی ویلچر هستیم ولی کارهای زیادی را انجام می‌دهیم که دیگران نمی‌توانند انجامش دهند.

کار با چوب را به کارهای دیگر ترجیح می‌دهم

آقای مردانی، شما مدت‌هاست که معرق کار می‌کنید. چه شد که به فکر یادگیری منبت هم افتادید؟

من از سال ۸۵ کار معرق را شروع کرده‌ام و هفت سال هم در رعد معرق را آموزش دیدم. بعد از تسلط در این کار، با آقای مرتضوی کارگاه گرفتیم و شروع به کار کردیم. بعد از معرق کار مجسمه‌سازی و سفال را شروع کردم و دو ترم است که در خدمت استاد یوسفی، منبت ریزقلم را یاد می‌گیرم. هرکدام از این هنرها، حس و حال خودش را دارد و انرژی خودش را به فرد منتقل می‌کند. من کار با چوب را به کارهای دیگر ترجیح می‌دهم و بیشتر هم با چوب کار کرده‌ام. ولی کار با گل و کار مجسمه‌سازی هم حس خودش را دارد و هرکدام از این کارها با هم متفاوت هستند.

من در مرکز رعد شرق و در یک سرای محله، معرق را آموزش می‌دهم. در خیریه قربانیان اسید پاشی، همراه با آقای مرتضوی، مجسمه‌سازی و سفال را هم آموزش می‌دهم. شاگردانم در کلاس سفال، بیشتر بچه‌های نابینا هستند. در این خیریه، کار رزین و معرق و منبت را هم آموزش می‌دهم. سه شاگرد در کلاس سفال، دوفرد در کلاس معرق و دو نفر هم مجسمه‌سازی و کار رزین را آموزش می‌بینند.



مهدی اسدزاده، عضو هیات مدیره انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان است. او لیسانس رشته حقوق و از کارشناسان خبره حقوقی در بنیاد شهید می‌باشد. اسدزاده، ده سال است که عضو هیات مدیره انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان نیز هست. مسئولیت اصلی این انجمن که از سال ۱۳۸۵، شروع به فعالیت کرد، رسیدگی به امور معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و درمانی جانبازان نخاعی در سراسر کشور است.

با این عضو هیات مدیره انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات و خدمات توانبخشی معلولین، سالمندان و صنایع پزشکی وابسته، ملاقات کردیم و در مورد فعالیت‌های این انجمن به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان، بازوی نظارتی، اجرایی و تخصصی بنیاد شهید است

لطفا خودتان را معرفی کنید و از فعالیت‌های انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان بگویید:

مهدی اسدزاده، عضو هیات مدیره انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان هستم. این انجمن از سال ۱۳۸۵، شروع به فعالیت کرد و مسئولیت اصلی آن رسیدگی به امور معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و درمانی جانبازان نخاعی در سراسر کشور است. در سراسر کشور نزدیک به دوهزارو بیست نفر جانباز نخاعی داریم. البته این آمار سی‌سال قبل حدود چهارهزارو پانصد نفر بود که به دلیل عدم رسیدگی‌های درمانی لازم از طرف نهادهای مسئول، متأسفانه بیش از نیمی از این افراد به مرور به شهادت رسیده‌اند و اکنون تعداد آنها به حدود دوهزار نفر رسیده است. به همین خاطر این انجمن با هدف رسیدگی به امور درمانی جانبازان تشکیل شد. انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان در وزارت کشور به ثبت رسید و هر دو سال یک‌بار مجمع عمومی برگزار می‌کند.

نقش انجمن جانبازان نخاعی، نظارت بر اجرای صحیح فعالیت‌های درمانی و استفاده از تجارب اعضای کمیته‌های تخصصی است

با نام گروه پیگیری انجمن جانبازان نخاعی داریم که این مراکز تعامل خوبی با بنیاد شهید و استانداری و مراجع ذی‌ربط دارند و هر مشکلی که در استان باشد را به مرکز گزارش می‌دهند. انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان شامل دوازده کمیته است که براساس مشکلات روز جانبازان فعالیت می‌کنند. این کمیته‌ها شامل کمیته بهداشت و درمان، کمیته فرهنگی، کمیته تجهیزات پزشکی، کمیته زیارتی سیاحتی و... است که به مشکلات عزیزان جانبازان نخاعی در سراسر کشور رسیدگی می‌کنند.

این انجمن یک سازمان دولتی است یا غیر دولتی؟

این انجمن یک سازمان مردم نهاد غیردولتی است و بودجه‌ای از دولت دریافت نمی‌کند. ولی براساس تعاملی که با سازمان‌هایی مثل؛ شهرداری یا سپاه پاسداران و بنیاد شهید داریم، گاهی کمک‌های مالی دریافت

هیات مدیران انجمن در مجامع عمومی، توسط جانبازان انتخاب می‌شوند. هیات مدیره انجمن متشکل از هفت نفر اصلی، دوفنر علی‌البدل و دوفنر هم بازرس است که هر دوسال یک‌بار انتخاب می‌شوند.

شعبه‌های انجمن در شهرهای دیگر هم وجود دارند؟

ما در سی استان کشور نمایندگی‌هایی



می‌کنیم. انجمن از اعضا حق عضویت دریافت نمی‌کند.

با توجه به اینکه بنیاد شهید هم چنین خدماتی را ارائه می‌دهد، انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان قرار است که چه کاستی‌هایی را پوشش دهد؟

انجمن نخاعی ایرانیان در راستای کمک‌رسانی به جانبازان تشکیل شده و به نوعی بازوی کمکی برای بنیاد شهید است. گاهی جانبازان نخاعی شرایط خاص و ویژه‌ای دارند و با توجه به گستردگی تعداد آنها، نیاز است که انجمن در موارد خاص ورود پیدا کند و مشکلات را به بهترین نحو رفع کند. ما چون درآمدی نداریم نمی‌توانیم خدماتی به جانبازان عزیز ارائه دهیم ولی مشکلات آنها را پیگیری کرده و از طریق ریاست بنیاد شهید، وزیر بهداشت و سایر مسئولان دولتی سعی در برطرف کردن آنها می‌کنیم. در حقیقت وظیفه اصلی انجمن، پیگیری مشکلات این عزیزان است. بسیاری از این عزیزان، دچار زخم بستر می‌شوند و در اثر این عارضه به شهادت می‌رسند. شناسایی جانبازان در استان‌های مختلف توسط نمایندگی‌های ما انجام شده و شرایط آنها به بنیاد گزارش داده می‌شود. مثلاً: این جانباز نیاز به تخت ویژه یا بستری در بیمارستان دارد. بر اساس این گزارش، آمبولانس به شهرستان اعزام می‌شود و جانباز را به بیمارستان‌های مجهز در استان و یا در تهران مثل بیمارستان ساسان یا خاتم‌النبی منتقل می‌کنند. فعالیت دیگر ما هم برگزاری سفرهای سیاحتی و زیارتی است. کاروان‌هایی که از طریق بنیاد شهید برده می‌شود، معمولاً با اتوبوس‌ها و در هتل‌های معمولی است. در حالی که جانبازان نخاعی، شرایط خاصی دارند و حتماً باید اتوبوسی سوار شوند که بالابر داشته باشد. با پیگیری انجمن نخاعی ایرانیان، بر روی چهار دستگاه اتوبوس کربلا، بالابر نصب شده و صندلی‌ها هم به‌صورتی مناسب‌سازی شده، که کاملاً درازکش شوند تا جانبازان بتوانند به راحتی از آن استفاده



شماره ۱۸۴ زمستان ۱۳۹۱

آدرس سایت انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان، ajnokhaei.ir است و دوستان با مراجعه به این سایت می‌توانند در جریان برنامه‌های انجمن و همایش‌هایی که توسط بنیاد شهید برگزار می‌شود، قرار بگیرند

کنند. بنیاد شهید معمولاً به این نیازها توجه کافی نمی‌کند. مثلاً اعلام می‌کنند که فلان هتل را برای این‌ها گرفته‌ایم، شما هم جانبازان را به نوبت به این هتل بفرستید. ولی ما در ابتدا یکی از اعضای انجمن را برای بازدید از آن هتل می‌فرستیم که ببیند که آیا برای حضور جانبازان مناسب است یا نه؟ در واقع انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان، یک بازوی نظارتی و اجرایی و تخصصی برای بنیاد شهید است. الان در غرفه انجمن در همین نمایشگاه یک تشک تخصصی امریکایی را به نمایش گذاشته‌ایم که برای افراد مبتلا به زخم بستر بسیار مناسب است و ظرف یک‌ماه تا چهل و پنج روز زخم بستر جانبازان را بهبود می‌بخشد. انجمن اصرار دارد که بنیاد شهید این تشک را برای جانبازان تهیه کند، که البته به دلیل گران بودن این تشک هنوز این امر امکان‌پذیر نشده‌است، در حالی که برای افرادی که از جان خود گذشته‌اند، گرانی معنا ندارد.

آیا خدمات انجمن نخاعی ایرانیان به افراد دارای معلولیتی که جانباز نباشند هم تعلق می‌گیرد؟

ما تجربه‌های خود را در اختیار سایر انجمن‌ها قرار می‌دهیم. مثلاً امکاناتی که برای سفر به کربلا ایجاد شده‌است را به انجمن‌های دیگر اطلاع می‌دهیم که در صورتی که هزینه‌اش را بپردازند، می‌توانند از این خدمات برخوردار شوند. ولی

جامعه هدف ما جانبازان نخاعی هستند.

تعداد اعضای این انجمن در حال حاضر چند نفر است؟

انجمن حدود دوهزار و بیست نفر عضو از جانبازان نخاعی دارد. این تعداد شامل کلیه جانبازان نخاعی که در حال حاضر در قید حیات هستند، می‌باشد. در اساسنامه انجمن برای اعضا تعریفی داریم که می‌گوید؛ عضو انجمن نخاعی ایرانیان کسی است که بنیاد شهید او را به عنوان جانباز شناخته باشد، ضایعه نخاعی باشد و هفتاد درصد جانبازی داشته باشد.

اعضای شما فقط از مردان هستند یا از زنان هم عضو دارید؟

در این انجمن حدود بیست و چهار جانباز مونث نخاعی داریم که تعدادی از آنها در اثر بمباران شهرها در زمان جنگ آسیب دیده‌اند.

انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان چگونه اطلاع‌رسانی انجام می‌دهد؟

افرادی که دچار مجروحیت می‌شوند، بلافاصله تحت نظر گروه‌های تخصصی بنیاد شهید قرار می‌گیرند و ما هم از طریق تعامل با این مرکز، آمار را دریافت کرده و گروهی را برای بازدید ارسال می‌کنیم. مثلاً آسایشگاهی توسط سپاه پاسداران برای جانبازان مدافع حرم تاسیس شد که از طرف انجمن برای نظارت بر عملکرد صحیح همکاران این مرکز بازدیدی صورت گرفت و توصیه‌های لازم ارائه شد. نقش انجمن جانبازان نخاعی، نظارت بر اجرای صحیح و استفاده از تجارب اعضای کمیته‌هاست. ما بنیاد شهید را برای خرید هر نوع ویلچر یا تشک و یا لوازم تخصصی برای جانبازان نخاعی، ملزم به تأییدیه انجمن جانبازان نخاعی کرده‌ایم. انجمن، محصولات مختلف را قبل از خرید، مورد بررسی تخصصی قرار می‌دهد و اگر نقایصی وجود داشته باشد، آن را برطرف می‌کند. خوشبختانه انجمن جانبازان نخاعی

اکنون تجارب زیادی خصوصا در حوزه درمان دارد. ما در صفحات مجازی حضور فعال داریم. آدرس سایت انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان، ajnokhaei.ir است و دوستان با مراجعه به این سایت می‌توانند در جریان برنامه‌های انجمن و همایش‌هایی که توسط بنیاد شهید برگزار می‌شود، قرار بگیرند. ما در مورد کهنسالی یا زخم بستر هم همایش‌هایی برگزار کرده و اطلاعات آن را در سایت منتشر کرده‌ایم.

ارتباط انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان با سایر انجمن‌های معلولان چگونه است؟

ما با انجمن معلولان ایران و چند انجمن دیگر که در حوزه ضایعات نخاعی فعال هستند، ارتباط داشته و تجارب خود را با هم به اشتراک گذاشته‌ایم. سالانه چندین همایش و نمایشگاه در حوزه نخاعی برگزار می‌شود که ما با برگزارکنندگان آنها تعامل خوبی داریم. البته بیشتر با انجمن‌های ضایعات نخاعی مرتبط هستیم. در بین جانبازان نخاعی، افرادی با معلولیت‌هایی مثل؛ نابینایی و یا جسمی حرکتی هم داریم که از طریق کمیته‌های تخصصی خود به آنان خدمات می‌دهیم.

برنامه شما برای آینده انجمن چیست؟

با توجه به شرایط جسمی و بالا رفتن سن جانبازان نخاعی، معمولا این افراد بیست سال زودتر از افراد عادی پیر می‌شوند. جانبازان نخاعی که در سنین پنجاه به بالا هنوز سرحال هستند، خیلی انگشت شمارند. این افراد کسانی هستند که ورزشکارند. بنابراین سعی ما این بوده که بحث ورزش را برای این دوستان نهادینه کنیم. همچنین سعی داریم مسئولان را متقاعد به تهیه جدیدترین تجهیزات و دستاوردهای پزشکی برای جانبازان کنیم. این عزیزان با بالا رفتن سن، توان استفاده از ویلچر مکانیکی را ندارند. من با وجودی که خودم ورزشکارم ولی دیگر توان استفاده از ویلچر دستی را ندارم. خواهشی که از مسئولین چه دولتی و چه غیردولتی دارم این است که نگاه ویژه‌ای به جانبازان نخاعی داشته باشند.

با وجودی که خودم ورزشکارم ولی دیگر توان استفاده از ویلچر دستی را ندارم. خواهشی که از مسئولین چه دولتی و چه غیردولتی دارم این است که نگاه ویژه‌ای به جانبازان نخاعی داشته باشند



ما در صفحات اجتماعی تلگرام و سروش و واتساپ فعال هستیم و هفته‌ای نیست که اطلاعیه شهادت جانبازی را در این صفحات نداشته باشیم. واقعا جای تاسف است که این عزیزان به خاطر مواردی مثل زخم بستری ناراحتی کلیه شهید می‌شوند. این افراد به دلیل بالابودن سن شهید نمی‌شوند، بر اثر مجروحیت‌ها و عوارض بیماری‌ها شهید می‌شوند. چرا آنها نباید از تجهیزات و متدهای نوین پزشکی برخوردار باشند؟ باید به بحث درمان و تجهیزات پزشکی و توانبخشی این افراد نگاه خاصی وجود داشته باشد. تاکید پزشکان بر این است که جانبازان از تجهیزات مناسب استفاده کنند و برای تقویت روحیه به مسافرت بروند تا از

دردهایشان کاسته شود.

و سخن پایانی...؟

دوست دارم خاطره‌ای از زندگی‌م را بگویم. من در سال ۶۵ که مجروح شدم، پانزده ساله بودم. آن زمان پرفسوری که از آلمان آمده بود به من گفت: «پسرم تو قطع نخاع شده‌ای و تا آخر عمرت باید روی ویلچر باشی». من از این حرف خیلی ناراحت شدم، چون همه به من امید می‌دادند که خوب می‌شوم. این دکتر به من گفت: «من راستش را به تو می‌گویم تا برای ادامه زندگی‌ت بتوانی تصمیم بگیری. من سه نکته طلایی را به تو می‌گویم که اگر انجام دهی، عمر طولانی خواهی داشت. یکی این که، تا می‌توانی مسافرت برو و لذت ببر. دوم این که، درس بخوان تا دچار آلزایمر نشوی و سوم این که، ورزش کن و کاری کن که دستانت جای پایت را بگیرد و متکی به کسی نباشی». من هر سه این پندها را انجام دادم و موفق هم بودم. در حالی که بعد از ملاقات با این دکتر تا یک هفته از ناراحتی غذا نمی‌خوردم و با کسی صحبت نمی‌کردم. تا این که مادرم به پشتم زد و گفت: همت کن و بلند شو! شروع به درس خواندن کردم، دیپلم گرفتم و در رشته حقوق در دانشگاه تهران قبول شدم، لیسانس و پس از آن هم فوق لیسانس گرفتم و در بنیاد شهید مشغول به کار شدم. الان هم از کارشناسان خبره حقوقی بنیاد شهید هستم و ده سال است که عضو هیات مدیره انجمن جانبازان نخاعی ایرانیان نیز هستم. در حوزه ورزش هم وارد شدم و در رشته‌های مختلفی مثل؛ تنیس روی میز، شنا، فوتبال دستی و وزنه برداری فعالیت کردم. پنج شش سال قوی‌ترین مرد جانباز ایران بودم و وزنه دوپست و ده کیلویی را بلند کردم که هنوز کسی از جانبازان نتوانسته این وزنه را بزند. سالانه مسابقات کشوری وزنه‌برداری جانبازان برگزار می‌شود که من در آن شرکت می‌کنم و سالی چند بار هم به مسافرت‌های داخلی می‌روم.



همه‌ی ما معلول هستیم!!

محمد علی شفا
مدرس مهارت‌های فردی

یک فرد توان‌یاب چه شرایطی دارد و آیا یک ارتباط کلامی ساده ممکن است برای او ضرری داشته باشد یا نه؟
به این فکر کردم که چرا انقدر نا آگاهی در جامعه‌ی ما موج می‌زند؟
نه من به عنوان یک پدر و یک والد به فرزندم آگاهی داده‌ام و نه مدرسه و سیستم آموزشی و نه رادیو و تلویزیون!
بالاخره چه کسی در جامعه باید به بچه‌ها آموزش بدهد؟
غالباً مردم وقتی یک فرد دارای معلولیت را می‌بینند دست و پایشان را گم می‌کنند و رفتارهای غیرعادی و عجیب از خود نشان می‌دهند.
خیلی وقت‌ها زمانی که یک فردی که معلولیت دارد را می‌بینند سریع استغفار می‌کنند، گاهی اوقات خدا

در یکی از کلاس‌های آزاد یکی از شاگردان خوبم به نام سحر با ویلچر سر کلاس حضور پیدا کرد و از قضا آن روز ۱۱ ساله‌ام هم در کلاس با من همراه من بود.
به دلیل آشنایی قبلی با سحر و از آنجایی که او دختر بسیار دوست داشتنی و خونگرمی است، پسر من خواست جلو برود و با سحر صحبت کند، اما به یک باره ایستاد، مکشی کرد و برگشت و خواست در گوشه‌ی با من حرف بزند و سوالی بپرسد. گفتم: «بگو بابا چی شده؟» پسر من پرسید: اگه با سحر حرف بزنم اشکالی نداره؟
گفتم: یعنی چی؟
گفت: می‌ترسم منم مریض بشم و دیگه نتونم راه برم و مجبور بشم روی ویلچر بشینم.
با خودم فکر کردم، یعنی چی؟
فرزند من در این سن اطلاع کافی ندارد که ارتباط با



را شکر می‌کنند و گاهی اوقات هم احساس مسئولیت می‌کنند که انگار حتما باید چیزی بگویند، چیزهایی از قبیل دلداری دادن‌های کاملاً اشتباه که کاملاً باعث به هم ریختن روح و روان آنها می‌شود.

گاهی می‌گویند، خدا شما را دوست داشته و به دلیل همین علاقه است که در این شرایط قرار دارید. یا اینکه تو فرشته هستی، خدا به شما لطف داشته، خدا می‌خواسته شما را امتحان کند و....

که البته اینها روی خوب ماجراست.

حرف‌های عجیب و غریب دیگر کم نیست:

ببین پدر و مادرش چه خطایی انجام داده‌اند که صاحب فرزند معلول شده‌اند!

و از این قبیل حرف‌ها که ترجیح می‌دهم بازگو نکنم....

در بررسی و ریشه‌یابی این مسئله متأسفانه مشاهده می‌شود که بخش زیادی از این تفکر ناشی از ساخت و پخش سریال‌ها و فیلم‌های غیر اصولی و غیر کارشناسی صدا و سیما در طی سال‌های اخیر است که هر وقت کسی خطا می‌کند، کلاه برداری می‌کند یا در حق کسی ظلم می‌کند، سریع به عقوبت گناهش گرفتار می‌شود و آن شخص را روی ویلچر نشان می‌دهند!

انگار که هر کسی مرتکب خطایی شود، حتماً به نحوی گرفتار معلولیت می‌شود و از آن بدتر هر کسی که روی ویلچر نشسته است پس حتماً در حال پس دادن عقوبت گناه بزرگی است!

ما باید یاد بگیریم که تفاوت‌ها را بپذیریم

سال‌های سال سیاه پوستان فقط به دلیل رنگ متفاوت پوستشان، مورد ظلم و آزار قرار گرفته‌اند و امروز افراد زیادی به خاطر تفاوت‌های ظاهری و صرف این که نمی‌توانند مثل ما حرکت کنند یا ببینند و بشنوند و صحبت کنند، مورد آزار قرار می‌گیرند!

مگر نه اینکه همگی ما معلولیم؟

مگر نه اینکه تک تک ما با هم متفاوتیم و نقایصی داریم؟

همه‌ی ما به نوعی دچار معلولیت هستیم. جسمی یا ذهنی، پیدا یا پنهان.

کسی ممکن است وسعت بینایی کمی داشته باشد، شخص دیگری ممکن است قد و قامت متفاوتی داشته باشد، دوست دیگری مثل من موهای کمی داشته باشد و فرد دیگری هم دچار نقص سیستم عصبی باشد.

ممکن است شخصی مثل من مهره‌های کمرش مشکلی داشته باشد و شخص دیگری دچار کمبود عاطفی باشد.

فردی شاید دچار عقده و فردی دیگر دچار مشکلات ذهنی باشد. به شخصی ممکن است در کودکی تعرض شده باشد و اعتماد به نفسش را خدشه دار کرده باشد. ممکن است فردی خانواده‌اش را در حادثه‌ای از دست داده باشد و دچار افسردگی شده باشد و نقص شادی داشته باشد.

ممکن است شخصی دچار نقص سیستم ایمنی باشد و شخص دیگری دچار نقص عضو باشد.

همه‌ی این‌ها معلولیت محسوب می‌شوند.

اما ما از آن‌ها خبر نداریم و یا آن‌ها را جزئی می‌دانیم. در صورتی که کسی که نقص عضو دارد، فقط یک کمبود ظاهری دارد و فقط با مشکلات حرکتی روبه‌روست اما شخصی که مشکلات روانی، رفتاری و فکری دارد با وجود این که به ظاهر سالم است، اما دچار معلولیت‌های پیچیده‌تری نسبت به معلولان جسمی و حرکتی می‌باشد.

متأسفانه غالب افراد در مواجهه با معلولان جسمی و حرکتی و حتی ذهنی، رفتاری از خود نشان می‌دهند که باعث بروز مشکلات روحی و ناهنجاری‌های شدیدی برای جامعه معلولان می‌شود.

چند روز گذشته در یکی از صفحات اجتماعی، در مورد مشکلات معلولین صحبت شده بود. یکی از هموطنان عزیز و ناآگاه، نظر داده بود که اصلاً معلولان می‌خواهند درس بخوانند چه کار؟ می‌خواهند ازدواج کنند چه کار؟ می‌خواهند کار کنند چه کار؟ اصلاً می‌خواهند زنده باشند چه کار؟!؟

و اینگونه به خودمان اجازه می‌دهیم در کار دیگران نظر بدهیم، آن هم نظرات غیرتخصصی، غیر علمی و غیر عقلی و عاطفی و بدون هیچگونه آگاهی و سرانجام باعث رنجش خاطر یک انسان و تزیق نومی‌دی در او می‌شویم. آخر مگر می‌شود قشری را از جامعه حذف کرد آن هم فقط به واسطه‌ی یک نقص ظاهری؟

فرض کنید از فردا بگوییم افرادی که سرشان مو ندارد حق ندارند ازدواج کنند، افرادی که دیسک کمر دارند حق ندارد دانشگاه بروند، افرادی که افسرده هستند حق ندارند به پارک بروند، حق ندارند به سینما بروند، حق ندارند رای بدهند، حق ندارند زندگی کنند، مگر می‌شود؟

افرادی که معلولیت دارند نیز مثل هر انسان آزاد دیگری حق دارند هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند و آنگونه که می‌خواهند زندگی کنند به شرط آنکه مسئولیت عواقب آن را نیز بپذیرند و در صورت سختی پای آن بایستند و یا در صورت انتخاب اشتباه توانش را هم بپردازند.

روی صحبت با خودم است، چگونه به خودم اجازه می‌دهم که برای زندگی آینده و سرنوشت دیگران نظر بدهم، در حالی که در مورد زندگی خودم، سرنوشت و آینده خودم هم نمی‌توانم نظر درستی بدهم؟

شاید بتوان بخشی از دلیل این ماجرا را رفتار منفعلانه و نپذیرفتن مسئولیت دسته‌ای از توان‌یابان عزیز و دست کم گرفتن خودشان دانست که باعث می‌شود دیگران هم در مورد آن‌ها این گونه نظر بدهند یا تصمیم بگیرند.

شاید با حضور و فعالیت بیشتر توان‌یابان و استفاده از ظرفیت حداکثری توان و استعدادهایشان و ایفای نقش پررنگ‌تر و موثرتر در جامعه و با آگاهی بخشی توسط رسانه‌ها، نشریات و بالاخص استفاده از فضای مجازی بتوانند جایگاه خود را در جامعه ارتقا بخشند و ما نیز با دستیابی به آگاهی به تکریم این قشر از جامعه بپردازیم. باشد که رستگار شویم.

میثاق اول از کتاب چهار میثاق

ادامه دارد...





چه خوب میشه اگه ...

مهناز صوفی

چند سال پیش در همایشی مخصوص افراد مبتلا به فلج مغزی شرکت کردم، یکی از سخنرانان همایش که اتفاقاً پزشکی سرشناس هم بود گفت: «آرزومونه بیه شهرک بسازیم مخصوص افراد دارای معلولیت، بیه شهر آرمانی، مدینه فاضله»، راستش اون موقع خیلی خوشم اومد، گفتم وای فکرشو بکن بیه شهر «مخصوص» ما، همه جا مناسب‌سازی شده، بدون نچ، بدون آخی، فرصت برابر در اشتغال، ازدواج، روابط اجتماعی و ... دیشب آخر شب، داشتم در مورد مطالبی گوگل می‌کردم، زدم disabled city، که ببینم آقا اصلاً جایی هست تو دنیا که این شهر یا شهرک آرمانی باشه؟ گشتم و گشتم، عکسا رو دیدم تا رسیدم به چند عکس. بعد ذهنم بیه چیز عجیبی رو به هم پیوند زد و گذاشت جلوم: چیزی به عنوان شهر آرمانی، «مخصوص» افراد دارای معلولیت وجود نداره، بلکه در جاهای دیگه همه شهر رو «مناسب» افراد دارای معلولیت می‌سازن تا بتونن کنار بقیه افراد جامعه زندگی کنن، نه به سبک «رابینسن کروزوئه» و «جزیره‌ای». کوچک‌ترین اقدامشون اینه که با تولید این عروسکا و لگوها به بچه‌ها می‌فهمونن آدم‌هایی با جسم متفاوت هم وجود دارن. فقط متفاوت، نه عجیب و ترسناک! وقتی بچه‌ای توی اسباب‌بازیش از این لگوها و عروسکا باشه، بزرگ که شد توی مدرسه، دانشگاه، محل کار به فرد دارای معلولیت به عنوان بیه گزینه ایزوله‌ی نهایتاً مقدس و قابل احترام نگاه نمی‌کنه، بلکه میاد خودش رو با محدودیت اون فرد تطبیق می‌ده و اون رو در کنار خودش می‌پذیره... به عکسا خوب دقت کنید، جالبه که هم به معلولیت‌ها دقت شده هم به نژادها، زیباترین لگو از نظرم همونه که روی ویلچر نشسته، عصا دستشه و مهندس، این واقعا زیباست که دارن به بچه القا می‌کنن فردی با محدودیت جسمی می‌تونه فردی موفق و مفید باشه.

چه خوب میشه اگه در کشور ما، ایران هم به جای نهایتاً لباس محلی کردن تن دارا و سارا، کمی به ایده‌هاشون فرای ملی و مذهبی بودن وسعت بدن.



پای مصنوعی پیشرفته

راه رفتن معلولان را آسان می‌کند

دانشمندان با یک پای مصنوعی تجاری ساخته شده توسط شرکت پروتز "SSUR" شروع به کار کردند، سپس حسگرهای لمسی را به کف آن اضافه کردند. دو فرد دارای معلولیت، آن را طی یک دوره سه ماهه امتحان کردند و سیگنال‌هایی از آن حسگرها و از مفصل برقی زانو به الکترودهایی منتقل می‌شد که به طور موقت در ران هر داوطلب کاشته شده بود. این الکترودها اعصاب باقی مانده پا را از طریق پالس‌های الکتریکی تحریک می‌کنند، در اصل به شخص اجازه می‌دهند که پا و زانوی مصنوعی خود را مثل پا و زانوی سالم پای دیگر خود احساس کند.

هنگامی که داوطلبان یک تمرین پیاده‌روی را انجام دادند، گزارش دادند که اعتماد آنها به پای مصنوعی بسیار بهبود یافته است و به آنها امکان می‌دهد با سرعت بیشتری روی سطوح نرم و ناهموار مانند شن ساحل حرکت کنند.

همچنین اطلاعات حاصل نشان داد مصرف اکسیژن آنها هنگام راه رفتن با این پای مصنوعی کمتر است که نشان از تلاش جسمی کمتر برای راه رفتن با این پای مصنوعی داشت. علاوه بر این، اندازه‌گیری فعالیت مغز آنها نشان داد که این سیستم باعث می‌شود قدم زدن، آنها را از نظر ذهنی کمتر درگیر کند و مثل افراد سالم تبدیل به امری عادی شود.

دانشمندان اکنون قصد دارند یک مطالعه بزرگ‌تر و طولانی‌تر را انجام دهند و در حال کار بر روی یک نسخه دائمی کاشته شده از الکترودها هستند که می‌تواند مانند دستگاه ضربان‌ساز در بدن کاربر بماند.

محققان موسسه فناوری فدرال زوریخ یک سیستم جدید برای پای مصنوعی توسعه داده‌اند که حس لمس زمین را به صورت زنده برای سیستم عصبی کاربر ترجمه می‌کند تا کاربر کنترل پای مصنوعی خود را مثل پای سالم خود کاملاً در اختیار داشته باشد و عادی راه برود. به گزارش ایسنا و به نقل از گیزمگ، قبلاً در مورد پروتزهای مجهز به حسگر لمسی شنیده‌ایم که به افراد دارای معلولیت امکان تجربه حس لمس در اندام مصنوعی را می‌دهد. اکنون دانشمندان موسسه فناوری فدرال زوریخ همین کار را در پاهای مصنوعی انجام داده‌اند که به کاربران امکان می‌دهد با تلاش بسیار کمتر و هماهنگی بیشتری راه بروند.

هنگامی که افراد سالم راه می‌روند، فشارهای مختلفی را روی انگشتان و کف پای خود حس می‌کنند و همواره بدون نیاز به نگاه کردن به پای خود می‌دانند که پایشان در لحظه کجاست. وقتی پایمان هنگام راه رفتن با زمین برخورد می‌کند، فشارهای مختلفی روی کف پا احساس می‌کنیم، به علاوه حرکت زانوها را نیز احساس می‌کنیم. اما معلولانی که پای خود را از ران به پایین از دست داده‌اند، فاقد این نوع اطلاعات حسی هستند. در نتیجه آنها دقیقاً نمی‌دانند که چگونه پای مصنوعی آنها با زمین تماس پیدا می‌کند و همچنین نمی‌دانند که زانویشان تا چه اندازه خم می‌شود. این اغلب باعث می‌شود که آنها بیش از حد به پای سالم خود تکیه کنند و منجر به یک راه رفتن ناهموار و در نهایت آسیب‌های اسکلتی عضلانی و خستگی می‌شود.

محققان موسسه فناوری فدرال زوریخ با همکاری یک استارت‌آپ سوئیسی موسوم به "SensArs" و دانشگاه فرایبورگ آلمان تصمیم گرفتند تا به اصلاح این وضعیت بپردازند.

[/https://www.isna.ir/news](https://www.isna.ir/news)



Influenza

آنفلوآنزا

پس از دو روز از ابتلا بروز کرده و در کمتر از ۱ هفته رفع می‌شوند. سرفه کردن می‌تواند تا ۲ هفته بعد از بیماری نیز ادامه پیدا کند. تهوع و استفراغ در کودکان متداول است اما در بزرگسالان کمتر دیده می‌شود. شیوع این بیماری در زمستان بیشتر است.

چگونه از گسترش آنفلوآنزا جلوگیری کنیم؟

آنفلوآنزا یک بیماری عفونی است که به سرعت انتقال می‌یابد. در طول مدت زمان ابتلا به آنفلوآنزا، از افراد سالم فاصله بگیرید تا ناقل بیماری نباشید.

وسایلی همچون قاشق، بشقاب، لیوان و... را بلافاصله بعد از مصرف، با دقت بشویید و قاشق خود را از بقیه جدا کنید. در زمان ابتلا به آنفلوآنزا، دست‌های خود را با آب و صابون بشویید.

هنگام سرفه یا عطسه کردن، جلوی دهان خود را با دستمالی تمیز بگیرید. هرگز این کار را با دست خود انجام ندهید. چرا که باعث انتقال ویروس‌ها به دست شما و محیط می‌شود. حتی‌المقدور از ماسک‌های دهان استفاده کنید.

پیشگیری از آنفلوآنزا

از آنجا که درمان خاصی برای آنفلوآنزا و سرماخوردگی وجود ندارد، پیشگیری بهترین راه به حساب می‌آید. برای پیشگیری از آنفلوآنزا می‌توانید موارد زیر را (با دقت) انجام دهید:

از تماس با فرد مبتلا خودداری کنید. از نزدیک شدن بیش از حد و... و همچنین استفاده از اشیاء آلوده خودداری کنید.

دست‌های خود را مداوم با آب گرم و صابون بشویید.

اگر فردی در خانه شما به آنفلوآنزا دچار است، قاشق، لیوان و بشقاب او را جدا کنید.

رژیم غذایی خود را بر اساس افزایش توان دفاعی بدنتان تنظیم کنید.

واکسن آنفلوآنزا تزریق کنید.

ویتامین‌ها به ویژه گروه C را مصرف کنید.

سبزیجات و میوه‌های تازه بخورید.

دست‌های خود را به چشم یا دهان خود نزنید.

اگرچه مدت زمان ابتلا به آنفلوآنزا ۳ تا ۴ روز است، اما در جریان این بیماری ویروس‌ها و میکروب‌های دیگری نیز به بدن ما حمله کرده و مقاومت بدن را کاهش می‌دهند. از این رو فرد مبتلا ممکن است دچار بیماری‌ها و عارضه‌های متفاوت دیگری نیز شود.

در جریان ابتلا به آنفلوآنزا، از روش‌های درمان خانگی و کم هزینه بهره ببرید تا به سرعت بهبود بیابید و خطرات این بیماری گریبانتان را نگیرد!

آنفلوآنزا از ۱ روز قبل از بروز علائم تا ۵ روز می‌تواند به دیگران انتقال یابد. پس خود را از دیگران دور کنید.

آنفلوآنزا نوعی بیماری واگیردار است که توسط نوعی ویروس منتقل می‌شود. ویروسی که در پرندگان و پستانداران تاثیر گذار است! از آنجایی که انسان، یک پستاندار است، بیماری آنفلوآنزا در انسان نیز به وجود می‌آید. بیماری که باعث عفونت حاد دستگاه تنفسی، سردرد، تب، ضعف و بی‌حالی و دردهای ماهیچه‌ای می‌شود.

در موارد حاد این بیماری در خردسالان، باعث سینه پهلو می‌شود. همچنین آنفلوآنزا دارای ۳ گروه به نام‌های A، B، C است. انواع دیگر این آنفلوآنزا می‌تواند به نام‌های: آنفلوآنزای پرندگان، آنفلوآنزای خوک و... باشد.

چه کسانی در معرض آنفلوآنزا هستند؟

به‌طور کلی افرادی که دچار: دیابت، بیماری‌های قلبی، کلیوی، ریوی، آسم و کهنسالی یا بارداری هستند، بیشتر از همه به آنفلوآنزا دچار می‌شوند. گروه سنی دیگری هم که سیستم دفاعی ضعیف‌تری دارند (کودکان) بیشتر از سایرین به آنفلوآنزا دچار می‌شوند. واگیردار بودن این، بیماری سبب شده که در مکان‌های عمومی، احتمال ابتلا بیشتر شود.

علل آنفلوآنزا

اگر سطحی آلوده به ویروس آنفلوآنزا باشد و فردی با این سطح تماس پیدا کرده و دست خود را به چشم یا دهان خود بزند، به این بیماری دچار می‌شود. عامل شیوع آنفلوآنزا، ویروسی است که به وسیله هوا نیز منتقل می‌شود.

علائم آنفلوآنزا

آنفلوآنزا شبیه بیماری شناخته شده سرماخوردگی است. پس علائمی شبیه آن‌را نیز دارد.

- دردهای عضلانی مانند: کمر درد
- تب و لرز (دمای بدن بالای ۳۸ درجه شود).
- کسلی و بیحالی
- سرفه (ممکن است دارای خلط باشد)
- سرفه‌های خشک از سینه
- مشکل در خواب
- کاهش اشتها
- اسهال یا شکم درد
- گلو درد
- درد سینه
- آبریزش بینی
- آفت دهان
- تهوع و استفراغ
- تغییر در صدا

این علائم می‌توانند شدیدتر یا ضعیف‌تر باشند. آنفلوآنزا ممکن است علائم ناشناخته‌ای هم داشته‌باشد. علائمی که



در محل موسسه رعد، در یک صبح پاییزی میزبان زوج کوتاه قامتی بودیم که با روی باز دعوتمان را پذیرفته و ساعتی را با ما گذراندند تا از خودشان، از زندگیشان، از کارشان، از انتظاراتشان و از کودک باهوششان، هانا بگویند. از آمار کوتاه قامتان خبر دقیقی وجود ندارد، شاید به این دلیل که کمتر در انظار عمومی ظاهر می‌شوند. ولی به گفته این زوج فعال و هدفمند، تاسیس انجمن کوتاه قامتان بلند همت، کمک زیادی به حضور اجتماعی این افراد که تفاوتشان با دیگران فقط در چند سانتیمتر کوتاه‌تر بودن است، کرده‌است. گفت‌وگوی ما را با این زوج دوست‌داشتنی می‌خوانید.



خدا را شکر که از زندگی و از باهم بودنمان راضی هستیم

رفتارشان با ما تغییر می‌کرد. اوایل بچه‌های کلاس من را در جمع خود راه نمی‌دادند و از من دوری کرده و یا با نگاهشان آزارم می‌دادند، ولی کم کم با هم دوست می‌شدیم و ارتباط خوبی پیدا می‌کردیم.

سمانه: من در یکی از شهرستان‌های خراسان شمالی به نام آشنخانه به دنیا آمدم و همانجا به مدرسه رفتم. به یاد دارم وقتی کلاس اول ابتدایی بودم باید صبر می‌کردم تا معلم مرا بلند کند و روی نیمکت قرار دهد، وقتی زنگ تفریح هم می‌خورد باز معلم باید مرا بلند می‌کرد و روی زمین می‌گذاشت. آن زمان درس خواندن برای من بسیار سخت بود. مشکل اصلی، رفت و آمد به مدرسه بود که البته هنوز هم یکی از مشکلات ما همین است. در آن زمان گرفتن مدرک دیپلم برای ما، به اندازه گرفتن لیسانس و فوق لیسانس زحمت داشت. یادمه در دوران ابتدایی و راهنمایی وقتی که زنگ خانه می‌خورد در راه برگشت به خانه خیلی از پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها دنبالم می‌کردند، مسخره می‌کردند و مثل یک اسباب‌بازی با من برخورد می‌کردند.

از زمانی که انجمن کوتاه‌قامتان تاسیس شده زندگی ما از لحاظ اجتماعی خیلی بهتر شد و باعث شد که بچه‌های کوتاه‌قامت، از منزل بیرون بیایند، در اجتماع حاضر شوند و مثل قبل نگران دیده شدن از طرف بقیه نباشند

پذیرفتند. با هر مشکلی که بود بالاخره دیپلم گرفتیم. وقتی ورقه دیپلم را گرفتیم، سوزاندمش چون برای به دست آوردن آن خیلی اذیت شدم و اصلا به فکر ادامه تحصیل نبودم. آن زمان ما بچه‌های کوتاه‌قامت، برای درس خواندن با مشکلات زیادی روبه رو بودیم و معمولاً به راحتی در مدارس ثبت‌نام نمی‌شدیم. ولی وقتی مدیر و معلمان می‌دیدند که از لحاظ هوشی مشکل نداریم و زنگ و درس‌خوان هستیم، کم کم

لطفا خودتان را معرفی کنید و به عنوان زوجی که شش سال است که ازدواج کرده و بچه‌دار شده‌اید، از زندگیتان و فراز و فرودی که با آن روبه‌رو بوده‌اید، بگویید:

من سمانه شفیق‌پور، متولد سال ۶۷ هستم. در سال ۹۲ ازدواج کردم و در سال ۹۵ تصمیم به بچه‌دار شدن گرفتیم. در پنجم فروردین ۹۶ دخترمان، هانا، به دنیا آمد. الان او دوسال و هشت ماهه است.

من اسماعیل یوسف پور هستم، متولد سال ۵۶. مدت‌ها در سفره‌خانه‌ای کار می‌کردم و هم‌زمان در کار تئاتر و سینما هم بودم. آن‌ها هم با همسرم در تئاتر و تلویزیون مشغول به فعالیت هستیم.

دوران کودکی و تحصیل خود را چگونه گذراندید؟ ارتباطتان با معلم و شاگردان چگونه بود؟

اسماعیل: من در روستایی در شهرستان مراغه به دنیا آمدم و تا پنجم ابتدایی را در روستا درس خواندم. برای ادامه تحصیل به مراغه آمدم ولی به خاطر کوتاه قامتی به سختی مرا در دوره راهنمایی و دبیرستان





ما افراد کوتاه قامت، تلاش زیادی می‌کنیم که به جایی برسیم، ولی برای کارمان ارزش قائل نمی‌شویم. مثلاً کاری که اسماعیل در سینما انجام می‌دهد را اگر یک فرد بلند قامت انجام دهد، دستمزدش خیلی بالاتر است. ما همیشه مورد تبعیض قرار گرفته‌ایم.

چگونه با یکدیگر آشنا شدید که به ازدواجتان انجامید؟

سمانه: چند سال قبل از ازدواج، با هم آشنا شده بودیم. اسماعیل مدتی درسفره‌خانه‌ای در کاخ سعدآباد کار می‌کرد. من با خانواده از بجنورد به تهران آمده بودم و به همراه دایه‌ام که ساکن تهران بود، برای دیدن کاخ سعدآباد، به آنجا رفتیم. در آنجا برای اولین بار او را دیدم و چون ایشان هم مانند خودم کوتاه قامت بود، توجهم را جلب کرد. آن زمان ما بچه‌های کوتاه قامت، از یکدیگر فرار می‌کردیم و با دیدن همدیگر، دچار استرس و خجالت می‌شدیم. وقتی اسماعیل را دیدم دلم نمی‌خواست، خانواده‌ام او را ببینند. فکر می‌کردم فقط خودم کوتاه قامت هستم و کسی دیگر این شرایط را ندارد. در دیدار اول، اسماعیل که نسبت به من اجتماعی‌تر بود و در تاثیر و تلویزیون هم کار می‌کرد، جلو آمد و از ما برای رفتن به سفره‌خانه، دعوت کرد. در همانجا به من پیشنهاد کار در تاثیر را داد. چون من به کار بازیگری و تاثیر بسیار علاقه داشتم، بلافاصله موافقت کردم. اسماعیل شماره‌اش را به من داد و شماره مرا هم گرفت و قرار شد که چنانچه کاری پیش بیاید، خبرم کند. به بجنورد برگشتیم ولی اینکه، کسی مثل خودم را دیدم، فکرم را مشغول کرد. بعد از مدتی اسماعیل با من تماس گرفت و پرسید، آیا می‌توانی برای انجام تست برای یک فیلم سینمایی، به تهران بیایی؟ پس از موافقت خانواده، به تهران آمدم و با ایشان ملاقات کردم. این ارتباط ادامه پیدا کرد و علاقه‌ای دوطرفه میان ما ایجاد شد. کم‌کم خانواده هم در جریان علاقه ما قرار گرفتند. البته چون هنوز صحبت از ازدواج در میان نبود، پدرم با ادامه این ارتباط مخالف بود. من با خانواده و خصوصاً با مادرم خیلی صحبت کردم تا نسبت به رفتار خوب و مناسب اسماعیل با خودم، قانع‌شان کنم. بالاخره خانواده قبول کردند که برای بازی در تاثیر، سالی چند بار، به تهران بیایم. این رفت و آمدها باعث شناسایی بیشترمان نسبت به همدیگر شد. البته رفت و آمد من به تهران،

افراد کوتاه قامت، افراد شاد و باهوشی هستند و اگر در جامعه پذیرفته شوند، اگر شغل مناسبی داشته باشند و اگر درآمد داشته باشند، روحیه بهتری پیدا خواهند کرد و کوتاه قامتی، برایشان بی‌معنی می‌شود

برای کار در تاثیر بود، ولی بعد از مدتی ایشان به من پیشنهاد ازدواج دادند.

خانواده‌ها با موضوع ازدواج شما چگونه برخورد کردند؟

سمانه: پدرم مخالفت کرد و گفت، شما هردو کوتاه قامت هستید و حتماً روزی تصمیم به بچه‌دار شدن می‌گیرید و فرزندتان هم کوتاه قامت می‌شود. من می‌گفتم، مگر شما و مادر، کوتاه قامت بودید که من کوتاه شدم؟ شاید از ما کوتاه‌قامتان، یک فرزند بلند قامت متولد شود. ولی پدرم باز هم مخالفت می‌کرد و می‌گفت: شرایط زندگی برای شما وقتی مجرد هستید هم سخت است و با ازدواج حتماً سخت‌تر هم می‌شود. او می‌گفت؛ چگونه می‌توانید از طریق بازیگری و تاثیر زندگی خود را در شهری مثل تهران اداره کنید. در آن زمان بین ما علاقه ایجاد شده بود و اصرار به ازدواج با هم داشتیم و هرچه می‌گفتند من قبول نمی‌کردم. بالاخره پدرم قبول کرد و گفت؛ پس قول بده که پشیمان نشوی و مسئولیت این ازدواج هم با خودت باشد. به هر حال، بدون هیچ مراسمی ازدواج کردیم و با بود و نبود امکانات ساختیم و جلو آمدیم. خانواده من الان که می‌بینند که با این شرایط اقتصادی جامعه، می‌توانیم گلیم خود را از آب بکشیم، بسیار راضیند و بسیار به ما علاقه‌مندند. ما شش خواهر و برادر هستیم. ولی پدر و مادرم با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که برایشان ایجاد کردم، مرا بیش از پنج فرزند دیگرشان دوست دارند. خدا را شکر هر دو از زندگیمان راضی هستیم.

اسماعیل: خانواده من با ازدواجم موافق بودند. آنها مانند بقیه پدر و مادرها آرزو

داشتند که من ازدواج کنم و بچه‌دار شوم. الان هم از زندگی ما خیلی راضی و خوشحال هستند. پدر و مادرها همه بچه‌هایشان را دوست دارند، ولی پدر و مادرم، علاقه بیشتری به من دارند.

چه شد که تصمیم به بچه‌دار شدن گرفتید؟

سمانه: از اول، تصمیمی برای بچه‌دار شدن نداشتیم، چون به سختی از عهده مخارج خودمان برمی‌آمدیم. فکر می‌کردیم، در صورت بچه‌دار شدن، ممکن است از پس مخارجش برنیاییم. ولی با اصرار خانواده اسماعیل، به فکر بچه‌دار شدن افتادیم. با پزشک مشورت کردیم و او گفت: "احتمال کوتاه قامت شدن فرزند شما، پنجاه درصد است. بیست درصد هم امکان دارد که جنین در شکم از بین برود و سی درصد هم ممکن است، علاوه بر کوتاه قامتی، دارای مشکلات نابینایی، ناشنوایی یا مشکلات جسمی حرکتی هم باشد. این حرف‌ها را شنیدیم ولی توکل به خدا کردیم و بچه‌دار شدیم. در سه ماهگی تست آمینوسنتز و سونوگرافی رنگی انجام دادم. پزشک متخصص زنان و زایمان، وقتی سونوگرافی‌ها را دید گفت، کودک شما نودون درصد بلند قامت است و مشکل جسمی خاصی هم ندارد. همین باعث شد که امید زیادی پیدا کنیم. پس از سونوگرافی شش ماهگی هم پزشک به ما گفت، فرزندتان از شما بلندتر است. ولی در آخرین سونوگرافی که یک هفته قبل از زایمان انجام دادیم، او گفت، فرزند شما مبتلا به آکوندروپلازی است. متأسفانه کوتاه قامتی جنین، در سونوگرافی سه‌ماهگی و شش ماهگی مشخص نمی‌شود.

در مورد انواع کوتاه قندی می‌توانید توضیح دهید:

کوتاه قامتی دو نوع است؛ یکی آکوندروپلازی است که من از این نوع هستم و نوع دیگر، نانسیسم است که همسر من از این نوع است. افراد نانسیسم، اندازه انگشتان و کشیدگی دست و پاشان نسبت به جثه‌شان، طبیعی‌تر است ولی در آکوندروپلازی، سر نسبت به جثه بزرگ‌تر است، پاها پراگندگی است و انگشتان دست هم کوتاه است. پزشکان تعجب می‌کردند که چگونه با این شرایط بچه‌دار شده‌ام و توانستم نه ماه آن را در رحم نگه دارم. ولی بعد از زایمان حالت پشیمانی به من دست داد که چرا بچه دار شدم. این حالت به خاطر افسردگی بعد از زایمان بود که اکثر زنان بعد از زایمان این



ما هم انسان هستیم و زندگی کردن و در بین مردم بودن را دوست داریم، با نگاه تمسخرآمیز و با کنایه زدن، فرصت زندگی را از ما نگیرید. ما کوتاه قامتان، بلند همت هستیم، صبر ایوب داریم و توکلمان همیشه به خداست

درس می‌خواندم، با بچه‌ها تئاتر بازی می‌کردیم و من کارگردانی می‌کردم. بعد از گرفتن دیپلم به تهران آمدم و در یک سفره‌خانه مشغول به کار شدم، ولی همیشه امیدوار بودم شرایطی پیش بیاید که وارد کار نمایش و تلویزیون بشوم. اولین کار من به نام، امیدهای ایران، با آقای ذاکری بود. در این کار با خانم‌ها؛ سحر ولدبیگی و شقایق دهقان و مرحوم جعفر بزرگی کار کردم. روزی آقای ذاکری و تیمشان برای کاری در پارک ساعی جمع شده بودند، ایشان وقتی مرا دید، پیشنهاد همکاری داد. من هم که چیزی جز این از خدا نمی‌خواستم، برای تست به جام جم رفتم و وارد کار بازیگری شدم.

در حال حاضر با درآمدی که از تئاتر دارید، زندگی می‌کنید؟

سمانه: بله. هزینه زندگی ما از این طریق تامین می‌شود. البته تئاتر، درآمد خوبی ندارد و با زحمت زندگی را می‌گذرانیم. تمام تلاشمان این است که بتوانیم اجاره خانه را سرمایه برداریم که به سختی امکان پذیر می‌شود. مبلغی که بهزیستی به ما می‌داد آنقدر کم بود که برای تهیه پوشک بچه هم کافی نبود. لازم است سازمان بهزیستی برای زوج‌های دارای معلولیت، اولویتی در نظر بگیرد و تسهیلات بیشتری برایشان قائل شود. من از سازمان بهزیستی و سایر ارگان‌ها درخواست می‌کنم به زوج‌های دارای معلولیت توجه و رسیدگی بیشتری کنند.

آلان با گروه خاصی همکاری می‌کنید؟

بعضی هم نارسایی غده هیپوفیز را دلیل آن می‌دانند.

آیا از کمک و حمایت خانواده‌ها، برخوردار هستید؟

سمانه: خانواده هردوی ما در شهرستان زندگی می‌کنند و ما در تهران غریب هستیم و هیچ‌گونه حمایتی از طرف خانواده‌ها نداریم. وقتی که هردو همزمان سرکار هستیم، مجبوریم بچه را با خودمان ببریم که، مشکلاتی ایجاد می‌کند. از روزی که ازدواج کردم تا الان، تک و تنها روی پای خودم بوده‌ام. وقتی دخترم پنج روزه بود مادرم چون مشکلی برایش پیش آمد، مجبور شد ما را تنها بگذارد و به شهرستان برگردد. من به تنهایی بچه‌داری کردم و زندگی را تا به حال گذرانده‌ایم. مخصوصاً چون وسیله نقلیه نداریم، رفت و آمدمان بسیار سخت است. شاید افراد بلند قامت، یک دغدغه داشته باشند، ولی ما چندین دغدغه داریم.

اسماعیل: بچه داری برای ما کوتاه‌قامتان، سخت‌تر از افراد عادی است. هرچه دخترم بزرگ‌تر می‌شود، نگهداری و بغل کردنش سخت‌تر می‌شود.

آیا اکنون هردو در حوزه بازیگری کار می‌کنید و با هم همکاری هستید؟

سمانه: بله هردوی ما در تئاتر و سینما، کارنمایش را انجام می‌دهیم. گاهی در بعضی از کارها باهم هم‌بازی هم می‌شویم.

چه شد که به کارتئاتر علاقمند شدید؟

اسماعیل: من از دوران کودکی به کار نمایش علاقه داشتم. زمانی که در روستا

حالت را دارند. وقتی دخترم، هانا، به دنیا آمد، اول نسبت به او سرد بودم. ولی با اولین گریه او در زایشگاه عشقش به دلم افتاد و دلم طاقت گریه‌اش نداشت. اون لحظه تمام دردهایم را فراموش کردم و فقط به دکتر می‌گفتم؛ نزارید دخترم گریه کند. گرچه در اون لحظه به خاطر بی‌حسی‌هایی که به من زده بودند نمی‌توانستم صحبت کنم ولی با اشاره می‌گفتم. روز به روز علاقه‌ام نسبت به دخترم بیشتر شد. الان به تارموهاشو با تمام دنیا عوض نمی‌کنم. هانا بهترین هدیه‌ست که خدا به ما داده. او را از شیرخودم تغذیه کردم، چون اصلاً حاضر به پذیرفتن شیر خشک نشد. بچه آرامی بود. الان هم بچه بسیار باهوش و آرامی است و احساس می‌کنم با همین سن کم، مرا در این شهر غریب درک می‌کند. من بزرگی خدا را در وجود این بچه احساس می‌کنم.

گفتید که والدین هیچ‌کدامتان، کوتاه قد نیستند. غیر از خودتان فرد کوتاه‌قامت دیگری در فامیل دارید؟

سمانه: پدر و مادرم، نه فامیل نبودند و نه کوتاه‌قد. ولی جد درجد پدر پدربزرگ مادریم، کوتاه‌قامت بوده و ژن آن در خانواده مادری وجود داشت. این‌که چرا من کوتاه‌قامت شدم، همیشه برایم جای سوال بود. البته خدا را شاکرم که از لحاظ جسمی و هوشی هم خودم، هم همسرم و هم دخترم، سالم هستیم.

اسماعیل: پدر و مادرم، دخترعمو و پسرعمو بودند ولی در خانواده ما فقط من کوتاه‌قد هستم. بعضی می‌گویند کوتاه‌قدی من به خاطر ازدواج فامیلی است و





سمانه: من در گروهی به نام سفیدبرفی و هفت کوتوله عضو هستم. قبلا اعضای این گروه، با شخصیت خودشان روی سن می‌رفتند ولی الان با تن‌پوش عروسکی روی سن می‌رویم که بسیار سخت است. چون لباس‌ها ضخیم و گرم هستند ولی باز هم از بی‌کفایتی بهتر است.

اسماعیل: من چند ماهی است که در شبکه پنج سیما مشغول شده و درآمد ثابتی از صدا و سیما دارم. به تازگی هم از طرف سینما، بیمه شده‌ام.

آیا ازدواج را به دیگر دوستانی که دچار کوتاه‌قندی هستند یا افرادی که معلولیت جسمی دارند، توصیه می‌کنید؟

سمانه: ازدواج حق طبیعی هر فردی است و خدا همه چیز را جفت آفریده است. ولی بچه‌های کوتاه‌قامت از ازدواج می‌ترسند چون تکیه‌گاه و پشتیبانی ندارند. بیشترین بچه‌ها، در کار نمایش و تئاتر هستند و درآمدشان بسیار کم است. باید به‌گونه‌ای باشد که تئاتر و بازیگری شغل دوم ما باشد، نه شغل اصلی. بچه‌های ما هرکاری را نمی‌توانند انجام دهند، به همین خاطر انتظار داریم، سازمان‌ها و نهادهای دولتی به ما توجه کنند و برای ما اشتغال مناسب ایجاد کنند. به خاطر شرایط اقتصادی و نداشتن شغل ثابت، اکثر بچه‌ها تمایلی به ازدواج ندارند ولی اگر شرایط مناسبی برای کوتاه‌قامتان ایجاد شود، حتما ازدواج می‌کنند. آنقدر که همسر مرا درک می‌کند، خانواده و اطرافیان بلندقامتم مرا درک نمی‌کنند. دختران و پسران کوتاه‌قامت هم به کسی که آنها را درک کند و به درد دلشان گوش دهد، نیاز دارند. امیدوارم علم روزی آنقدر پیشرفت کند که مادر کوتاه‌قامت، مجبور نشود جنینش را به خاطر کوتاه‌قامتی سقط کند. این حق هر زن و مرد کوتاه‌قامتی است که مادر و پدر شوند.

وجود انجمن کوتاه‌قامتان چه تاثیری در حضور اجتماعی افراد کوتاه‌قامت داشته‌است؟

راه افتادن انجمن کوتاه‌قامتان تاثیر زیادی در زندگی همه ما گذاشت. از زمانی که این انجمن تاسیس شده، زندگی ما از لحاظ اجتماعی راحت‌تر شد و باعث شد که بچه‌های کوتاه‌قامت، از منزل بیرون بیایند و در اجتماع حاضر شوند و مثل قبل دغدغه این که دیگران آنها را نبینند را نداشته‌باشند.

افراد کوتاه‌قامت، افراد شاد و باهوشی هستند و اگر در جامعه پذیرفته شوند، اگر شغل مناسبی داشته‌باشند و اگر درآمد داشته‌باشند، روحیه بهتری پیدا خواهند کرد و کوتاه‌قامتی، برایشان بی‌معنی می‌شود

انجمن باعث شده که بچه‌ها همدیگر را ببینند، با هم آشنا شوند و ازدواج کنند. وقتی ما با هم ارتباط می‌گیریم و در اجتماع حاضر می‌شویم، از هم انرژی می‌گیریم و حالمان خوب می‌شود. افراد کوتاه‌قامت، افرادی شاد و باهوشی هستند و اگر در جامعه پذیرفته شوند، اگر شغل مناسبی داشته‌باشند و اگر درآمد داشته‌باشند، روحیه بهتری پیدا می‌کنند و کوتاه‌قامت، برایشان بی‌معنی می‌شود. من تشکر ویژه‌ای از خانم ابراهیم‌خانی، دبیر انجمن کوتاه‌قامتان بلند همت، دارم که واقعا مادر نمونه همه ما هستند. امیدوارم همیشه تتشان سالم و سایه‌شان بر سر بچه‌های کوتاه‌قامت باشد.

اسماعیل: انجمن باعث شد که به عنوان یک گروه از افراد دارای نیازهای خاص، در جامعه دیده شویم و به مشکلاتمان توجه شود. افراد کوتاه‌قامت، معمولا افرادی زرتنگ و کاری هستند. اولین فعالیت من بعد از تاسیس انجمن، این بود که تعدادی از بچه‌های کوتاه‌قامت را جمع کردم و سفره‌خانه‌ای در خیابان مطهری زدم. دومین سفره‌خانه کوتاه‌قامت را هم در میدان نونبید زدم و بچه‌های کوتاه‌قامت را به کار گرفتم. از ما برنامه مستندی هم تهیه شد و در برنامه ماه‌عسل هم شرکت کردیم. مردم هم از سفره‌خانه خیلی استقبال کردند ولی متاسفانه به دلیل این‌که شریک داشتم و به مشکلات مالی برخوردیم، این کار ادامه پیدا نکرد. الان یک رستوران کوتاه‌قامتان در تهران وجود دارد که دوتا از دوستان ما، برادران ابراهیمی آن را راه‌اندازی کرده و تعدادی از بچه‌ها را به کار گرفته‌اند.

شما که تجربه خوبی در کار سفره‌خانه داشتید، چرا این کار را ادامه ندادید؟

از این کار خسته شدم. چون خودم به اندازه کافی برای سرمایه‌گذاری، پول

نداشتم، مجبور بودم با شریک کار کنم و کار شراکتی مشکلات زیادی دارد.

از مردم چه انتظاری دارید؟

سمانه: از مردم می‌خواهیم که نگاهشان به افراد کوتاه‌قامت، مانند همان نگاهی باشد که به افراد بلندقامت است. ما هم انسان هستیم و زندگی کردن و در بین مردم بودن را دوست داریم. با نگاه تمسخرآمیز و با کنایه زدن، فرصت زندگی را از ما بگیرند. ما کوتاه‌قامتان بلند همت هستیم، صبر ایوب داریم و توکل‌مان همیشه به خداست.

چه برنامه‌ای برای آینده و چه آرزویی دارید؟

اسماعیل: امیدوارم شرایطی ایجاد شود که بتوانم آینده دخترمان را تامین کنم. آرزویم این است دخترم، در همین جامعه رشد کند و فرد موفق‌تری شود و من بتوانم تجارب خودم را در اختیارش قرار دهم.

سمانه: امیدوارم جهان امن‌تر شود، مردم با هم مهربان‌تر باشند، کسی محتاج دیگری نباشد و همه در آسایش در کنار هم زندگی کنیم. آرزویم این است که خانه‌ای شخصی داشته‌باشیم که نگران اجاره‌خانه نباشیم و بتوانیم پولی که در می‌آوریم را برای آسایش و آینده فرزندان سرمایه‌گذاری کنیم. دوست دارم دخترم را به مهدکودک بفرستم تا بتوانم بیشتر به کارنمایش برسم. دوست دارم دخترم را در کلاس زبان انگلیسی، ثبت‌نام کنم که مهارت صحبت کردن به زبان خارجی را پیدا کند. دخترم بسیار باهوش است و با گوشی موبایل به‌خوبی کار می‌کند. خودش از طریق برنامه بازار، بازی و برنامه‌های کودکانه را نصب می‌کند. با کامپیوتر هم کمی آشناست. ما تمام وقت و توانمان را روی موفقیت و آینده دخترمان می‌گذاریم و سعی می‌کنیم راه را برای او هموار کنیم. هر دوی ما ازدو شهرستان کوچک به شهری مثل تهران آمدیم و زندگی خودمان را ساختیم. الان با وجود انجمن کوتاه‌قامتان، می‌دانیم که فرزندان در جامعه راحت‌تر زندگی خواهد کرد و امیدواریم آینده، بهتر از امروز باشد. باتشکر از شما و خانم ابراهیم‌خانی عزیز و دلسوز که این فرصت در اختیار ما قرار دادند تا از این طریق بتوانیم صدایمان را به گوش مسئولان برسانیم و بگوییم ما کوتاه‌قامتان هم دردیای شما بلندقامتان، سهمی داریم و ما هم می‌توانیم....

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

در حقیقت من از جایی که در زندگی هستم راضی‌ام. اما مخالفتمی هم ندارم که یک کلبه در جنگل‌های بامبو در ژاپن داشته باشم و در همان جا زندگی کنم. شاید بتوان گفت که این یعنی دقیقا از جایی که هستم راضی نیستم.

و اینجا دقیقا رسیدیم به مبحث اصلی: دل!

یک چیزی هم هست به اسم دل. البته هنوز ربط دل و دماغ را نمی‌دانم اما قصد هم ندارم این سوال فلسفی را پاسخ بدهم. فعلا به همان دل فکر می‌کنم. دقیقا نمی‌دانم کجاست، شاید در قلب باشد، شاید هم شکم و شاید هم از طرف مغز کنترل می‌شود. هر جا که هست، در زندگی نقش تعیین کننده دارد و مثل بینی نیست که در صورت جابه‌جایی، کارش مختل شود. به هر صورت کار خودش را می‌کند و در میان مردم به زبان نفهمی یا عناوین دیگر مشهور است. این دل است که تعیین می‌کند ما چه چیزی را دوست داریم و به چه چیزی احتیاج داریم.

دل ما تصمیم می‌گیرد که آیا ما جایی هستیم که باید باشیم و اگر مثل دل من، دل کسی بخواهد که در جای دیگری زندگی کند، باز هم باید ببینیم آیا توان دل کردن و رفتن را داریم؟ اگر دنبال دلمان رفته باشیم، آن وقت است که دل تصمیم می‌گیرد که ما خوشحال باشیم!

دل من هم به من اخطار می‌دهد که به جای فکر کردن به مکان بینی، به دلت فکر کن. انتخاب کن که دل کردن از مکان زندگی فعلی راحت‌تر است یا دل بستن به یک مکان جدید.

بعد از این همه تفکرات شبه فلسفی، توجه شما را به چند نکته جلب می‌کنم که نمی‌دانم فلسفی هستند یا نه.

ابتدا باید عرض کنم که من به شخصه از جای بینی خودم راضی هستم و همین‌طور از جای بقیه‌ی اعضای بدنم. بدنی که به ما آدم‌ها هدیه داده شده، بسیار عزیز و دوست‌داشتنی و همین‌طور محترم است. بله محترم! این بدن، بدنی است که برای ما انتخاب شده، هر طور که باشد، باید از آن مراقبت کنیم و دوستش داشته باشیم. در صورتی که احساس عشق و احترام به بدنتان داشته باشید، همیشه دارای بهترین حس و حال هستید. به بینی زبان بسته هم خرده نگیرید و هر چوری که هست، دوستش داشته باشید.

برای داشتن دل و دماغ در زندگی، فکرتان را درگیر بینی خود نکنید، با عمل جراحی و مشت و لگد و هر چیز دیگر هم لازم نیست درستش کنیم. خودش درست است. برای داشتن دل و دماغ فقط باید به دلمان برسیم و به آن بها بدهیم.

در مواقعی از زندگی ممکن است حرف دل دیوانه‌وار به نظر برسد، اما صادقانه‌ترین و لطیف‌ترین حرف‌ها، حرف دل است. در کنار همه‌ی منطقی‌ها و استدلال‌ها، حرف دل را هم جدی بگیریم و به آن رجوع کنیم، چرا که ممکن است بهترین راه، رفتن به دنبال حرف دلمان باشد.

فاطمه کنهانی
از سایت فرهنگ توان‌یابان





تأثیر حرکات زربفت چی کونگ^۱ بر تعادل جسمی، ذهنی افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی

گردآورنده: مرجان وحیدنیا^۲

چکیده

هنر رزمی تای چی^۳ یک سنت باستانی با تأثیر شفابخشی در چین است که طی قرن‌ها تکامل یافته و به ابزاری برای کاهش اضطراب و استرس مبدل گشته، که موجب آرامش درونی می‌شود. این ورزش برای افراد در هر سن و سال و با هر شرایطی بی‌خطر بوده، زیرا که فشار زیاد روی عضلات و مفاصل وارد نمی‌کند، لذا بر آن شدیم که این هنر و ورزش را برای افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی بهینه‌سازی نماییم.

کلیدواژگان:

هشت قطعه زربفت، چی کونگ، معلولیت جسمی و حرکتی

مقدمه

برای انجام تای چی نیازی نیست حتما دارای اندامی متناسب یا در سلامت کامل باشید. همه می‌توانند به راحتی ورزش تای چی را انجام دهند، افرادی با متناسب‌ترین اندام گرفته تا افراد دارای معلولیت و دارای مشکلات جسمی و حرکتی می‌توانند این تمرین‌ها را انجام دهند و نتیجه بگیرند. حرکات در این ورزش، به‌طور معمول نرم و دورانی بوده و برای انجام آن‌ها از زور و فشار زیاد بدنی استفاده نمی‌شود. در این ورزش، عضلات به‌جای این‌که در حالت انقباض باشند در حال انبساط هستند. مفاصل نه کاملاً خمیده شده و نه کاملاً باز می‌شوند و بافت‌های هم متصل کشیده نمی‌شوند. دلایلی که امروزه تای چی مورد علاقه و توجه بسیاری از مردم واقع شده‌است را می‌توان عوامل زیر دانست:

۱- سلامتی جسمی و ذهنی

۲- هنرهای رزمی درونی و بیرونی

۳- حرکات زیبا و پیچیده و هنری بدن

۴- مراقبه و آرام سازی ذهن

عقیده غالب بر این است که تای چی در افزایش ارتباط ذهن-بدن بسیار موثر بوده و به ورزشکاران آن بسیار کمک می‌کند. این مقاله حاصل نتایجی است که با آموزش‌های تای چی در مدت شش سال به افراد دارای معلولیت به دست آمده‌است. تای چی به طرز محسوسی تعادل و انعطاف بدن را در افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی افزایش می‌دهد.

۱- Eight Pieces of Brocade Qigong

۲- نخستین مربی آموزش تای چی به افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی در ایران

۳- Taich، یکی از شاخه‌های ورزش ووشو بوده، و برای سلامتی و افزایش طول عمر و آرامش روحی بسیار مفید است. تای چی را در هر حالتی، نشسته، خوابیده یا ایستاده میتوان انجام داد و میتوان گفت که نتیجه‌ی یک مراقبه در حال حرکت است.



تای چی مزایای فیزیولوژیکی و روانی بسیاری برای بدن ارائه داده و باعث افزایش کیفیت زندگی در جوامع مختلف می‌شود. این ورزش، باعث افزایش تعادل، افزایش ظرفیت هوازی ریه‌ها، بالا بردن قدرت عضلانی و انعطاف‌پذیری عضلات می‌شود و می‌تواند مشکلات روان‌شناختی در افراد به‌ویژه توان‌یابان^۱، مانند افسردگی، اضطراب، استرس و اختلالات خلقی را تسکین دهد.

این هنر با نگرش عمیق فلسفی شکل گرفته و با کمک چرخش انرژی در کل بدن انسان و تخلیه انرژی منفی بدن به تعادل و آرامش انسان کمک می‌کند. در تای چی افراد با هر نوع وضعیت جسمی و حرکتی می‌توانند تمرینات را انجام داده، تا انرژی در کل بدن جاری شده و این امر با هماهنگی با ریتم‌های طبیعت و قوانین حاکم بر طبیعت و ادراک آن قابل انجام است.

تای چی ابتدا بدن را متعادل می‌سازد و سپس انرژی درونی انسان، ذهن، تنفس، عواطف و روح را متعادل می‌نماید.

انجام تمرین‌های تای چی می‌تواند باعث بهبود در شرایط زیر شود:

۱- کاهش دردهای مزمن

۲- کاهش استرس

۳- بهبود روحیه

۴- خواب بهتر

۵- کاهش وزن

۶- تمرکز بهتر

۷- تنفس بهتر و آسان‌تر

۸- مدیریت شرایط و بیماری‌های مزمن

۹- افزایش قدرت عضلات

۱۰- تعادل

پیترام. وین^۲، رئیس دوره تحقیقات ذهن و بدن و تای چی در دانشگاه پزشکی هاروارد^۳ می‌گوید: «تای چی یک مکمل درمانی استاندارد برای پیشگیری و توان‌بخشی در بسیاری از بیماری‌های مرتبط با افزایش سن است.»

تای چی می‌تواند به صورت یک مکمل، به همراه درمان‌های پزشکی برای بیماران تجویز شود و همچنین می‌تواند منجر به رفع بیماری و یا بهبود کیفیت زندگی و عملکرد بیماران شود.

چی کونگ^۴ بخشی از (یکی از تکنیک‌ها) تای چی می‌باشد که به معنای ترویج انرژی حیاتی می‌باشد و باعث آرامش ذهن و به جریان انداختن انرژی در بدن می‌شود. چی کونگ را می‌توان به صورت ایستاده، نشسته، خوابیده انجام داد، لذا این تکنیک را برای افراد دارای معلولیت انتخاب کردیم زیرا که در هر وضعیت جسمی می‌توانند آن را انجام دهند.

حرکات تای چی و چی کونگ نقاط ضعف و قدرت شما را نشان خواهد داد و باعث تعادل در کل بدن می‌شود و این امر خودشناسی و آگاهی شما را بالا برده و موجب آرامش ذهن و جسم می‌شود.

هدف از چی کونگ، پاکسازی روح و جسم و همچنین تقویت و پرورش آنها به‌طور یکسان است و چون سلامتی مستلزم داشتن تعادل و اعتدال در بدن است، چی کونگ باعث می‌شود تا نقاط ضعف خود را شناخته و در تقویت آنها سعی و کوشش نموده تا بتوانید کل وجود خود را پرورش دهید.

به مانند باغبانی که باغ خود را با دقت و عشق پرورش می‌دهد و یا

۱- در این مقاله، به جای مجموعه کلمات «افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی» از کلمه «توان‌یاب» استفاده می‌نماییم.

۲- رئیس دوره تحقیقات ذهن-بدن و تای چی در مرکز تحقیقات اوشر دانشکده پزشکی هاروارد، Peter Wayne

۳- Harvard Medical School

۴- نوعی مدیتیشن در جهت بهبود آگاهی و حرکت و تنفس

به تعبیر حافظ شیرازی:

«باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش

بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش»
همه تمرین‌های چی کونگ با هدف ارتقای سلامتی و افزایش انرژی و شادابی سازی جسم و روح و پیشگیری و کنترل بیماری‌ها و تقویت اندام‌های درونی و بالا بردن تعادل و کاهش استرس است.

به‌طور مثال در هنگام انجام حرکات، وقتی شما برتری و قدرت و آرامش را در حرکات خود ببینید، سعی می‌کنید بهتر و قویتر شوید و وقتی خلاف آن را مشاهده می‌کنید به بررسی نقاط ضعف خود می‌پردازید و در تقویت آنها کوشا هستید.

در اینجا در نظر داریم که هشت قطعه زربفت^۵ چی کونگ را با تأکید بر افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی شرح دهیم که باعث بهبود روند زندگی افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی شود.

هشت قطعه زربفت، مجموعه ساده از تمریناتی است که انرژی، انعطاف پذیری، سلامتی و آگاهی را پرورش می‌دهد.

روشهای تبدیل انرژی در هشت قطعه با حرکت دستها و بازوها شروع شده و سپس با فشار دادن آن روزه پایین، انرژی را به حرکت درمی‌آورد. در این روش، حرکت هیچ آغاز یا پایانی ندارد، بنابراین انرژی همواره در حال افزایش یا کاهش، صعود یا سقوط است.

در انجام هشت قطعه زربفت به نکات زیر توجه نمایید:

- بدن را آرام کنید.
- چشمها را آرام و باز و در آرامش نگه دارید.
- در هنگام کشیدن اندام، آرنج و زانو و مچ خود را نرم و کمی خم نگه دارید و آنها را قفل نکنید.

• اجازه دهید انرژی در بدن جریان یابد و مانند یک پارچه سبک ابریشمی که در مسیر باد قرار گرفته، به نرمی حرکت کنید.

• از طریق بینی نفس بکشید و از طریق دهان بازدم را خارج نمایید. (تنفس طبیعی و آرام بدون فشار بر بدن)

اسامی هشت قطعه زربفت به شرح ذیل بوده که در سه حرکت اول، قفسه سینه باز و کشیده می‌شود و همچنین کشیدگی در عضلات شکمی و عضلات شانه‌ها و بازوها موجب تقویت عملکرد آنها می‌گردد و همراهی این کشیدگی‌ها با تنفس‌های عمیق، حجم ریه‌ها را بالا برده و هوای بیشتری نسبت به سطح نرمال و طبیعی در خود جای می‌دهد، که این خود موجب شادابی و ایجاد انرژی در فرد تمرین‌کننده می‌شود.

۱. نگه داشتن آسمان با دو دست^۶
۲. کشیدن کمان و پرتاب نیزه^۷
۳. نگهداشتن آسمان و زمین^۸
۴. جغد دانا^۹
۵. خرس بزرگ از یک طرف به طرف دیگر می‌چرخد و دم ازدها را تکان می‌دهد^{۱۰}
۶. خم شدن به عقب. سپس خم شدن به جلو نگه داشتن پاها^{۱۱}
۷. حرکت مشت به طرفین^{۱۲}
۸. خانه تکانی^{۱۳}

Eight Pieces of Brocade -۵

Lifting the Heavens -۶

Shooting the Arrow -۷

Separating Heaven and Earth -۸

Looking Behind -۹

Sway the Head and Swing the Tail -۱۰

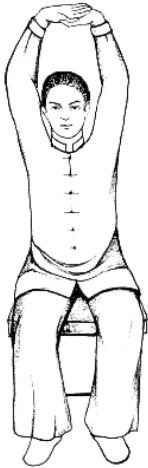
Hands Holding Feet -۱۱

Screwing the Fist with Fiery Eyes -۱۲

Rocking the Bubbling Wells -۱۳



در اینجا به بررسی فواید هشت قطعه میپردازیم:



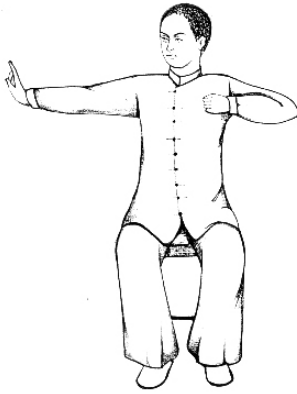
تصویر ۱: نگه داشتن آسمان با دو دست

۱ نگه داشتن آسمان با دو دست

تنفس عمیق و آرام به کاهش ضربان قلب و فشار خون کمک میکند و باعث کشیده شدن عضلات و رها شدن آنها می‌شود. این تمرین به تنظیم و بهتر شدن کار قلب، ریه‌ها، معده، طحال و کبد کمک کرده و باعث تحکیم درونی اندام‌های بالا تنه می‌شود و از همه مهم‌تر باعث بوجود آمدن یک ذهن آرام و روشن شده که خود موجبات کاهش اضطراب را فراهم می‌نماید.

1

۲ کشیدن کمان و پرتاب نیزه



تصویر ۲: کشیدن کمان و پرتاب نیزه

هدف را در نظر گرفته و تمرکز کنید و بسیار آهسته و آگاهانه عمل کرده و تیر را رها نمایید. هدف از کشیدن کمان، دور کردن رفتارهای ناپسند و انرژی‌های منفی است و با تمرکز و نشانه گرفته اهداف و ثبات برای رسیدن به آنهاست. این تمرین یک حرکت درونی، تجربی و زیستی است که به شما این امکان را میدهد که تفکر مثبتاً در مورد سلامتی و انرژی و شادابی را بیشتر نمایید. وقتی به قدرت درونی می‌اندیشید، باید فرم بدن شبیه به کشیدن یک کمان باشد و وقتی قدر، درونی را افزایش می‌دهید باید شبیه به پرتاب یک تیر باشد. فواید این تمرین به شرح ذیل است: باعث تقویت شانه‌ها، عضلات دوسر و غضلات ساعد شده و مهارت‌های تعادلی را افزایش میدهد و افزایش ضربان قلب و سرعت تنفس به بالا بردن قدرت سیستم عروقی قلب کمک می‌کند. با حرکات هماهنگی که در این فرم وجود دارد تعادل و عملکرد مغز را بهبود بخشیده و تمرین، کششی آن موجبات رها شدن انقباضات عضلانی را فراهم میکند. استفاده از دو طرف بدن باعث هماهنگی و تقویت کل بدن میشود و تنفس منظم، آرام و عمیق اثرات مثبتی بر روحیه شخص و بالا بردن سطح انرژی و هوشیاری را دارد، و باز کردن قفسه سینه در این تمرین موجب از بین رفتن اختلالات ریه‌ها می‌شود. بالا بردن دستها و کشش آنها، دردهای گردن و شانه‌ها را بهبود بخشیده و همچنین به قوی شدن عضلات چشمها کمک می‌کند.

2

۳ نگه داشتن آسمان و زمین



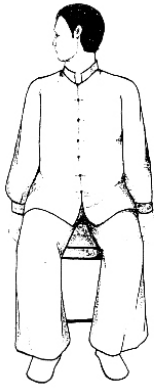
تصویر ۳: نگه داشتن آسمان و زمین

هدف این تمرین، ایجاد آرامش در ذهن بوده که منجر به از بین رفتن افسردگی و استرس می‌شود. این تمرین فواید بسیاری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم. باعث افزایش ضربان قلب و بالا رفتن سرعت تنفس شده و موجبات بهتر شدن عملکرد قلب و جریان خون در عروق را فراهم مینماید. کشیدن دست، شانه، کمر و عضلات شکمی موجب باز شدن قفسه سینه و در نتیجه بهبود عملکرد ریه‌ها برای تنفس عمیق‌تر میشود و به تنظیم عملکرد معده و طحال کمک مینماید و انرژی به صورت حلقوی در دستها حرکت کرده و تعادل و عملکرد مغز را بهبود میبخشد و باعث رفع انقباضات عضلات میشود. همچنین باعث استفاده از هر دو طرف بدن شده و اثرات مثبتی بر نظم و تقویت و هماهنگی ساختار بدن خواهد داشت و باعث انتقال انرژی به کبد و مثانه میگردد.

3



جغد دانا (پرتاب انرژی منفی از چشم)

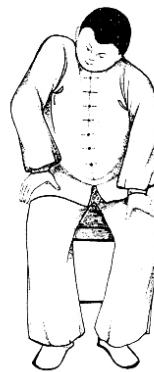


تصور کنید قدرت دیدن دور دستها را دارید و در تاریکی هم میتوانید شکار نمائید. با برگرداندن سر و گردن به طرفین و نگاه به دور دستها حلقه چشم را باز کرده و تصور کنید هرآنچه انرژی منفی یا خستگی در عضلات چشم خود دارید را میتوانید به بیرون پرتاب نمائید.

این تمرین، یکی از پر قدرت ترین تمرینها در چیکونگ است و تأثیر فوق العاده بر دستگاه عصبی مرکزی گذاشته و سرعت جریان خون و انتقال اکسیژن را در بدن افزایش میدهد، و قدرت حیاتی کلیهها را افزایش می دهد و تحریک می کند. فعالیت مردمک های چشم را تقویت کرده و موجب تقویت عضلات گردن و شانه میشود، و مهمتر اینکه برای آرامش و رهاسازی بسیار مفید است و موجب کاهش حرارت قلب شده و از اختلالات آن جلوگیری میکند. لازم به توضیح است که اشخاص مبتلا به ناراحتی های گردن باید هنگام انجام این حرکت بسیار دقت نمایند و گردن خود را به آهستگی و با چرخش کم حرکت دهند. سر خود را به عقب خم نکرده، برای این که به مهره های گردن فشار زیادی وارد میشود.

تصویر ۴: جغد دانا (پرتاب انرژی منفی از چشم)

خرس بزرگ از یک طرف به طرف دیگر می چرخد



در تمام مدت این تمرین، دستها باید دو طرف کشاله ران قرار داشته باشد. چیکونگ رقص حیوانات است و فقط افرادی که فشار خون کنترل نشده دارند، نباید سر را پایینتر از سطح قلب بیاورند و اشخاص که آسیب هایی در باسن، لگن، شکم و کمر دارند، باید به میزان کمتر به جلو خم شوند.

این تمرین تأکید بروی کمر و لگن داشته و بخش میانی لگن را تقویت میکند. نیرو و انرژی فرد تمرین کننده از طریق این تمرین قویتر می شود.

برای این حرکت، احتیاج به خم شدن به طرفین و جلو عقب است، که با چرخش و حرکتی ماریچی و نوسانی همراه است.

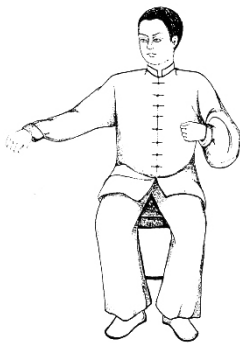
این تمرین موجب آزاد شدن جریان انرژی حیاتی (چی) میشود و در کلیهها جاری میشود و در نتیجه انرژی حیاتی پر قدرتی در جهت حفظ سلامتی و تناسب اندام در بدن جاری میگردد، و باعث دفع گرمای اضافی قلب شده و فشار دستگاه عصبی سمپاتیک را کاهش میدهد که تأثیر بسیاری بر آرامش فرد تمرین کننده دارد.

لازم به توضیح است که مبتدیان باید این تمرین را بدون کشش بیش از حد انجام داده، و با توجه به شرایط جسم و ذهن خود طول مدت زمان این کشش را افزایش دهند و خود را با همکلاسهها و مربی، مقایسه نمایند و فراتر از ظرفیت و مهارت خود عمل نکنند، به آرامی پیشرفت کنند و در اجرای اینگونه تمرین دقیق و صبور بوده و تا آسیبی به خود وارد نکنند.

گاهی ممکن است جراحتهای قدیمی یا بیماریهای مفاصل، طیف حرکت را محدود کند. باید در این موقع نقاط ضعف و قدرت خود را به خوبی بشناسید.

تصویر ۵: خرس بزرگ از یک طرف به طرف دیگر می چرخد.

حرکت مشت به طرفین و وسط (نیشگون گرفتن با نگاهی غمبناک):



این حرکت نوعی نیشگون گرفتن یا تلخ و غضبناک است که موجبات پاکسازی کبد را فراهم مینماید. روش اجرا به این صورت است که چشمها را تا حد امکان باز کرده، تا از طریق آن خشم و عصبانیت و اراده و جسارت خود را به حریف فرضی نشان داده و به او منتقل نمایید.

تصور کنید که انرژی از مشت شما به طرف خارج پرتاب میشود و به سوی یک حریف خیالی میرود، این انرژی در طول مسیری که شما نگاه میکنید حرکت میکند. تقلید از روحیه مبارزه، به پرورش اعتماد به نفس و جسارت و قدرت کمک میکند.

این تمرین علاوه بر اینکه کمک به آرامش ذهن و بدن میکند، با پرتاب خشم از طریق مشتها به تقویت قلب و عروق از طریق تسریع جریان خون و اکسیژنرسانی بوسیله دم و بازدمهای عمیق نیز کمک کرده و شانهها و مچ دستها را تقویت نموده و تعادل و هماهنگی را در کل بدن بیشتر میکند و از همه مهمتر خشم و احساسات منفی را از بدن دور کرده و به تقویت عضلات چشم کمک مینماید.

در طب چینی، این حرکت به تحریک و تجرید قوای کبد کمک به سزایی مینماید، و موجب تقویت ستون مهرهها شده، حرکات کمر باعث تقویت انرژی درونی (چی) در زیر ناف میشود و همین امر، باعث تقویت عضلات شکم میگردد.

به طور کل میتوان گفت که این تمرین، کلیهها، غدد آدرنالین و رگها و شریانها و اعصاب را تقویت نموده و چون کلیهها نقش بسیار مهمی در تنظیم متابولیسم آب بدن شما دارند، این تمرین به حفظ تعادل اجزای داخلی بدن کمک مینماید.

تصویر ۶: حرکت مشت به طرفین و وسط (نیشگون گرفتن با نگاهی غمبناک)

این تمرین در یوگا، «هارا» نامیده میشود که در زبان سانسکریت به معنای بخشی از اطراف شکم است که از آن انرژی زندگی ساطع میشود. با تصور اینکه فشارها را با هر ضربه از خود دور میکنید، بر قدرت بدن خود متمرکز می شوید و میتوانید استرس و فشار ذهنی و فیزیکی را از خود دور نموده و وقتی دستها را به طرف شکم خود میکشید قدرت و انرژی را از جهان هستی به درون خود کشیده و میتوانید آن را تصور نمایید.

۱- انرژی حیاتی، جنبه نادیدنی هستی است که جهان را شکل می دهد و همه چیز را به جنبش درمی آورد. این انرژی قابل دیدن و لمس کردن نیست، اما مانند هوایی که تنفس می کنیم ما را دربر گرفته و موجب ایجاد توازن در روح، روان و جسم ما می شود. انرژی حیاتی به اشکال مختلف ظهور می کند و همه جامدات و موجودات جهان فیزیک و پدیده های روحی و روانی را شامل می گردد. Qi
۲- ورزشی جسمی و ذهنی که در شبه قاره هند پدید آمده و گسترش یافته است. Yoga
۳- در زبان ژاپنی، هارا به نقطه ای در بدن اشاره میکند که حدود پنج سانتی متر پایینتر از ناف قرار دارد. در این نگرش، هارا مرکز ورود انرژی حیاتی یا همان انرژی چی و یا کی به بدن است. برای هارا نام های متعددی گفته شده است: تان- تین، دان- تین و در برخی موارد چاکرای دوم.

7

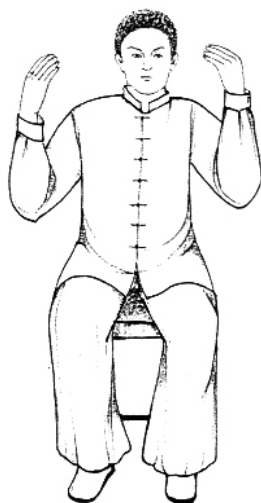


خم شدن به عقب و سپس خم شدن به جلو و لمس کردن پنجه پاها

این تمرین موجب کشیدن و منبسط شدن عضلات تحتانی می‌شود و حرکات معکوس خون بیشتری را به باسن فوقانی می‌رساند، و بر روی عضلات چهارسود و زردپی‌ها تاثیر میگذارد. این ماساژ باعث افزایش جریان خون در قسمت پایین بدن شده و خمیدگی پشت کمر، سبب تقویت عضلات شکمی و پایین تنه شده و کامالهای مختلف در بدن را تحریک می‌کند.

تصویر ۷: خم شدن به عقب و سپس خم شدن به جلو و لمس کردن پنجه پاها

8



خانه تکانی کردن

بدن را به سمت بالا کشیده و با دم و بازدم بدن خود را رها کنید و تنفس شما در هنگام بازدم صدادار باشد. این حرکت معرف این است که با رها کردن بدن، انرژیهای منفی و بیماریها از بدن خارج میشود.

تصویر ۸: خانه تکانی کردن

نتیجه

همه تمرینات تای چی و چی کونگ با هدف ارتقای سلامتی و افزایش انرژی و شاداب سازی جسم و روح و پیشگیری و کنترل بیماریها و تقویت اندامهای درونی و بالا بردن تعادل و کاهش استرس است.

انجام این حرکات مستلزم تمرکز و آرامش است و تنفس عمیق و طبیعی همراه با حرکات آرام موجب آرام شدن ذهن و جسم میشود.

در انجام این تمرینها صورت باید شاد و گشاده بوده و منعکس کننده آرامش درونی باشد. هنگام انجام حرکات باید تصور کنید مانند کوه قوی، پایدار، استوار، بدون حرکت، ساکت و آرام، در بلندترین نقطه، قدرتمند و تنها هستید. طوفانها و مصائب را پذیرفته، ولی درهم نشکسته و با هر احساس و نگرانی فرو نمیریزید.

منابع:

www.health.harvard.edu/staying-healthy/the-active-ingredients-of-tai-chi

www.parandezad.ir/index.php/articles/yoga/189-parandezadyoga-hara

www.medicalnewstoday.com/articles/69218.php



شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۱

زهر قنبری هستم از کارآموخنگان قدیمی رعد دوست داشتم کمی از خاطرات خوبی که از رعد دارم را بازگو کنم.

از طریق یکی از دوستانم با مجتمع رعد آشنا شدم. زمانی که در یک تماس تلفنی با استقبال بی نظیر آقای مهندس عامری مواجه شدم، راستش باورم نمی شد کسی یا کسانی برای دادن آموزش رایگان به افراد دارای معلولیت اینقدر خوش برخورد و مهربان باشند.

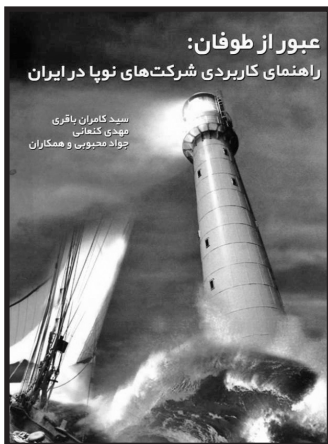
تمام لحظات حضور من در مجموعه رعد سرشار از خاطرات شیرین و به یاد ماندنی هستند. به خاطر دارم، در بدو ورود به قدری ناراحت و معذب بودم که به سختی با کارآموزان دیگر ارتباط برقرار می کردم ولی مسئولین و مربیان مهربان و دلسوز مجتمع رعد محیط را چنان صمیمی و گرم می کردند که به تدریج نه تنها از حضور در آنجا ناراحت و معذب نبودم، بلکه بسیار علاقه مند و مشتاق حضور در کلاس ها و فعالیت های فرهنگی آن مجموعه شدم و کم کم با به دست آوردن اعتماد به نفس بسیار خوب، توانستم مجری مراسم با شکوه رعد شوم.

وقتی به اصرار خانواده در کلاس های کامپیوتر رعد ثبت نام کردم هیچگاه باورم نمی شد که دوام بیاورم و بتوانم این کلاس ها را به اتمام برسانم. ولی برخورد مسئولین و مربیان (مهندس غیائی، اکبری، توسلی و...) این مجموعه به قدری مرا برای شرکت در کلاس ها ترغیب کرد که توانستم کامپیوتر را با گرایش های مختلف آن آموزش ببینم و برای رفتن به سرکار آماده شدم.

در حال حاضر وقتی به آن روزها که با اشتیاق در کلاس ها شرکت می کردم و از مربیان و حتی دوستان کارآموزم می آموختم فکر می کنم، دلم برای آن روزها تنگ می شود و برای تمامی کسانی که به هر نحوی در برپایی و استمرار این مجموعه تلاش کرده و می کنند دعا می کنم. خدا را شکر می کنم که مرا با این مجموعه آشنا کرد تا سرنوشتم به بهترین صورت شکل بگیرد و از انزوا و احساس بی هوته بودن نجات یابم.

در حال حاضر بعد از آموزش هایی که در مجتمع رعد دیدم، با ۲۱ سال سابقه در یک پژوهشکده کار می کنم و با دسترنج خود خانه ای خریداری کردم و مستقل زندگی می کنم.





معرفی کتاب

نام کتاب: عبور از طوفان
راهنمای کاربردی شرکت‌های نوپا در ایران
مولفان: سید کامران باقری، مهدی کنعانی، جواد محبوبی و همکاران
ناشر: موسسه خدمات فرهنگی رسا
نوبت چاپ: چاپ سوم، ۱۳۸۹

کتاب حاضر دارای دو مقدمه است که یکی از آنها توسط دکتر سید کامران باقری (از مولفان اثر) و دیگری، توسط دکتر سید رضا فیض‌بخش، استاد اقتصاد دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف نوشته شده است.

سید کامران باقری در این مقدمه، درارتباط با محیط کسب و کار و شرکت‌های نوپا در ایران و مشکلات آنها مطالبی را بیان کرده‌است. دکتر فیض‌بخش نیز مطالبی را درباره تعریف کارآفرینی و خصوصیات کارآفرینان بیان نموده‌است. در متن کتاب، به حوزه‌های اصلی تاثیرگذار بر عملکرد شرکت‌های نوپای ایرانی از جمله؛ حمایت از حقوق مالکیت فکری و حسابداری و... پرداخته شده‌است. هر فصل این کتاب توسط یکی از متخصصان در رشته کارآفرینی، به رشته تحریر درآمده‌است.

کتاب حاضر به زبانی ساده و روان نوشته شده به نحوی که اصطلاحات تخصصی کمتر در آن به کار رفته و خوانندگان با هر گونه پیشینه و تخصصی به راحتی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کرده و از آن استفاده نمایند. در پایان هر فصل نیز، منابعی برای مطالعه بیشتر به خوانندگان معرفی شده‌است.

کتاب عبور از طوفان، در ۱۶ فصل ارائه شده و مولفان درباره موضوعاتی چون؛ ایده‌های ذهنی، بهبود ایده‌های خام، قوائد حمایت از ایده‌ها، نوشتن طرح تجاری اهداف و مزایای آن، تبدیل نمونه اولیه به محصول نهایی، بازاریابی، مسائل حقوقی مرتبط با ثبت شرکت، تصفیه و ورشکستگی شرکت و منابع انسانی آن، مطالبی را ارائه نموده‌اند.

در مبحث مدیریت شرکت‌ها به مسائلی مانند؛ مدیریت کنترل کیفیت، مدیریت پروژه، مدیریت منابع انسانی، مدیریت فرایند رشد و منابع آن، مدیریت منابع مالی (معرفی بانک‌ها و صندوق‌های حمایتی) و تعیین ارزش و قیمت شرکت اشاره شده‌است.

در انتها، به سوابق علمی و پژوهشی دکتر سید کامران باقری، از نویسندگان کتاب، اشاره شده و پنج کتابی که ایشان به زبان فارسی به رشته تحریر در آورده، معرفی کرده است.



شب توان یاب

در مجتمع رعده چه خبر بود؟



همزمان با فرارسیدن روز جهانی افراد دارای معلولیت مطابق سال‌های پیش، برنامه‌ای با حضور کارآموزان، هنرجویان، کارآموختگان، اعضا هیأت‌امنا و هیأت‌مدیره، اعضای گروه‌های همیاری بانوان و جوانان، کارکنان و نیکوکاران مجتمع رعده در سالن همایش این مؤسسه برگزار شد. ویژگی مراسمی که امسال در سالن آمفی‌تاتر به اجرا درآمد، مشارکت مجله فرهنگی هنری بخارا (مجری شب‌های بخارا) و حضور گروهی از شخصیت‌های ادبی در این مراسم بود.

به گزارش روابط عمومی مجتمع رعده، در ابتدای این مراسم، منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعده، ضمن عرض خیرمقدم به حضار، فرارسیدن ۱۲ آذر روز جهانی معلولان را تبریک گفت و افزود: مجتمع رعده با احترام به اعتماد عمومی نیکوکاران و شهروندان شریف به مناسبت این رویداد بین‌المللی، کتابچه‌ای را با عنوان کارنامه رعده، تنظیم و منتشر کرده تا مهم‌ترین فعالیت یک سال گذشته این مؤسسه را به اطلاع عموم برساند. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به جذب ۱۴۸ کارآموز جدید و ۲۷۸ نفر در هر ترم تحصیلی اشاره کرد. از سرفصل‌های دیگر، آموزش به ۳۴ نفر کارآموخته در آزمون‌های فنی و حرفه‌ای و ارائه خدمات آموزشی تلفیقی برای کاهش شکاف اجتماعی بین افراد دارای معلولیت و تدریس در کنار آموزش‌های برخط (آنلاین) است که از ابتکارات آموزشی این مؤسسه در سال گذشته بود.

مدیرعامل مجتمع رعده با تأکید بر اهمیت اشتغال توان‌یابان، افزود: سال گذشته کارآموزان و هنرجویان رعده از طریق خوداشتغالی بالغ بر ۸۲۲ میلیون ریال کسب درآمد کردند که این مبلغ با شرکت آنها در ۲۱ نمایشگاه و غرفه و عرضه محصولات آنها به دست آمد. همچنین ۵۹ نفر در طرح اشتغال حمایت شده شرکت داشتند که از این تعداد ۲۲ نفر استخدام، ۱۸ نفر کارورز و ۱۹ نفر به خوداشتغالی رسیدند. ترکیب کسانی که به استخدام درآمده‌اند، شامل: ۱۳ نفر در حوزه تولید محتوا و IT، ۷ نفر در بخش خدمات و ۲ نفر در بخش اداری است.

در ادامه مراسم، دکتر محمد رجایی‌مقدم، معاون مرکز اطلاعات دفتر سازمان ملل متحد در ایران پیام آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد را به مناسبت روز جهانی معلولان قرائت کرد. سپس تیمو کامران مدیر بخش ارتباطات و اطلاعات دفتر

منطقه‌ای یونسکو، پیام اودری آزوله، مدیرکل سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) را به اطلاع حضار رساند.

بگه فرحی، توان‌یابی که مدت ۵ سال در مرکز تلفن در رعده گذرانده، با حضور در جایگاه، از فراز و فرودهایی که در کار با آن روبه‌رو بوده گفت و افزود: من همیشه سعی می‌کنم با صبر و بردباری مشکلات محیط کار را مدیریت کنم و با وجودی که در شغل من رقابت وجود دارد، توانسته‌ام در محیطی دوستانه به وظایف حرفه‌ام عمل کنم.

در قسمت دیگری از مراسم، هنرمندان نقاشی که آثارشان در پارآرت ۲۰۱۸ توکیو ژاپن به نمایش درآمده بود، در کنار ورزشکاران عضو تیم ملی والیبال نشست و قهرمانان مسابقات بوچیا، مورد تشویق قرار گرفتند. همچنین گروه موسیقی ماهور از استان البرز به سرپرستی هنرمند توان‌یاب، سجاد شوشتری چند قطعه موسیقی سنتی اجرا کردند.

با اتمام بخش اول مراسم، "شب توان‌یاب" با سخنرانی علی دهباشی، سردبیر مجله بخارا آغاز شد. ابتدا او با اشاره به فرهنگ کهن سرزمین ایران، افزود: "بسیار خوشحالم که پانصد و چهل و هشتمین شب از شب‌های بخارا را به نام گرامی "شب توان‌یاب" در این مؤسسه بزرگ و روحانی برگزار می‌کنیم. از چندین هزار سال پیش که به فلات ایران آمده و زندگی را در این فلات پُر از نعمت آغاز کردیم، همواره در معرض انواع





توکز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

انگار شاعر، این شعر را برای امروز سروده است! اما این پیام جهانی مربوط به بیش از ۷۰۰ سال پیش است و اشکال دیگری از آن را فردوسی بزرگ، حافظ، خیام و دیگران برای بشریت به ارمغان آوردند. پیامی که جز مهر و دوستی چیز دیگری نیست. پس به این فرهنگ، سرزمین و گذشته تاریخی درخشان ببالیم و خودمان هم پیام صلح و انسان‌دوستی آن پیام‌آوران بزرگ را ترویج و گسترش دهیم.

در ادامه این مراسم، ترانه میلادی گرافیست، مشاور برندینگ، مجری تبلیغات، دارنده ۲ مدال طلای مسابقات ملی مهارت، نویسنده و مؤلف ۵ عنوان کتاب با ۱۲ سال سابقه فعالیت در حوزه‌های اجتماعی افراد دارای معلولیت، ضمن اشاره به خاطره‌ای از ۲۰ سال قبل، هنگامی که نخستین بار با مجتمع زعد آشنا شده بود، گفت: پیش از شروع سخن، می‌خواهم به یکی از مزیت‌های معلولیت که شاید برایتان جالب باشد، اشاره می‌کنم. معلولان جسمی حرکتی هر جا می‌روند، صدلیشان را با خودشان می‌برند، به همین دلیل به صدلی دیگران نیاز ندارند! اما وقتی پوستر به یاد ماندنی امشب را دیدم، یاد خاطره‌ای افتادم که گفتنش شاید خالی از لطف نباشد تا شما هم با سیر تکاملی زعد بیشتر آشنا شوید. من یکی از کارآموزان قدیمی زعد هستم، درست ۲۰ سال پیش یک روزی مثل همین روزها من روی این سن حاضر شدم در حالی که زعد ۲ طبقه بیشتر نداشت و طبقه دومش هم در حال ساخت بود این دیوارهای سالن پر از گچ بود، صدلی‌های سالن،

هجوم‌های بزرگ تاریخی قرار گرفتیم. شاید هیچ کشوری و هیچ سرزمینی این‌گونه آماج انواع تهاجمات از شرق، غرب، جنوب و شمال قرار نگرفته باشد، اما هزاره‌ها از پی هم گذشت و ما ماندیم در حالی که نامی از آنهایی که ما را در معرض خطر قرار دادند، نیست. به‌راستی راز ماندگاری ما در چه بود؟ آیا در ارتش‌های قوی یا در مردان جنگی بود؟ در مقابل هجوم اقوامی مثل؛ مغول و عرب با آن ساختار عظیم نظامی چه طور توانستیم مقاومت کنیم؟

اما مقاومت کردیم و راز ماندگاری ما چه در حال و چه در دوران گذشته تاریخی، زبان فارسی و فرهنگی بود که در جغرافیای تاریخی این زبان، از مرزهای سیاسی که بین ما و دیگران کشیده شده، فراتر رفت و به جغرافیای فرهنگی و تاریخی حوزه تمدنی زبان فارسی رسید و بخش مهمی از فرهنگ جامعه بشری را به خود اختصاص داد. من بی‌خود و بی‌جهت گرفتار ایران ستایی نیستم اما هیچ زبانی و هیچ تمدنی همچون زبان فارسی و فرهنگ ایرانی مبشر صلح، انسان‌دوستی و آزادی نبوده است. برای ادعای خودم به ستاره‌های درخشان ادبیات بزرگ زبان فارسی همچون؛ مولوی، فردوسی، سعدی، خیام، حافظ و بسیاری دیگر اشاره می‌کنم که هیچ زبانی در دنیا یکی از اینها را هم ندارد. تمام متن‌های این بزرگان مبشر انسانیت، مدارا، تساهل و تسامح برای بشریت است.

بیش از ۷۰۰ سال پیش سعدی شاعر بزرگ ما سروده است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار



۱۳۹۱
شماره ۱۲۴ زمستان

صندلی فایبرگلاس رنگ ووارنگ بود که بعضی‌ها هم شکسته بود، هیچ سیستم صوتی و تصویری خاصی نداشتیم. امکانات خاصی که بچه‌ها بیایند و برنامه‌هایشان را اجرا کنند وجود نداشت، فقط گاهی تقدیر و تشکر از مربیان و کارآموزان انجام می‌شد. حالا ۲۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد و این سالن تجهیز و تکمیل شده و سالی چندمنظوره است که برای مراسم ترحیم، شادی، همایش‌ها، جشن‌ها، تولدها و تقدیرها از آن استفاده می‌شود. ۲۰ سال پیش من نوجوانی ۱۵ ساله بودم که تازه روی صندلی چرخدار نشسته بودم و داشتم با بیماری جدیدم بیشتر آشنا می‌شدم، بیماری‌ای که علاج نداشت و محدودیت‌های زیادی را برآیم ایجاد می‌کرد. این سالن هم مثل من رشد کرد و کامل شد. من هم سعی کردم که انسان چند منظوره‌ای شوم و با کسب مهارت‌های مختلف، محدودیت‌هایم را جبران کنم. این سالن غم‌ها دیده، شادی‌ها دیده، من هم در زندگی، غم و شادی زیادی دیدم. ولی در نهایت، هم این سالن کامل شد و هم من. من آرزو داشتم که روزی مثل مربی‌ای که به من و کارآموزان دیگر در رعد درس می‌داد، مربی شوم و به این بچه‌ها درس دهم و حالا روزی است که من به بچه‌ها درس می‌دهم و از تجربیاتم برای آنها می‌گویم.

باید سعی کنیم که اندازه ظرف وجودی خود را بدانیم. همه‌ی ما یک ظرف وجودی داریم که از غم‌ها، شادی‌ها، دردها، رنج‌ها و چیزهای دیگر پر می‌شود و اگر ظرفمان کوچک باشد، زود کم می‌آوریم. ولی باید بدانیم که جسم ما یک قالب بیشتر نیست و قرار نیست کسی را با جسمش به یاد بیاورند!!! من همیشه آرزو داشتم که گرافیکست توانمندی شوم، نه برای این‌که در مجامع عمومی از من تقدیر شود، برای اینکه احساس می‌کردم اگر در این رشته توانمند شوم، می‌توانم کاری کنم که مؤسسات خیریه بهتر بتوانند خود را معرفی کنند. به همین علت امروز بعد از ۲۰ سال، کتابی را با عنوان "برندینگ در حوزه اجتماعی" برای کمک به سمن‌ها نوشته‌ام تا از راه تبلیغات و دانش و تخصصی که دارم به مؤسسات خیریه، انجمن‌ها یا افرادی که در این حوزه فعالیت دارند، یاری رسانم. هیچ‌کس از کسی که معلولیت دارد، انتظار ندارد که به دیگران کمک کند ولی اگر هدفشان این باشد که به دیگران کمک کنیم، حتماً شرایط آن برآیمان فراهم می‌شود.

امروز با افتخار اعلام می‌کنم که لوگوی بیش از ۴۰ مؤسسه و سمن در سطح کشور را من طراحی کردم و کار تبلیغاتی آنها را به‌صورت رایگان انجام می‌دهم. این مسؤلیت اجتماعی من برای حوزه‌ای است که دینی به گردنم دارد. البته برای خودم هم کار می‌کنم و درآمد مناسبی دارم. من دورکاری (فریلنسر) دارم چون دوست ندارم در جایی استخدام شوم و با جایی قرارداد ببندم. فریلنسر بودن مزایا و معایبی دارد، ولی برای من مزایایش بیشتر از معایبش است.

امیدوارم روزی برسد که تمام بچه‌های رعد صرف‌نظر از اینکه واحد کارآفرینی آنها را به‌جایی معرفی می‌کند یا نه، به سمتی بروند که خودشان کارآفرین شوند و آن قدر توانمند شوند که دست ۲ نفر دیگر را هم بگیرند.

سخنران بعدی شب توان‌یاب، دکتر سیدمجید میرخانی، معاون اسبق توان‌بخشی سازمان بهزیستی کشور، عضو هیأت‌امنا و هیأت‌مدیره مجتمع رعد و عضو هیأت‌رئیس مرکز آموزش علمی کاربردی رعد بود که با حضور در جایگاه با تبریک به

مناسبت روز جهانی معلولان به توان‌یابان و خانواده‌های آنها گفت: حدود ۴ دهه است که در حوزه توان‌بخشی در داخل و خارج کشور فعالیت دارم. او ادامه داد: اولین تجربه‌ای که در ارتباط با روز جهانی معلولان دارم، اعلام سال ۱۹۸۰ به‌عنوان سال جهانی معلولان بود. این رویداد متعاقباً به دهه جهانی معلولان از سال ۸۳ تا ۹۲ تبدیل شد تا در ۳ زمینه توان‌بخشی، پیشگیری از معلولیت و ایجاد فرصت‌های مساوی، کارهایی برای افراد دارای معلولیت انجام شود.

اواسط این دهه (در سال ۱۹۸۷) بررسی کردند تا ببینند چه توفیق‌هایی در این سه زمینه به دست آمده‌است. دیدند که در زمینه توان‌بخشی و پیشگیری از معلولیت، نتایجی حاصل شده اما در زمینه ایجاد فرصت‌های مساوی، کار چندانی صورت نگرفته و با انتظاراتشان فاصله زیادی وجود دارد. پس تصمیم گرفتند، مقررات استانداری تعیین کرده و کشورها را ملزم به رعایت آن کنند. این مقررات که من هم به‌عنوان یکی از اعضا، در تدوین آن نقش داشتم، تصویب شد و در برخی از کشورها به اجرا درآمد. خاطره‌ای که از تدوین قانون استانداری دارم این بود که در تدوین این مقررات، خیلی از کارشناسان، سیاسیون و شخصیت‌های معروف حضور داشتند، اما چهره‌های شاخصی از افراد دارای معلولیت که با جان و دل و با تمام وجودشان برای این کار زحمت کشیده بودند، انتظارات دیگری داشتند. این عزیزان، کم‌تر از کنوانسیون را قبول نداشتند و می‌گفتند: این مقررات به‌رحال می‌تواند اجرا شود، اما چیزی که ما نیاز داریم و به‌کم‌تر از آن رضایت نخواهیم داد، تصویب کنوانسیون حقوق معلولان است. ولی در آن سال گفته شد که معلولان هم عضوی از بشر هستند و وقتی کنوانسیون حقوق بشر به تصویب رسیده، دیگر نیازی به تفکیک معلولان در قانون جدایی نیست. به هر حال زمینه مناسب فراهم نشد و اجازه ندادند که این ایده رشد پیدا کند و حتی از سوی مجامع پیشرفته‌ای مثل: سوئد، ایتالیا و پشتیبانی نشد و دیگران هم مقابل این حرکت جبهه‌گیری کردند و در آن سال کنوانسیون تصویب نشد.

ولی فعالان حوزه معلولیت که قانع نشده بودند در سال ۱۹۹۳ مجدداً این درخواست را مطرح کردند. در تمام فرصت‌هایی که با افراد دارای معلولیت در سراسر دنیا سروکار داشتم، شاهد این بودم که آنها چیزی را جز تصویب کنوانسیون انتظار ندارند. دهه دیگری هم طی شد تا اینکه در سال ۲۰۰۰، پنج انجمن غیردولتی (NGO) که از طرف سایر انجمن‌ها مأموریت داشتند تصویب کنوانسیون را پی‌گیری کنند، با فراهم شدن زمینه، آن را به تصویب رساندند. یکی از سازمان‌هایی که در این زمینه نقش داشت، سازمان سازمان جهانی افراد معلول بود که از ۴۰ سال قبل به چیزی کمتر از کنوانسیون جهانی معلولان رضایت نداشتند و من در مجله توان‌یاب مطلبی در خصوص آن نوشته‌ام. من روند تاریخی این سازمان را که بررسی می‌کردم متوجه شدم که آنها در تصویب کنوانسیون، بالاترین نقش را داشتند.

پس در تمام این مراحل، چیزی که باعث دیده شدن جایگاه واقعی افراد دارای معلولیت در جامعه بود، خودشان بودند و اگر کنوانسیون حقوق معلولان به تصویب رسیده، فقط و فقط به دلیل پافشاری و تلاش خود این افراد بود، نه تلاش افراد عادی و نه تلاش کارشناسان و نه تلاش دولت‌ها. امیدوارم با ادامه همین تلاش‌ها، بتوانند به مراحل بالاتری که مدنظرشان هست هم برسند و جهان بهتری را فراهم بکنند.

1 - (DPI)Disable People International





و از این فرصت برای یادآوری به خود و دیگران استفاده می‌کنیم تا مجدداً تذکری دهیم، نسبت به آن چیزی که باید انجام بشود و نشده‌است.

از دشواری‌ها و تلاش‌ها افراد دارای معلولیت گفته شد، اما در گذشته‌های بسیار دور نه گذشته هزاران سال پیش، بلکه گذشته ده‌ها هزار سال قبل در این سرزمین نسبت به کسی که معلول جسمی بوده، چگونه رفتار می‌کردند. در قسمت غربی سرزمین ایران در منطقه کردستان بین مرز ایران و عراق که امروزه در خاک عراق واقع شده، غاری به نام شنیدار در کوه‌های برادوست هست که سال‌ها قبل توسط هیأت باستان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا کاوش شد. این کاوش یکی از مهم‌ترین کاوش‌های علمی در سطح جهان است. زمانی که وارد این غار شدند، عده‌ای چوپان درونش زندگی می‌کردند که نشان از استمرار زندگی در آنجا بود، وقتی تا ۱۳ متر خاک را برداشتند و به خاک بکر رسیدند، لایه‌ای آنجا کشف شد که دایسون باستان‌شناس معروف آن را تحلیل و گزارش کرد. در آن لایه که متعلق به ۴۰ هزار سال پیش بود، معلوم شد که این غار مکان مقدسی بوده، چون افراد در آنجا به‌صورت ثانویه دفن می‌شدند، یعنی در جای دیگر می‌مُردند و در بهار آنها را به این غار می‌آوردند و خاک روی اجساد آنها پراز کرده گل‌هایی بود که ۹ مورد از آنها در کوه‌های برادوست در بهار می‌روید.

دکتر سید احمد محیط طباطبایی، رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران ایکوم، پیشگام طرح مناسب‌سازی موزه‌ها برای تحقق حقوق افراد دارای معلولیت، مبتکر روز "موزه و معلولیت" و دانش‌آموخته رشته منابع طبیعی، باستان‌شناسی و تاریخ هنر، سخنران بعدی شب توان‌یاب بود که سخنان خود را چنین آغاز کرد:

مشخصه و مزیت ایران فرهنگی و سرمایه اصلی این کشور در حوزه جهانی، همین فرهنگ تاریخی است که از آن برخوردار بوده و عنصر اصلی در حفظ استقلال فرهنگی ما را طی قرن‌ها بوده‌است. امروز را به‌عنوان روز جهانی معلولان پاس می‌داریم



شماره ۱۸۴ زمستان ۱۳۹۸

آنها دارای فرهنگی بودند که مرده را در یک پوششی از گل قرار می‌دادند و مجدد دفن می‌کردند، یعنی از آدم‌های صحبت می‌کنیم که در مرتبه خاص فرهنگی قرار داشتند، اگرچه که متعلق به دوره غارنشینی و شکار و زمانی که شاید به غلط آن‌ها را وحشی و عاری از متمدن به حساب می‌آوریم.

در میان این آدم‌ها که جمعیت خیلی کمی بودند، یکی از این اسکلت‌ها که در کنار خاکستر آتش داخل غار پیدا شده بود، متعلق به یک مرد ۴۰ و اندی سال بود که ۴۵ سال در آن روزگار مثل یک آدم ۱۲۰ ساله در دوره ما است، زیرا که عمر مردان در آن روزگار از ۲۰ سال عبور نمی‌کرد. این آدم ۴۰ ساله استخوان دستش معلول بود، یعنی به‌طور مادرزادی دستش کوچک، ناتوان و نامتجانس بود. این آدمی که فاقد دست بود، اولاً ۴۰ سال زندگی کرده و در آن دوره حق حیات داشت و جالب‌تر اینکه وظیفه‌ای هم برعهده داشته و این نبوده حالا که معلولیت دارد، بخواهند توان را به او ببخشند یا او بیاید و توان را بیابد. او توان دارد و این توانی که این معلول داشته چه بوده؟ در واقع او نگهبان آتش غار بوده که نمی‌گذاشته آتش خاموش بشود. دیدند که استخوان‌های قسمت دندان و فک او ساییدگی بسیار زیادی دارد که نشان می‌داد از این قسمت از بدنش برای رفع امورش به‌جای دست استفاده می‌کرده و جالب‌تر اینکه او یک کار دیگر هم انجام می‌داده است، درواقع او راوی و ناقل تجربه، اطلاعات و آن چیزی که ما به آن فرهنگ می‌گوئیم، برای هر گروه جوان‌تری بوده که به آن گروه اضافه می‌شدند. او تداوم فرهنگی غار و خانه و به قول امروزی‌ها موطن مردم روزگار خودش را برعهده داشته‌است.

پس ما از سرزمینی صحبت می‌کنیم که چنین نقش و نگاهی را نسبت به جامعه خودش داشته و اصلاً تفاوتی میان افرادش قائل نمی‌شده و تنوع در شکل و تفاوت را به رسمیت می‌شناختند. آنها مکمل بودن را برای کامل شدن جامعه می‌خواستند، یک‌شکل بودن آدم‌ها به دردی نمی‌خورد، به رسمیت شناختن تفاوت در آدم‌ها و درک اینکه این تفاوت‌ها چه مزیتی به وجود می‌آورد، مزیت یک جامعه را شکل می‌دهد که می‌تواند یک جامعه مترقی، پویا و کامل را پایه‌گذاری کند. در کمیته ملی موزه‌های ایران یا نهاد بین‌المللی موزه‌ها ما سعی کردیم، حق و حقوق اصلی گروه مهمی از جامعه را که می‌خواهند از موزه و هر فضای تاریخی استفاده کنند را در نظر بگیریم و به‌عنوان یک شاخص معرفی کنیم. این شاخص در حوزه جهانی مطرح نبود ولی ما آن را در حوزه ملی قرار دادیم و یک شاخص مهم برای رتبه‌بندی، تجلیل و توجه به موزه‌ها برشمردیم. در این زمینه انجمن معلولان پارس و جناب آقای شیخ‌قزایی و همکارانشان، برای سمپل‌سازی و نگاه کردن و مرتبه‌بندی آن بسیار به ما کمک کردند. امیدوارم در سال جاری این کار به شکل یک آیین‌نامه و دستاورد کلی برای افراد و گروه‌های مختلف تدوین شود. بعضی از موزه‌ها در حد ابتدایی این کار را شروع کردند، ولی هنوز درک درستی از مسائل مختلف ندارند. در دوره معاصر هم ما افرادی مثل مرحوم خزائی در حوزه نابینایان یا مرحوم باغچه‌بان در حوزه ناشنوایان و ... داشتیم. واقعاً اگر نتوانیم این فضا و این حرکت را تداوم و استمرار بخشیم برای ما جای شرم دارد. امروزه پیشرفت علم در سطوح مختلف امکانات بیشتری را فراهم کرده و دستاوردهایی را برای ما به وجود آورده که بتوانیم شرایط مناسب را برای همه افراد با هر ویژگی جسمانی فراهم کنیم تا

توانند از موزه‌ها، فضاهای نمایشگاهی یا گالری‌ها بهره ببرند. امیدوارم که افراد و گروه‌های مختلف نه در یک روز، مثل روز جهانی معلولان به نکوداشت یا بزرگداشت بپردازند بلکه به‌عنوان یک امر عادی، این توجهات همیشگی شود و شاهد نباشیم که خیابان ظهیرالاسلام که مرکز نابینایان است، بدترین خیابان برای رفت‌وآمد این افراد باشد! درک مزیت‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی ایران است که ما را به سمت توسعه اصلی و پایدار می‌برد و درک و فهم مزیت‌های هر فرد است که می‌تواند مجموعه‌ای از مزیت‌های ایران امروز ما را رقم بزند.

سخنران بعدی دکتر محمود علی‌محمدی مشاور امور افراد دارای معلولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، عضو هیأت امنای مجتمع رعد و مدیرعامل سابق انجمن نخبگان معلول بود که بیاناتش را این‌گونه آغاز کرد:

با سلام و احترام خدمت همه حضار به‌ویژه معلولان عزیز که امروز به نام نامی آنها نام گذاری شده و همچنین به همیاران معلولان که با مهربانی و خلوص در خدمت آنها و خانواده‌هایشان هستند و عرض تبریک به مناسبت روز جهانی معلولان که در سوم دسامبر مصادف با دوازدهم آذر در کشور ما به آن پرداخته می‌شود.

البته در این چند روز اخیر شنیدم که بعضی از دوستان می‌گویند، تبریک روز جهانی معلولان، تبریک نابجایی است به جهت اینکه معلولیت به مفهوم رنج و محنت که تبریک ندارد. قاعدتاً هیچ‌وقت به کسی به خاطر اینکه دچار مشکلی شده باشد، تبریک نمی‌گوئیم در صورتی که نگاهی که در سازمان‌های جهانی و در کنوانسیون حقوق معلولان وجود دارد این است که معلولیت یک تنوع بشری است. بنابراین هیچ‌کس مثلاً در مجموعه گل‌های رُز قرمز، اگر یک گل سفید وجود داشته باشد، آن گل سفید را ملامت نمی‌کند یا نمی‌گویند گل قشنگی نیستی. این یک تنوع است، بعضی‌ها گل سفید و بعضی هم گل قرمز را دوست دارند و مجموع اینها در کنار هم است که از زیبایی‌های خلقت الهی است. پس با نگاه به تنوع بشری، قاعدتاً نباید نگران مشکلاتی که افراد دارای معلولیت با آن مواجهند، باشیم. ضمن اینکه ما گاهی فقط جسم فرد رو می‌بینیم که حاصل یک نگاه صرفاً پزشکی است. در بحث‌های توان‌بخشی گفته می‌شود که وقتی که یک فرد دارای معلولیت را ارتقاء می‌دهید و وضعیت سلامتی او را به سطحی که برای آن سن و جنس متعارف است، می‌رسانید، این توانبخشی^۱ است. از اینجا به بعد اگر او از این ظرفیت‌ها استفاده کند و از این سطح بالاتر برود، این توانمندسازی^۲ است. پس می‌بینید که ظرفیت‌های دیگری وجود دارد که آنها می‌توانند این ظرفیت‌ها را رشد دهند و برجسته کنند.

بنابراین می‌بینیم کسی که نابینا است، حافظه‌اش خیلی قوی شده یا مثلاً یک معلول جسمی به لحاظ تمرینات در بعضی از اندام‌ها قوت بیشتری پیدا کرده یا مثلاً کارهای خلاقانه‌ای حتی در حد کارآفرینی انجام داده است. مطالعه شده که این افراد چون می‌خواهند مشکلاتشان را حل کنند، کارآفرین‌های بهتری هستند و عنصر خلاقیت در آنها بیشتر است. مثل کسی که دست ندارد و پاهایش را قوی می‌کند تا بتواند غذا بخورد، نقاشی بکشد و کارهای روزمره‌اش را انجام بدهد. پس من نگاه اول را نمی‌پسندم

1- Rehabilitation
2- Empowerment





و از کوه ترس داشتند و همیشه در دشت زندگی می‌کردند، دلایل اعتقادی بود. در اساطیر ما کوه جایگاه دیوها است به خاطر همین هم فریدون ضحاک را به کوه دماوند می‌برد و آنجا به بندش می‌کشد.

آن‌هایی که در دشت زندگی می‌کردند، ناچار بودند ۱۰، ۱۵، ۳۰، ۴۰ کیلومتر آب را از کوهپایه به زیرزمین بیاورند و در دشت از آن استفاده کنند. قنات‌هایی که الآن در ایران مثل قنات اردستان، کرمان، گناباد که ثبت جهانی هم شده، قدمتشان به حداقل ۲۷۰۰ سال می‌رسد و از لحاظ مهندسی شگفت‌انگیز هستند. من به جرأت عرض می‌کنم که عظمت قناتی مثل قنات گناباد و زحمتی که برایش کشیده اند، چیزی از دیوار چین کم ندارد. دیوار چین برای جلوگیری از هجوم قبایل متجاوز، روی زمین کشیده شده و یک کار ملی بود که همه در آن کمک می‌کردند. ولی این قنات زیرزمینی است و چاه اصلی آن ۳۰۰ متر در زیرزمین قرار دارد. یعنی ۳۰۰ متر در دل زمین رفتند تا به آب رسیدند و ۳۵ کیلومتر این آب را جابه جا کردند. اگر یک‌ذره محاسبات آنها غلط بود یا شیب تندتر و کندتر می‌شد، این قنات ظرف ۵۰ سال از بین می‌رفت یا آب می‌ماند و فرومی‌ریخت. برای همین گفته‌اند، مهندسی‌سازترین قنات‌های جهان در ایران است. آنها با کدام ابزار، توانسته‌اند آب را ۳۵ کیلومتر جا به جا کنند و آن زیر سد درست کردند و ۲ راه آب گرم و سرد را به هم وصل کنند؟

این کار عظیم جز با همکاری و همیاری امکان پذیر نیست. وقتی قناتی می‌خواهد شکل بگیرد، یک سلسله از تخصص‌ها، بدون هیچ چشم‌داشتی کنار هم جمع می‌شود، چون معلوم نیست که بتوانند به نتیجه مطلوب برسند! آنها با صبوری این کار را کردند. حالا این آب که می‌آید روی زمین، چطور تقسیم می‌شود؟ سیاحانی فرنگی که به ایران آمدند، غالباً صفت‌های منفی ما ایرانی‌ها را برشمرده‌اند که ایرانی‌ها زیاد دروغ می‌گویند. ولی کسانی مثل پولاک پزشک اتریشی ناصرالدین شاه که به زبان فرانسه در دارالفنون پزشکی درس می‌داد، وقتی که دید نمی‌تواند خوب درس بدهد، فارسی یاد گرفت و بعد گفت: که من اول آمدم به ایران تعجب کردم که چرا انقدر دروغ و ریا در این کشور زیاد است ولی بعد که این ملت و تاریخش را شناختم فهمیدم که آنها حق داشتن که جاهایی دروغ بگویند. چون همیشه در معرض هجوم‌های بی‌امانی از یونان، عرب، مغول و غز بوده‌اند. آنها ولی گفتند که فقط یک جا در ایران بوده که دروغ و ریاکاری در کارش نبوده و آنهم جایی بوده که آب را تقسیم می‌کردند. یعنی جایی که می‌خواستند دستاورد آن همیاری و همکاری را به

واقعاً روز جهانی معلولان را تبریک می‌گویم تا به موضوعات آن پرداخته شود و برای حل مشکلاتش سعی شود.

به من گفتند، سراغ موضوعات علمی، آمار و ارقام نروم و خاطره بگویم، من هم گفتم چشم. ما معلولان مشکلات زیادی در درس خواندن، دانشگاه رفتن و در جاهای مختلف داریم اما ازدواج کردن برای معلولان خیلی سخت است، خصوصاً اگر که استانداردهایشان بالا باشد و نخواهند کوتاه بیایند.

موقعی که می‌خواستم ازدواج کنم، به پیشنهاد پسردایی‌ام که خانمی را مطابق استانداردهای من معرفی کرده بود، برای خواستگاری به کرج که محل زندگیشان بود رفتیم. پدرم یک پیکان داشت و قرار شد که با آن برویم. من قبل از ورود به حرفه پزشکی، ۳ سال الکترونیک خواندم و کارهای فنی را خودم انجام می‌دادم و یک کنترل دستی را در ماشین پدرم نصب کردم و یک پیچ به آن انداختم، اما همت نکردم که مهره‌اش را ببندم. موقعی که برای خواستگاری می‌رفتیم، پسردایی‌ام که دوست داشت پشت این ماشین اتوماتیک بنشیند پشت ماشین نشست و چون او با پا کار می‌کرد، در حین رانندگی یکی از این پیچ‌ها افتاد و اهرم گاز خلاص شد.

خواستگاری و صحبت‌ها انجام و زمان برگشت، خانواده‌ی آنها دقت می‌کردند که این خواستگار که فردا مرد زندگی دختر ما می‌شود، چطور رانندگی می‌کند و آیا می‌تواند راننده خوبی در زندگی دخترمان بشود یا نه؟ من که سوئیچ دستم بود، در ماشین را باز کردم و پشت فرمان نشستم دسته‌گاز را که کشیدم، دیدم ای داد و بیداد این پیچ افتاده و اهرم گازی کار نمی‌کند، با خودم گفتم، حالا چه کنم؟ اگر بخوام اهرم جا بزنم، ۱۵ دقیقه طول می‌کشد، تازه چگونه معطلشان کنم و چطوری درستش کنم؟! اما به روی خودم نیاوردم و پایم را به آرامی روی پدال گاز گذاشتم و فشار دادم و با سرعت ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر ماشین را حرکت دادم. چون اهرم ترمز کار می‌کرد، بیش از حد گاز ندادم تا کنترل ماشین از دستم خارج نشود. به هر حال ماشین تا سر کوچه حرکت کرد و خانواده همسرم متوجه چیزی نشدند. سر کوچه که رسیدیم به پسردایی‌ام گفتم که چنین مشکلی پیش آمده ولی خدا را شکر که به خیر گذشت.

دکتر بهرام پروین‌گنابادی دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عربی از دیگر سخنرانان شب توان‌یاب بود که چنین سخن گفت: امشب، برای من شب بسیار خوب و تجربه بسیار گران‌بهای است. یکی از دوستان و دانشجوی عزیز که شاعر بسیار خوبی است و من نمی‌دانستم که جزء مؤسسه رعد است را اینجا دیدم. محسن ظهیرنژاد که با شعرهایش چند بار اشک مرا درآورده، دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی هستند که خواهش می‌کنم ایشان را تشویق کنید.

صدای تشویق حضار فضای سالن را پر کرد و دکتر بهرام پروین‌گنابادی ادامه داد: دوستان فرمودند که درباره فرهنگ همیاری و همکاری در ادبیات فارسی صحبت کنم. می‌گویند و درست هم می‌گویند که ما یک شکاف فرهنگی در داخل کشور داریم. در ایران به‌جز یک منطقه محدود در مازندران، بخش‌های کمی از شمال خراسان و قسمت‌هایی از آذربایجان، تمدنی که از قدیم وجود داشته، تمدنی مبتنی بر قنات و آب قنات است. یکی از دلایلی که ایرانیان در کوه زندگی نمی‌کردند





ثمر برسانند. ما چنین تمدنی داشتیم و با این تمدن حداقل ۲۷۰۰ سال زندگی کردیم ولی این هجوم‌ها خیلی چیزها از جمله سنت همیاری را از ما گرفت.

هیچ قناتی بدون همیاری و همکاری کشیده نمی‌شد. اخلاق ایرانی بر خلاف یونانیان که مبتنی بر عقل بود، مبتنی بر بی‌آزاری و کم‌آزاری است. امروز اگر ایمان بیاوریم که هر کاری که می‌کنیم برای خودمان می‌کنیم، آن موقع همه چیز حل می‌شود. شمایی که امروز دست این بچه‌ها را می‌گیرید، کار یادشان می‌دهید، اعتماد به نفس به آنها می‌دهید و آنها را تبدیل به کارآفرین می‌کنید، این کار رو برای خودتان کرده‌اید. چون هر کاری به خودمان برمی‌گردد. منتها شکاف فرهنگی باعث شده که گذشته را یادمان برود. مثل آدمی که آزیمر گرفته است!

سخن پایانی شب توان‌یاب را دکتر مریم رسولیان بر عهده داشت، وی فارغ‌التحصیل روان‌پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی ایران، رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد و عضو هیأت رئیسه مرکز علمی کاربردی رعد است. او سخنانش را چنین آغاز کرد: خیلی فکر کردم در چنین جمعی چه بگویم؟ مروری به سابقه‌ی رابطه‌ام با رعد و شروع فعالیت‌های اجتماعی کردم. حرفه‌ی پزشکی به دنبال مشکل می‌گردد و ناخودآگاه نگاه پزشک، نگاه عیب‌جویی می‌شود، تا بتواند مشکلات را پیدا کند. در کار پزشکی و بالینی زود متوجه شدم که این نگاه، و این نوع فعالیت به قدر کافی برای من خشنودی نمی‌آورد و باید به دنبال توانایی‌ها و نکات مثبت بود؛ چه در بیماران روان و چه در کسانی که دچار معلولیت هستند.

دوگانگی و دوپاره شدن یکی از آفت‌های نگاه ماست، چون همه به دنبال یک‌پارچگی و کامل شدن هستند. ولی واقعیت این است که آدم‌ها هم ایراد دارند و هم حُسن. کسی که دچار معلولیت جسمی یا بیماری روانی است، برجسی به او می‌خورد و توانایی‌هایش نادیده گرفته می‌شود در صورتی که همه ما دچار نقص‌هایی هستیم و انسان توانمند کسی است که بتواند، نقص‌ها را با توانمندی‌هایش جبران کند.

درواقع این دغدغه شخصی من بود که فکر کردم باید کمی از نگاه پزشکی به افراد فاصله بگیرم و در همین جا بود که با رعد آشنا شدم و فکر کردم، اینجا جای خوبی برای اصلاح نگاهم به دنیا است. دغدغه فعلی من پر کردن جای خالی افراد توانمند دارای معلولیت در مدیریت این مجموعه است. چون همه نهضت‌ها، اتفاقات و تحولات مفیدی که ایجاد شده به‌وسیله افرادی بوده که تجربه مشکل را داشته و نسبت به آن مشکل حس عاطفی هم داشته‌اند. این‌که افراد توانمند دارای معلولیت در هیأت‌امنا و یا هیأت مدیره حضور کم‌رنگی دارند، واقعیت است؟ آیا رفع این نقیصه به دست مدیریت رعد باید باشد و یا خود افراد دارای معلولیت هم باید بیشتر تلاش کنند و مطالبه‌گر باشند؟ خانم ترانه میلادی صحبت‌های عمیقی داشتند که حاصل یک تجربه زیسته است. ایشان در سخنانش به اهمیت رویا در زندگی خود اشاره کرد و گفت: وقتی رویا نداشته باشید، ناتوانید، مُرده‌اید و نیستید و تا وقتی که امید دارید، هستید. این وضعیتی است که جامعه هم به آن مبتلا است، لازم نیست که معلولیت داشته باشید تا به این مسائل فکر کنید، این تجربه زیسته همه ما هست. هر کس مسئول خود و اطرافش است که امید را در خود زنده کند تا باشد و

تغییر مثبت ایجاد کند. چرخه معیوبی در جامعه وجود دارد که؛ جامعه مناسب‌سازی شده نیست، امکانات رفت و آمد نامناسب است، امکانات تحصیلی محدودیت دارد و موانع ذهنی متعددی هم در جامعه و حتی خانواده‌ها وجود دارد که فکر می‌کنند که چون فرزندشان معلولیت دارد، اصلاً لازم نیست کار کند. در بحث اشتغال بیماران روان و افراد دارای معلولیت، با چنین مواردی روبه‌رو هستیم، که خانواده می‌گوید اصلاً چرا پیشنهاد می‌دهید که او سر کار برود؟ چه انتظاری دارید؟ شما اذیتش می‌کنید یا اینکه ایده‌آل‌گرا هستید. این مقابله‌ها جنبه ذهنی و روانی دارد و جنبه عینی ندارد و چالش‌هایی است که باید به آن‌ها پرداخته شود. باید برای تغییر نگرش در جامعه تلاش کنیم و به‌جای دیدن ناتوانی‌ها و عیب‌ها، توانمندی‌ها را ببینیم و از این توانمندی‌ها بهترین بهره را برده و کار را به دست خود آنها بسپاریم.

فرزاد خلیلی عضو تیم ملی والیبال نشسته، به درستی گفت که 'آنجایی که به ما فرصت برابر داده‌شده مثل پارالمپیک یا دانشگاه، بچه‌های دارای معلولیت برنده شدند'

چرا برنده شدند؟ چون آن‌قدر شرایط رشد سخت است که آدم‌هایی بالا آمدند که توانشان بالاتر از متوسط است، به معنای دیگر کسانی که توان بالایی دارند در این شرایط رشد کرده‌اند، این شرایط استعدادکشی و حتا مشابه قتل نفس است که همه ما به سهم خود در آن نقش داریم. به همین جهت هر اندازه در مورد این موضوعات بحث‌های تخصصی و یا عمومی شود و برسد که این مؤسسه توسط خود افراد دارای معلولیت اداره بشود، هیأت مدیره خودشان باشند و در هیأت‌امنا، اکثریت باشند و به ما هم اجازه بدهند که در کنارشان باشیم.

امید دارم که از این به بعد آن‌قدر مناسب‌سازی‌ها گسترش پیدا کنند که نیازی به این فضای جداسازی‌شده‌ای که به دلیل محدودیت شرایط خود را تحمیل کرده است، نداشته باشیم. فضاهای مجزا بین افراد دارای معلولیت و تندرست یک اجبار نادرست، یک برچسب و آسیب است، خوشبختانه در دانشگاه رعد فضایی ادغام یافته، فراهم شده که افراد تندرست و افراد دارای معلولیت در کنار هم باشند. آموزشگاه رعد امسال برای اولین بار این اقدام را شروع کرد که این فضای تفکیکی را ادغام کند، فضای تفکیکی محدودیت می‌آورد. با تغییر نگرش‌ها باید پذیرای فضایی ادغام یافته بود، با ایجاد نکردن محدودیت در ذهن خودمان و حذف موانع ذهنی و حذف سقف‌های شیشه‌ای بتوانیم، جامعه را یکپارچه کنیم و پذیرای تنوع‌های فرهنگی، ذهنی، زبانی، عقیدتی و از جمله افراد دارای معلولیت باشیم.



برگزاری جشن روز دانشجو

در مرکز علمی کاربردی رعد



دانشجو، افزود: تنها اعتراض به وضع موجود کافی نیست بلکه دانشجویان باید همراه با اعتراض، پیشنهادها و سازنده ارائه دهند تا شاهد بهبود شرایط باشیم. بنابراین، هیأت رئیسه مرکز آموزش علمی کاربردی رعد انتظار دارد به بهانه برگزاری روز دانشجو، این فضا فراهم شود که دانشجویان با بیان مسائل و مشکلات خود، در بهبود وضعیت موجود مشارکت فعال نمایند.

در این مراسم، افرادی چون: یوسف رستمی، مهدیه رستگار و زهرا خان‌اف، به عنوان برندگان برتر رویداد استارت‌آپی صنعت توان‌بخشی در ایران، معرفی و مورد تشویق قرار گرفتند. یوسف رستمی، ایده‌پرداز رادیو توان، با اشاره به چرایی راه‌اندازی این استارت‌آپ موفق گفت: وقتی در آستانه فارغ‌التحصیلی از رشته فناوری اطلاعات مرکز علمی کاربردی بودم، به این فکر می‌کردم که بعد از اتمام تحصیل، چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ فرض که لیسانس هم گرفتم، حالا باید بروم خانه‌نشین شوم و یا اینکه کاری را شروع کنم؟

با حضور جمعی از مسؤولان وزارت تحقیقات، علوم و فناوری، دانشگاه جامع علمی کاربردی، هیأت رئیسه دانشگاه علمی کاربردی نیکوکاری رعد و دانشجویان توان‌یاب و غیرتوان‌یاب، مراسم گرامی‌داشت روز دانشجو در سالن همایش رعد برگزار شد.

در این مراسم ابتدا دکتر مریم رسولیان رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد و عضو هیأت رئیسه مرکز علمی کاربردی رعد، در خصوص علت نامگذاری ۱۶ آذر به نام روز دانشجو گفت: علت این نامگذاری اعتراض دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به سفر رسمی ریچارد نیکسون، معاون وقت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از ایران بود. در این حرکت دانشجویی، مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و آذر شریعت‌رضوی به دست مأموران حکومتی کشته شدند و از آن تاریخ به بعد، روز ۱۶ آذر برای گرامی‌داشت این سه شهید به نام روز دانشجو در تاریخ ثبت گردید.

دکتر رسولیان با اشاره به فطرت پرشگرانه





را با طرح سوالات فنی و اجرایی، انتخاب کرد. در اینجا بود که رادیوتوان موفق شد، جایزه ۲۰ میلیون تومانی استارت آپ را برنده شود.

مهندس احمد میرزاخانی بنیانگذار مجتمع رعد و رئیس هیأت رئیسه مرکز علمی کاربردی رعد در ادامه مراسم گفت: یکی از دلایل تأسیس مرکز علمی کاربردی رعد این بود که دانشجویان توان‌یاب در فضای مناسب‌سازی شده به تحصیلات خودشان ادامه دهند.

وی افزود: مرکز علمی کاربردی رعد سعی کرد، موانع فیزیکی را از پیش‌روی توان‌یابان بردارد و با وجود آنکه دوره‌های آموزشی تلفیقی برای دانشجویان توان‌یاب و غیرتوان‌یاب طراحی شده، باید سعی کنیم، سطح دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای بالا ببریم که موضوع پژوهش و تحقیق در این مرکز توسعه یابد.

در قسمت پایانی این مراسم از دانشجویان موفق، مدرسان و همکاران پرتلاش مرکز، با اهدا لوح سپاس قدردانی شد.

وی افزود: در همین افکار بودم که به جای خالی یک رسانه تخصصی پُر مخاطب در حوزه افراد دارای معلولیت رسیدم و این موضوع را با چند نفر از هم‌دوره‌های‌هایم در میان گذاشتم. با موافقت و همکاری خانم‌ها؛ زهرا خان‌اف و مهدیه رستگار هسته اولیه رادیوتوان شکل گرفت و خوشحالم که بگویم، طی ۳ سال گذشته رادیوتوان توانست جایگاه خود را با پخش برنامه‌های سودمند و تأثیرگذار در بین جامعه پیدا کند.

یوسف رستمی مدیرعامل رادیوتوان، با اشاره به عامل اصلی موفقیت این رویداد، گفت: موفقیت کالایی نیست که بشود آن را از فروشگاه خرید یا دارویی نیست که بشود از داروخانه تهیه کرد، موفقیت فقط با تلاش، پی‌گیری و کار آگاهانه میسر می‌شود. در روز اول راه‌اندازی این رویداد، تمام شرکت‌کنندگان ۳ دقیقه فرصت داشتند تا ایده‌های خود را شرح دهند و در ادامه، تیم‌ها ۳۶ ساعت در مورد تقویت و تکامل ایده‌های منتخب همفکری کردند و در مرحله پایانی، هیأت داوری ایده‌های برتر



تشویق کارآموختگان رعد در رویداد استارت‌آپی حوزه صنعت توان بخشی در ایران



اولین رویداد استارت‌آپی حوزه صنعت توان بخشی در ایران، با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، صندوق نوآوری و شکوفایی، شرکت همیار مکانیک کوشا و مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد برگزار شد.

اختتامیه این رویداد با حضور؛ دکتر پروین داداندیش رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، محمودرضا آقامیری رئیس دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران و واحد تهران مرکزی، دکتر علی ربیعی سخنگوی دولت، دکتر وحید قبادی دانا رئیس سازمان بهزیستی، دکتر علی وحدت رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری، دکتر سیاوش ملکی‌فر معاون توسعه صندوق نوآوری، دکتر اعظم بیات سرپرست مرکز آموزش علمی کاربردی رعد و مسعود حاتمی مدیر عامل شرکت همیار مکانیک کوشا، صاحبان ایده دانشجویان، در سالن هگمتانه هتل المپیک تهران برگزار شد.

دکتر علی ربیعی، در این مراسم، ضمن تشکر از برگزارکنندگان این رویداد، بعد از تبریک روز جهانی معلولان، گفت: به میزانی که محیط‌های عمومی مناسب شوند، میزان معلولیت در جامعه مشخص می‌شود. برون رفت کشور از صدماتی که تحریم بر جامعه ما تحمیل کرده با خلاقیت و نوآوری شرکت‌های دانش بنیان، شدنی است. عمده چیزی که می‌تواند کمبود بودجه کشور را جبران کند، نوآوری، خلاقیت و بهره‌وری است و اگر بتوانیم با خلاقیت و ابتکارات شرکت‌های کوچک، ایجاد اشتغال‌های خرد را حمایت کنیم، شاهد روزهای بهتری در اشتغال کشور خواهیم بود.

گفتنی‌ست در اولین روز رویداد، پس از تشکیل تیم‌های تخصصی متناسب با هر ایده (متشکل از دانشجویان رشته‌های کامپیوتر، برق، گرافیک، طراحی صنعتی، مهندسی پزشکی، مدیریت، بازاریابی، حسابداری، اقتصاد، علوم بهزیستی و توانبخشی) و بعد از آشنایی اعضای تیم‌ها به یکدیگر، هر تیم به همراه یک تسهیل‌گر، در محل‌های مشخص شده مستقر شده و تحت نظارت تسهیلگران متخصص، شروع به فعالیت بر روی ایده‌های خود کردند. در روز دوم، ایده‌های نهایی توسط یک نماینده از هر تیم در حضور داوران، منتورها و سرمایه‌گذاران ارائه شد و سپس از میان ۱۵ ایده منتخب، به صاحبان ایده‌های برتر؛ یوسف رستمی، محدثه عسگری، و مهرداد دهقانی جوایز نقدی اهدا شد.

شایان ذکر است، ایده رادیو توان که توسط رویداد استارت‌آپی در حوزه صنعت توان بخشی معرفی شد، حاصل همفکری ۳ نفر از کارآموختگان مجتمع رعد به نام‌های؛ یوسف رستمی، مهدیه رستگار و زهرا خان‌اف است. خانواده بزرگ خیریه رعد این موفقیت را به این دوستان صمیمانه تبریک می‌گوید.



بازدید شهردار تهران از مجتمع رعد



دکتر پیروز حناچی شهردار شهر تهران، همراه با جمعی از مسؤولان شهرداری منطقه ۲، با هدف آگاهی از فعالیت و عملکرد مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و مشاهده آثار و محصولات هنرجویان و شرایط تحصیلی دانشجویان این مرکز، درایام مربوط به روز جهانی افراد دارای معلولیت، از این مؤسسه بازدید کرد و با برخی از کارآموزان شاغل به تحصیل، گفت‌وگو کرد. او همچنین از کلینیک توان‌بخشی، فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی، سالن درمان بیماران ضایعه نخاعی، سایت آموزش فنون کامپیوتر، کارگاه نقاشی، کارگاه معرق چوب و سالن ورزش رعد هم بازدید نمود. شهردار تهران در پایان این بازدید با حضور در نخستین رستوران مناسب‌سازی شده افراد دارای معلولیت با عنوان «رستوران دست»، از این مکان دیدن کرد و از نزدیک با فرآیند طراحی و ساخت این مکان آشنا شد و در جریان جذب نیرو در این رستوران و نیز پانزده نفری که محصولاتشان را غیرحضور در این رستوران عرضه می‌کنند، قرار گرفت.

بازدید مسؤولان رعد اراک از مجتمع رعد



به دعوت منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد، مهندس محمدرضا اسدیپور مدیرعامل رعد اراک به همراه دکتر ذوالفقاری مسؤول بخش کارآفرینی، نفیسه پارسا مدیر آموزش و مهندس محمدمهدی کاشانیچی، عضو هیأت مدیره و خزانه‌دار آن مرکز، از مجتمع رعد دیدار کردند و ضمن بازدید از بخش‌های مختلف مجتمع، با مسؤولان واحدهای مختلف چون؛ روانشناس، اشتغال، آموزش، منابع انسانی و روابط عمومی گفت‌وگو کردند. در این نشست مدیرعامل مجتمع رعد، ضمن تشریح روش اشتغال حمایت شده (SE) و توضیح مراحل پنجگانه، از تاریخچه و نتایج این روش سخن گفت. در ادامه این بازدید از کلاس‌ها، کارگاه‌ها و سایت‌های آموزش کامپیوتر دیدن شد و برای همکاری‌های آتی تصمیماتی گرفته شد.

so that it can all prevent foreign currency from exiting the country and preserve national resources.

Acquainting people with disability with the latest equipment for a better life was another goal of this exhibition.

▲ Our products are absolutely able to compete with similar foreign ones

A conversation with Davood Haydari, the managing director of sehat rastin company, about manufacturing rehabilitation equipment for people with disability and the disabled-at-war

According to him, among the products they manufacture are hand bikes and light wheelchairs similar to the wheelchairs made in Europe, all of which were exhibited at Elecomp Exhibition.

▲ How much richter scale is the earthquake of your subconscious?

Murmur

▲ A day in class

Working with your hands and wood soothes your mind and soul

A day in the carving class and a conversation with Gholamreza Yousefi - instructor, and with the trainees

▲ The Iranian society of the disabled-at-war with spinal cord injuries (ajnokhaei.ir), is the executive and regulatory body of Martyr Foundation

A conversation with Mahdi Asadzadeh - the member of the board of directors of The Iranian society of the disabled-at-war with spinal cord injuries (ajnokhaei.ir), about the activities of this society

According to him, the main responsibility of this society-which was established in 2006- is seeing to how the disabled-at-war with spinal cord injuries are doing in terms of their livelihood, economic and cultural situation, and the cure and healthcare they receive, all on a nationwide level.

▲ It would be great if...

Back yard

Life skills

▲ We are all disabled!!

Life skills

18. Advanced artificial leg will make it easy for people with disability to walk

Tools

▲ Influenza

Health

▲ Murmur

A life

▲ Thank God we are content with our life and with being together



A conversation with Samaneh Shafigh and Ismaeil Yousefpour, a vertically-challenged couple who got married 6 years ago and both work in theater.

The fruit of this marriage is a three-year-old daughter called Hana.

▲ Memories

▲ Health

Tai chi

▲ Murmur

▲ Introducing a book

Surmounting Storm

▲ What's up in Ra'ad?

throughout the country

▲ **Tavantak was well seen in Elecomstarts, and its importance was realized**

A conversation with Rayhaneh Vahidian; a young aide to Head of Iran Information Technology Organization, about Tavantak event

"It was when I obtained first-hand knowledge of the community of people with disability and felt their real needs that I realized the importance and value of observing the standards of disability-oriented adapting, and I arrived at the conclusion that Elecomstarts is not necessarily about non-disabled people who render public services, but it is also about able people who have disability and have been left out from the society", Vahidian says.

▲ **Tavanito made a splash because it was a response to my own needs!**



A conversation with Vahid Rajablo- the entrepreneur and an eminent figure at Tavantak

It is about thirteen years he has known IT, and has established the successful startup "Tavanito" for a few years.

"I have executed several projects in software and marketing, and Tavanito is one of them; in fact, it is the cream of the crop" Rajabloo says. Vahid believes that, the reason this startup has become successful is that it has been created in response to his own need.

"Tavanito offers both application and website, and people can introduce and register their services; they can also look for the response to their needs as an applicant" he adds

▲ **I wholeheartedly ask the community of people with disability to use the application "Paknoma"**

A conversation with Alireza Mohammad Beyginia; retired teacher of the Ministry of Education

He has created a website called Paknoma for the purpose of completing the cycle that is oriented towards work, design and adapting.

His idea is to introduce to the society those groups of people with disability who are able and can render services or supply goods.

In this conversation, he asks people with disability and the visually-impaired to participate in this entrepreneurial endeavor by attending Paknoma and introducing it to their friends and family.

▲ **A platform for those who cannot attend medical laboratories**

A conversation with Shaghayegh Khalili - a PhD student in Entrepreneurial Management, who has launched the platform of online medical test with the help of Mohammad Mojaddadi - a holder of BA in artificial intelligence

According to her, online medical test is a platform for those who either cannot attend or do not have the time to attend medical laboratories.

She adds that applicants can submit their requests for having medical tests through the website, using "online medical test" application, or contacting by phone, mentioning that they need to have a blood test at home, by setting a day, a time and their address.

▲ **An application for immediate communication**

A conversation with Hamid Reza Mohtaram, managing director of "Tehran Parto Diligent Deat Company"

He is unable to hear (deaf) and has studied Information Technology. Hamid Reza is currently the managing director of "Tehran Parto Diligent Deat Company" and the license holder of the media studio of hearing-impaired.

Two years ago with VOD project, which is for hearing-impaired, and this year with Hanap project, he participated in Tavantak, and was chosen as the best in Tavantak and one of the best in Elecomp exhibition.

▲ **The goal of this exhibition is making life easier for people with disability**

A conversation with Fereydoon Noori - the founder of the international specialized exhibition of rehabilitation equipment and services,, about the fifth round of this exhibition

He regards the goal of this exhibition as introducing domestic manufacturers so that they can manufacture their products and supply them to the target market in a healthy competition and by using the latest technology



▲ Editorial

▲ Tavantak had reached maturity at that time



A conversation with Dr. Amir Nazemi, Head of Iran Information Technology Organization, and the deputy of the Minister of Information and Communication Technology about Tavantak event which was held at Elecomstarts exhibition

According to him, Tavantak covers two major areas. First, it works on accessibility for all people; that is, if there is any information technology tool, it should be accessible to all.

The second area concerns things that are peculiar to certain groups and needs, such as websites like Tavanito.

▲ Tavantak strives to support people with disability in the area of startups



A conversation with Sahar Shalgooni - the expert of employment office and the administrator of self-employment area of Ra'ad, as well as the project manager of Tavantak - about the ceremony of Tavantak

According to her, Tavantak tries to support those who have disability and are working in the area of startups, and to introduce them and their abilities at these kinds of events.

▲ Before the advent of Tavantak we would develop players, now we set up the game

A conversation with Arash Barahmand - the executive director of Elecomstarts,, about the characteristics of the Tavantak event in its the third year of its ceremony

He has been the executive director of Elecomstarts for three years, and the names Elecomstarts and Tavantak were given at his suggestion.

According to him, one of the most important events which happened this year in Tavantak, was the decision and announcement of the instruction of adapting all governmental and non-governmental websites for people with disability, by Dr Nazemi - the deputy of the Information Technology Organization - for people with disability.

"I dare to say that during the 17-18 years that I am working, one of the most successful things I have done that has had an actual impact on the society, has been the Tavantak event, and I am thrilled for having been a part of it" Barahmand. adds.

▲ A website that is intended to put innovations at the service of social responsibility



Head of Iran Information Technology Organization

A conversation with Dr. Meshkat Asadi - the advisor of women's affairs and the social empowerment to Head of Iran Information Technology Organization about empowering people with disability and the underprivileged through creating a connection in the startup ecosystem of the country - the activity which Iran Information Technology Organization follows